

راه نجات

---

راه نجات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**مشخصات کتاب**

**اسم کتاب:** راه نجات

**مؤلف:** الیاس قاسم اف

**تعداد:** ۳۰۰۰

**نوبت چاپ:** اول

**چاپخانه:** لیلی

**سال چاپ:** ۱۳۸۷ ش

**ناشر:** مرکز چاپ و نشر



## مقدمه

پیامبر بزرگ اسلام (ص) در حدیث متواتری راهی را به عنوان تنها راه برای نجات امت اسلامی از گمراهی معرفی کرده‌اند. ما در این نوشتار به عنوان اطلاع‌رسانی، این تنها راه نجات را که مسأله بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است مورد بررسی قرار داده و آن را در اختیار مسلمین قرار خواهیم داد.

رسول اکرم (ص) در حدیث متواتری تبعیت از کتاب خدا و عترت و اهل بیت خویش را برای امت اسلامی توصیه نموده و اعلام فرموده‌اند که تنها راه نجات از ضلالت و گمراهی با پیروی از این دو به دست می‌آید. و این از سوی اسلام ضمانتی برای امت اسلامی است. بنا بر این هر کس خواهان رضایت پروردگار متعال و بهشت جاودان است، باید از این دو یادگاری که رسول خدا (ص) به امانت گذاشته‌اند، پیروی کند تا سعادت ابدی را کسب نماید.

این دو امانت آن قدر مهم است که بنا به اعتراف علمای اهل سنت، رسول گرامی اسلام (ص) آن را در سه ماه آخر عمر شریف خویش در چهار مکان و زمان مختلف برای امت خود بازگو فرموده و آن‌ها را به پیروی و چنگ زدن به آن سفارش کرده‌اند.

از مطالب مهم دیگری که رسول خدا (ص) به امت خویش در مکان‌ها و زمان‌های مختلف خبر داده‌اند این است که پس از ایشان دوازده نفر خلیفه و جانشینان آن حضرت خواهند بود. از جمله مکان‌هایی که آن حضرت این حدیث شریف را ایراد فرموده‌اند در حجة الوداع و در روز عرفه بوده است. در آن روز حضرت امت خویش را هم از رهبری کتاب خدا و اهل بیت خبر داده‌اند و هم از اینکه این رهبران دینی دوازده نفرند.

ولی متأسفانه بسیاری آگاهانه و یا ناآگاهانه به این احادیث و این سفارش اهمیت نداده و از آن فاصله گرفته‌اند. از این جهت بر آن شدیم تا در این نوشتار این موضوع و مسأله مهم را در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهیم تا ان شاء الله موجب رهنمایی در شناخت حق و پیروی از آن و رسیدن به سعادت ابدی باشد.

باید دقت داشته باشیم که رسول خدا (ص) در این حدیث متواتر و قطعی تنها يك راه را سبب نجات از ضلالت معرفی فرموده‌اند. بنابر این هر کس می‌خواهد گمراه نشود تنها راهش این است که از کتاب خدا و اهل بیت آن حضرت تبعیت کند. با وجود چنین حدیث متواتری هیچ عذری در پیشگاه پروردگار متعال نخواهیم داشت.

یادآور می‌شویم که در این نوشتار تنها به کتبی استناد کرده ایم که این حدیث شریف را با سند ذکر کرده‌اند و یا در مورد سند آن نظر داده‌اند و الا این حدیث را صدها کتب دیگر و علما در نوشته‌های خود ذکر کرده‌اند که ما به آن‌ها اشاره نکرده‌ایم. همچنین در مورد حدیث متواتر قاعده چنین است که به صحت و ضعف سند توجه نمی‌شود؛ زیرا حدیث متواتر صدورش از معصوم قطعی است و تردیدی در صدور آن از سوی شارع مقدس نخواهد بود. با این وجود ما اکثر اسانید این حدیث شریف را بررسی کردیم و هر جا در مورد راوی حدیث از سوی محدث اهل سنت اشکالی وجود داشت آن را بیان کردیم و در صورتی که در مورد سندی همه‌ی راویان از نظر اهل سنت ثقه بودند بعد از بررسی به صحت آن اشاره کردیم، بدون اینکه نظر آن‌ها را نقل کنیم. و چون این حدیث از احادیث خیلی مهم است و در واقع در حق این حدیث کوتاهی عمدی و ظلم شده و از نظر مسلمین پنهان نگه داشته شده است، برای اینکه خواننده‌ی عزیز به عظمت این حدیث پی ببرد ما اسانید روایات را نیز همراه متن



عربی حدیث به طور کامل ذکر کردیم تا هر کسی خواست خود نیز سند هر کدام از آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. اینک با ترتیبی که در نظر گرفتیم، به بیان احادیث و سندهای آن خواهیم پرداخت.

### ۱- احادیث زید بن ثابت با لفظ خلیفتین

این حدیث شریف با دو لفظ "خلیفتین" و "ثقلین" روایت شده است که اکنون به ترتیب با آن‌ها آشنا خواهیم شد.

۱- حدثنا عبید الله قال: أخبرنا شريك عن الرکين عن قاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم خلیفتين: كتاب الله عز وجل و عترتي أهل بيتي وإنهما لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا در بین شما برای بعد از خود دو خلیفه و جانشین گذاشتم. (و آن دو) کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم هستند و آن دو قطعاً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup> سند این حدیث کاملاً صحیح و رجالش ثقة هستند.

۲- الطبرانی قال: حدثنا عبید بن غنام، ثنا ابو بکر بن أبي شيبه، ثنا شريك عن الرکين بن الربيع عن القاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الخلیفتين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي وإنهما لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض.

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا در بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم (و آن

۱. المعرفة والتاريخ، ج ۱، ص ۱۲۱.

دو) کتاب خدا و عترتم اهل بیتم هستند و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup> هیثمی و البانی سند این حدیث را صحیح دانسته‌اند. باز طبرانی با اسناد زیر چنین روایت کرده است:

۳ و ۴ و ۵- حدثنا أحمد بن مسعود المقدسی ثنا الهیثم بن جمیل

ح وحدثنا أحمد بن القاسم بن مساور الجوهري ثنا عصمة بن سليمان الخزاز

ح وحدثنا ابو حصين القاضی ثنا يحيى الحماني

قالوا ثنا شريك عن الركين بن الربيع عن القاسم بن حسان عن زيد بن ثابت عن رسول الله (ص) قال: إني قد تركت فيكم خليفتين: كتاب الله وأهل بيته وإنهما لم يفترقا حتى يردا على الحوض.

زيد بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم. (و آن دو) کتاب خدا و اهل بیتم هستند و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup> چنان‌که ملاحظه می‌کنید این حدیث را طبرانی با سه سند روایت کرده و تمام اسناد آن صحیح و روایتش ثقة هستند.

6- حدثنا عمر بن سعد ابو داود الحفري عن شريك عن الركين عن القاسم بن حسان عن زيد بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الخليفتين من بعدى: كتاب الله و عترتي أهل بيته وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

۱. معجم الكبير، ج ۵، ص ۱۵۴، ح ۴۹۲۲. مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۷۰. سلسله احاديث الصحيحه، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۲۴۵۷.  
۲. معجم الكبير، ج ۵، ص ۱۵۳، ح ۴۹۲۱.

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم. (و آن دو) کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم هستند و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>  
سند این حدیث نیز صحیح و روایت آن همه ثقه هستند.

**7- حدیثا عبد الله حدثنی ابي ثنا ابو أحمد الزبیری ثنا شريك عن الرکین عن القاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول (ص): ثم انی تارك فيکم خلیفتین: کتاب الله وأهل بیتهما لن یترقا حتی یردا علی الحوض جمیعاً.**

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم. (و آن دو) کتاب خدا و عترتم هستند و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>  
هیثمی سند این حدیث را صحیح دانسته است.

**8- حدیثا عبد الله حدثنی ابي ثنا الأسود بن عامر ثنا شريك عن الرکین عن القاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): ثم انی تارك فيکم خلیفتین: کتاب الله جبل ممدود ما بین السماء والأرض أو ما بین السماء إلى الأرض و عترتي أهل بیتهما لن یترقا حتی یردا علی الحوض.**

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم: (یکی) کتاب خدا، ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین و عترتم و آن دو

۱. مصنف ابن ابی‌شبهه، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۳۱۶۷۹.  
السنة ابن ابی‌عاصم، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۶۴۲، ح ۷۵۴ و ۱۵۴۹.

۲. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۹، ح ۲۱۶۹۷.

حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

راویان این سند نیز همه ثقه‌اند.

**9- حدیث ابو عمرو محمد بن محمود الأصبهانی جاز ابی بکر بن ابی داود نا علی بن خشرم المروزی نا الفضل عن شريك هو بن عبد الله یعنی عن الرکین عن القاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): إني قد تركت فيكم خليفتين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي وإنيهما يردان على الحوض.**

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند: همانا بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم. (و آن دو) کتاب خدا و عترتم هستند و آن دو حتماً سر حوض بر من وارد خواهند شد.<sup>۲</sup>

راویان این حدیث نیز همه ثقه هستند.

**10- وأخرج ابن عقدة في "الموالاة" من طريق محمد بن كثير عن فطر وأبي الجارود كليهما عن أبي الطفيل عن زید بن ثابت قال: قال رسول (ص): إني تارك فيكم خليفتين: كتاب الله عزوجل حبل ممدود من السماء الى الارض و عترتي أهل بيتي وإنيهما لن يفترقا حتى يردا الحوض.**

قندوزی حنفی می‌نویسد: ابن عقده از طریق محمد بن کثیر از زید بن ثابت روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرموده- اند: همانا در بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۱، ح ۲۱۶۱۸. فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۶۰۳، ح ۱۰۳۲.  
۲. فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۷۸۶، ح ۱۴۰۳.

عترتم. وآن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

این حدیث گرچه در اصل مسند است، ولی قندوزی به طور مرسل روایت کرده است. راویان مذکور در این حدیث ثقه‌اند، البته ابو جارود متروک است، ولی مقصود ما فطر است که او ثقه است.

ثعلبی ذیل تفسیر آیه "واعتصموا بحبل الله جميعاً" چنین روایت کرده است:

11- حدثنا الحسن بن محمد بن حبيب المفسر قال: وجدت في كتاب جدی بخطه نا: أحمد بن الأحجم القاضي المرندی نا الفضل بن موسى الشيباني أنا عبد الملك بن أبي سليمان عن عطية العوفی عن أبي سعيد الخدري قال: قال سمعت رسول الله (ص) يقول: يا أيها الناس اني قد تركت فيكم خليفين ان اخذتم بهما لن تضلوا بعدى أحد هما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الارض و عترتي أهل بيتي ألا وانهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض".

ابو سعید خدری می‌گوید: شنیدم که رسول خدا ﷺ فرمودند: ای مردم همانا بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم که اگر از آن دو تبعیت کنید بعد از من هرگز گمراه نمی‌شوید؛ یکی از دو بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و عترت و اهل بیتم. آگاه باشید که آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

۱ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۹، ر ۴۳.

۲. تفسیر ثعلبی، ج ۳، ص ۱۶۲. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۰۵، ج ۲۵.

12- قال ابن الابار "حدثنا ابو عبد الله محمد بن أحمد الحاكم ويعرف بابن اليتيم في آخرين عن أبي بكر بن خير أنا ابو عمرو الخضر بن عبد الرحمن أنا ابو علي الصدفي قراءة عليه وأنا أسمع في المسجد الجامع عمره الله بحضرة المرية في ذي الحجة سنة خمس وخمسمائة أنا ابو الوليد الباجي وابو العباس العذري وأنبأنا ابن أبي جمرة عن أبيه قالاً: أنا ابو ذر أنا الدار قطنى نا ابو القاسم الحسن بن محمد بن بشر الكوفى الخزاز فى سنة احدى وعشرين -يعنى وثلاثمائة- نا الحسين بن الحبرى نا الحسن بن الحسين العرنى نا على بن الحسن العبدرى عن محمد بن رستم أبى الصامت الضبى عن زاذان أبى عمر عن أبى ذر انه تعلق بأستار الكعبة وقال: يا أيها الناس من عرفنى فقد عرفنى و من لم يعرفنى فأنا جندب الغفارى و من لم يعرفنى فأنا ابو ذر أقسمت عليكم بحمد الله وبحق رسوله هل فيكم أحد سمع رسول الله (ص) يقول: ما أقلت الغبراء ولا أظلت الخضراء ذا لهجة أصدق من أبى ذر؟ فقامت طوائف من الناس فقالوا: اللهم انا قد سمعناه و هو يذكر ذلك. فقال: والله ما كذبت منذ عرفت رسول الله (ص) ولا أكذب حتى ألقى الله تعالى. وقد سمعت رسول الله (ص) يقول: انى تارك فيكم خليفتين: أحدهما أكبر من الاخر: كتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الارض سبب بيد الله تعالى وسبب بأيديكم و عترتي أهل بيتى. فانظروا كيف تخلفونى فيهم. فان الهى عز و جل قد وعدنى أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض. وسمعتة □ يقول: ان مثل اهل بيتى كمثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها هلك".

زاذان مى گوید: ابو ذر در حالى كه به استار كعبه معلق شده بود گفت: اى مردم! هر كه من را مى شناسد كه مى شناسد و هر كه من را نمى شناسد همانا من جندب غفارى هستم. و هر كه باز هم نشناخت من ابو ذر هستم. شما را به خدا قسم مى دهم، آیا بين شما كسى هست كه از رسول خدا (ص) شنیده باشد كه مى-

فرمودند: آسمان سایه نیفکنده و زمین بر خود جای نداده صادق‌تر از ابو ذر را؟ گروه‌هایی از مردم بلند شده گفتند: آری، ما شنیدیم که آن حضرت چنین می‌فرمودند. پس ابو ذر گفت: به خدا قسم از زمانی که رسول خدا (ص) را شناختم دروغ نگفتم و تا زمانی که خدا را ملاقات کنم دروغ نخواهم گفت. همانا از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمودند: همانا من در بین شما دو خلیفه و جانشین می‌گذارم و آن دو، کتاب خدا و عترتم هستند. پس مواظب باشید که بعد از من با آن دو چه خواهید کرد و همانا خداوند به من وعده داد که آن دو هرگز از هم جدا نشوند تا زمانی که سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

**13- عن زید بن اسلم قال: قال رسول الله (ص): انی تارك فيكم خليفين: كتاب الله حبل ممدود ما بين السماء والأرض و عترتي أهل بيتي وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.**

زید بن اسلم می‌گوید: رسول اکرم (ص) فرمودند: همانا در بین شما برای بعد از خویش دو خلیفه و جانشین گذاشتم: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین و عترتم. و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

**14- این حدیث شریف را علاوه بر آنچه ذکر شد، متقی هندی با همین لفظ "دو خلیفه" از "معجم" طبرانی از زید بن ارقم نیز روایت کرده است.<sup>۳</sup>**

۱. المؤلف والمختلف دارقطنی، ج ۲، ص ۱۰۴۵؛ المعجم فی اصحاب قاضی امام علی صفدی بن عبدالله، ص ۸۷ و ۸۹.

۲. ارجح المطالب امر تسری حنفی، ص ۳۳۶ به نقل از احمد و طبرانی.

۳. کنز العمال ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۹۴۷.

این حدیث شریف را با لفظ "دو خلیفه" چنان‌که اشاره شد هیشمی در جلد اول و نهم از احمد و طبرانی نقل کرده و سندش را صحیح دانسته و البانی نیز این حدیث را در حاشیه "السنة" ابن ابی عاصم، "جامع الصغیر و زیاداته" ج ۱ ص ۴۲۳، ح ۴۲۲، "احادیث الصحیحه"، و در بعضی کتاب‌های دیگرش روایت کرده و سندش را صحیح دانسته و شعیب ارنؤوط نیز در حاشیه مسند احمد اصل حدیث با لفظ "دو خلیفه" را صحیح دانسته است.

از آنچه گذشت ثابت شد که حدیث وصیت بر کتاب خدا و عترت با لفظ "دو خلیفه" از چهار نفر صحابه با چهارده سند روایت شده است و یازده سند آن صحیح و یکی از آن‌ها سندش ذکر نشده و یکی نیز سندش بررسی نشد و حدیث زید بن ارقم را که متقی از طبرانی نقل کرده است، ما در معاجم طبرانی پیدا نکردیم تا با سند آن آشنا شویم. پس این حدیث با لفظ مذکور صحیح و صدورش از رسول اکرم (ص) قطعی است.

### حدیث زید بن ثابت با لفظ "تقلین"

اینک آشنایی با حدیث "وصیت بر کتاب خدا و عترت" با لفظ "تقلین" را با احادیث زید بن ثابت آغاز می‌کنیم؛ زیرا چنان‌که گذشت بیشترین اسانید این حدیث با لفظ "دو خلیفه" از او وارد شده است و به این خاطر ما بحث را از روایات او آغاز کردیم. لذا ادامه آشنایی با این حدیث با لفظ "تقلین" را نیز جهت اتصال، با روایات او آغاز می‌کنیم.

۱- حدثنا عبید بن غنم ثنا ابو بکر بن ابی شیبیه ثنا عمر بن سعد ابو داود الحفزی ثنا شریک عن الرکین بن الربیع عن القاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله (ص): ثم انی تارك فيكم الثقلين من بعدى: كتاب الله و عترتي أهل بيتى. وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.



زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من برای بعد از خود بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم. کتاب خدا و عترتم. و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث کاملاً صحیح و روایتش ثقه‌اند.

۲- حدیثی یحیی بن عبد الحمید ثنا شریک عن الرکین عن القاسم بن حسان عن زید بن ثابت قال: قال رسول الله ﷺ: انی تارك فيکم ما ان تمسکتُم به لن تضلوا: کتاب الله و عترتی أهل بیتی. فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من بین شما چیزی می‌گذارم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم. و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

راویان این سند نیز همه ثقه هستند و این سند نیز صحیح است. باید دقت داشت که در سند این حدیث در مورد یحیی بن عبد الحمید حمانی برخی حرفه‌هایی زده‌اند، ولی ابن معین و دو محدث دیگر گفته‌اند: هر که در مورد یحیی حمانی حرف زده از روی حسد بوده؛ زیرا او اول کسی بوده که کتاب مسند نوشته است، و همچنین او از روایت صحیح مسلم و بدون تردید ثقه است.

۳ و ۴- حدیثنا أحمد بن عمرو القطرانی ثنا محمد بن الطفیل ح و حدیثنا ابو حصین القاضی ثنا یحیی الحمانی قالاً ثنا شریک عن الأعمش عن حبیب بن أبی ثابت عن أبی الطفیل عن زید بن ثابت قال: ثم لما رجع رسول الله ﷺ من حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات ففتمت ثم قام فقال کأنی قد دعیت فأجبت إنی تارك

۱. معجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۵۴، ح ۴۹۲۳.

۲. مسند عبد بن حمید، ص ۱۰۷، ح ۲۴۰.

فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. فانظروا كيف تخلفوني فيهما. فإني لئن يتفرقا حتى يردا علي الحوض. ثم قال: إن الله مولاي وأنا ولي كل مؤمن. ثم أخذ بيد علي فقال: من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه! فقلت لزید: أنت سمعته من رسول الله (ص)؟ فقال: ما كان في الدوحات أحد إلا قد رآه بعينه و سمعه بأذنيه.

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا (ص) چون از حجة الوداع برگشت و وارد غدیر خم شد، و امر فرمود تا زیر درختان را جهت ایراد خطبه آماده و تمیز کنند، سپس برای سخنرانی بلند شده فرمودند: گویا (برای آخرت) دعوت شدم و قبول کردم من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم که یکی بزرگتر از دیگری است (و آن) کتاب خدا و اهل بیتم هستند. پس مواظب باشید که بعد از من با این دو چه خواهید کرد. و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمودند: خداوند مولای من است و من مولای هر مؤمن. سپس دست علی را برداشته فرمودند: هر که من مولای او هستم این (علی) نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که او را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا بود با دو چشمانش حضرت را دید و با گوش‌هایش این حدیث را شنید.<sup>۱</sup> چنان‌که در متن عربی ملاحظه می‌کنید این متن با دو سند روایت شده و هر دو سند نیز کاملاً صحیح است.

۱. معجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۴۹۷۰. کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۹۴۶.

از آنچه گذشت روشن شد که حدیث وصیت بر "کتاب خدا و عترت" از زید بن ثابت با لفظ "ثقلین" با چهار سند روایت شده و همه‌ی اسانید آن صحیح است.

## ۲- روایات امیر المؤمنین (ع)

حدیث شریف ثقلین را هفت نفر یعنی امام حسن و امام حسین (ع) و ابو طفیل از صحابه و حارث همدانی و ابان بن تغلب و سلیم بن قیس و عمر بن علی از امیر المؤمنین (ع) روایت کرده‌اند که در ذیل با آن‌ها آشنا خواهیم شد.

۱- حدثنا سلیمان بن عبید الله الغیلانی، حدثنا ابو عامر، حدثنا کثیر بن زید، عن محمد بن عمر بن علی، عن أبیه، عن علی أن رسول الله (ص) قال: إني تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا: كتاب الله، سببه بيد الله، وسببه بأيديكم، وأهل بيتي. امیر المؤمنین (ع) فرمودند: رسول خدا (ص) فرمودند: "من چیزی بین شما می‌گذارم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید (و آن) کتاب خدا و عترتم هستند." ۱

سند این حدیث کاملاً صحیح است.

۲- عن علی (ع): أن النبی (ص) حضر الشجرة بخم ثم خرج آخذاً بيد علی فقال: أيها الناس! أستم تشهدون أن الله ربكم؟ قالوا: بلى، قال: أستم تشهدون أن الله ورسوله أولى بكم من أنفسكم وأن الله ورسوله مولاكم؟ قالوا: بلى. قال: فمن كان الله ورسوله مولاه فإن هذا مولاه، وقد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا بعده: كتاب الله سببه بيده وسببه بأيديكم، وأهل بيتي. قال

۱. السنة ابن ابي عاصم، ص ۶۳۱، ح ۱۵۵۸. تاریخ ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۲۱۳. ظلال الجنة البانی، ج ۲، ص ۴۷۹.

المتقی الهندی: رواه (ابن راهویه و ابن جریر و ابن ابی عاصم و المحاملی فی أمالیه و صحیح).

رسول خدا (ص) چون وارد غدیر خم شدند دست علی را گرفته (برای ایراد خطبه) خارج شدند و فرمودند: ای مردم! مگر شهادت نمی‌دهید که خدا و رسولش بر شما از خودتان اولی و همچنین مولای شما هستند؟ مردم گفتند: آری، همین گونه است. حضرت فرمودند: پس هر که من مولاه او هستم این (علی) نیز مولای اوست. همانا بین شما چیزی می‌گذارم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید (و آن) کتاب خدا و عترتم و اهل بیتم هستند.<sup>۱</sup>

متقی هندی می‌گوید: این حدیث را ابن راهویه و ابن جریر و ابن ابی‌عاصم و محاملی در "امالی" روایت کرده‌اند و محاملی سند آن را صحیح دانسته است.

۳- حدیثنا ابراهیم بن مرزوق حدیثنا ابو عامر العقدی حدیثنا کثیر بن زید عن محمد بن عمر بن علی عن علی: أن النبی حضر الشجرة بضم. قال: فخرج أخذاً بید علی فقال: یا أيها الناس أستم تشهدون أن الله ورسوله أولى بكم من أنفسكم وأن الله ورسوله مولاكم؟ قالوا: بلی. قال: فمن كنت مولاه فإن علیاً مولاه، أو قال: فإن هذا مولاه إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لم تضلوا: كتاب الله وأهل بيته.

رسول خدا (ص) چون وارد غدیر خم شدند دست علی را گرفته (برای ایراد خطبه) خارج شدند و فرمودند: ای مردم! مگر شهادت نمی‌دهید که خدا و رسولش بر شما از خودتان اولی و همچنین مولاه شما هستند؟ مردم گفتند: آری، همین گونه است. حضرت فرمودند: پس هر که من مولای او هستم این (علی) نیز

۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸۰، ج ۱۶۵۰ و ج ۱۳، ص ۱۴۰، ج ۳۶۴۴۱.

مولای اوست، همانا بین شما چیزی می‌گذارم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید (و آن) کتاب خدا و عترتم و اهل بیتم هستند.<sup>۱</sup>

ابن حجر و سیوطی و سمهودی و دیگران این حدیث را از مسند ابن راهویه نقل کرده‌اند، ولی ما این حدیث را در آن کتاب پیدا نکردیم و شاید بعضی‌ها آن را از این کتاب حذف کرده باشند و ابن حجر و سیوطی و البانی سند آنرا صحیح دانسته‌اند.

۴- حدثنا الحسين بن علي بن جعفر قال: نا علي بن ثابت قال: نا سعاد بن سليمان عن أبي إسحاق عن الحارث عن علي قال: قال رسول الله (ص): إني مقبوض وإني قد تركت فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيتي وأنكم لن تضلوا بعدهما.

حارث همدانی از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرمودند: "من از دنیا خواهم رفت و همانا بین شما دو چیز گرانبها، یعنی کتاب خدا و اهل بیتم را (می‌گذارم) و شما حتماً با وجود این دو (اگر از آن‌ها تبعیت کنید) هرگز گمراه نخواهید شد.<sup>۲</sup>

سند این حدیث نیز صحیح است.

۵- رواه الجعابی فی الطالبین من حدیث عبدالله بن موسی عن ابيه عن عبدالله بن حسن (مثنی) عن ابيه عن جده عن علي: ان رسول الله قال: اني مخلف فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا: كتاب الله عز وجل طرفه بيد الله طرفه بايديكم و عترتي اهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض.

۱. ذرية الطاهرة، ص ۱۲۱. مشکل الآثار، ج ۴، ص ۳۰۶، ح ۱۵۱۷. صحیح البانی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۱۷۶۱. المطالب العالی، ج ۱۱، ص ۲۳۰، ح ۴۰۴۳. مسند علی سیوطی، ص ۱۹۲، ح ۶۰۵.
۲. مسند بزار ج ۳، ص ۴۸، ح ۷۷۸. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۵۰.

امام حسن از امیرالمؤمنین<sup>۳</sup> از رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند که حضرت فرمودند: من بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا که يك طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دشت شماسست و اهل بیتم. و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

هر يك از سمهودی و سخاوی و قندوزی این حدیث را از حافظ جعابی نقل کرده‌اند، و او محمد بن عمر است که در سال ۳۵۵ ه. ق. از دنیا رفته است.

۶- ابن عقده من طریق سعد بن طریف عن الاصبع بن نباتة عن علی: ان رسول الله قال: ایها الناس انی ترکت فیکم الثقلین: الثقل الاکبر والثقل الاصغر. فاما الثقل الاکبر هو جبل بید الله طرفه والطرف الاخر بایدیکم و هو کتاب الله. ان تمسکتُم به لن تضلوا ولن تذلوا ابدأ واما الثقل الاصغر فعترتی اهل بیتی. ان الله اللطیف الخبیر اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض وسألت ذلك لهما فاعطانی والله سألکم کیف تخلفونی فی کتاب الله واهل بیتی.

اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرمودند: ای مردم! همانا من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم: ثقل بزرگ و ثقل کوچک. اما ثقل بزرگ ریسمانی است يك طرفش به دست خدا و طرف دیگر آن به دست شماسست و آن کتاب خداست، اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی‌شوید. و اما ثقل کوچک اهل بیتم هستند. همانا خداوند لطیف و آگاه به من خبر داده که حتماً این دو هرگز از هم جدا

۱. المطالب العالیه، ج ۴، ص ۶۵. جواهر العقدين، ص ۲۳۸. استجلاب ارتقاء الغرف، ص ۲۴. ینابیع الموده ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۴۹.

نمی‌شوند تا زمانی که (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. خداوند (در آخرت) از شما سؤال خواهد کرد که با کتاب خدا و اهل بیت چگونه رفتار کردید.<sup>۱</sup>

۷- ابن عقده حدثنا جعفر بن محمد بن سعید الاحمسی حدثنا نصر و هو ابن مزاحم، حدثنا الحكم بن مسكين، حدثنا ابو جارود وابن طارق عن عامر بن واثله قال: كنت مع علي (ع) في البيت يوم الشوري. سمعت عليا يقول لهم (لاهل شوري): ... فانشدكم بالله اتعلمون ان رسول الله (ص) قال: انى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي لن تضلوا ما استمسكتم بهما ولن يفترقا حتى يريدا على الحوض؟ قالوا: اللهم نعم....

ابو طفیل می‌گوید: در روز شوری همراه علی بودم و شنیدم که به اهل شوری می‌گفت: ... شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که رسول خدا (ص) فرمودند: من بین شما دو چیز گرانبها، یعنی کتاب خدا و اهل بیت را می‌گذارم که اگر از آن دو تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید، و آن دو هرگز از هم جدا نشوند تا زمانی که (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند؟ اهل شوری گفتند: آری، (این حدیث را از آن حضرت) شنیدیم.<sup>۲</sup>

راویان این حدیث همه ثقانند و تنها در مورد نصر بن مزاحم پاره‌ای حرفها گفته شده است. بخاری در مورد او جرحی انجام نداده و ابن حبان او را در ثقاتش وارد کرده است و او از مورخین مشهور است.

۸- اخبرنا عبدالله بن جعفر فيما قريء عليه وأذن لي قال: ثنا أحمد بن يونس الضبي ثنا عمار بن نصر ثنا إبراهيم بن اليسع الملكي ثنا جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن علي قال: خطب

۱. الولاية بن عقده، ص ۱۵۹، ح ۶.

۲. الولاية ابن عقده، ص ۱۷۵، ح ۱۲. مناقب ابن مغازلی، ص ۱۱۲، ح ۱۵۵.

رسول الله (ص) بالجحفة فقال: أيها الناس لست أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلى قال: فإني كأني لكم على الحوض فرطاً وسائلكم عن اثنتين عن القرآن و عن عترتي لا تقدموا قريشاً فتهلكوا ولا تختلفوا عنها فتضلوا قوة الرجل من قريش قوة رجلين ألا تفاقهوا قريشاً فهي أفقه منكم لو لا أن تبطر قريش وخبرتها بما لها عند الله.

امام حسین از امیر المؤمنین<sup>۳</sup> نقل کرده‌اند که رسول خدا (ص) در غدیر خم خطبه خوانده فرمودند: ای مردم! مگر من برای شما اولی از خود شما نیستم؟ مردم گفتند: آری، هستید. فرمودند: من گویا در ورود بر حوض از شما پیشی می‌گیرم و (در قیامت) در مورد کتاب خدا و اهل بیت شما را سؤال خواهم کرد...

در سند این حدیث ابراهیم بن یسع ضعیف است و این حدیث را چنان‌که ملاحظه کردید رسول خدا (ص) در غدیر خم فرموده‌اند و در آن روز چنان‌که در احادیث وارد شده و بعداً خواهد آمد فرموده‌اند: بر کتاب خدا و اهل بیت پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و به آن‌ها یاد ندهید که آن‌ها دانا تر از شما هستند. ولی متأسفانه در یکی دو سند بعضی از روایات این حدیث را تحریف کرده و به جای "کتاب خدا و عترت" این صفات را به قریش نسبت داده‌اند. حال آن‌که قریش کافر و مشرک و منافق و فاسق داشتند و خیلی روشن است که این عبارت به حدیث اضافه شده است.

۹- ابن عقدة باسناده عن عبد الرزاق ابن همام عن معمر بن راشد عن أبان بن أبي عياش عن سليم بن قيس أن معاوية لما دعا أبا الدرداء وأبا هريرة ونحن مع أمير المؤمنين علي بصفين فحملهما الرسالة إلى أمير المؤمنين علي وأدياه إليه قال: "قد

۱. حلیة الاولیاء، ج ۹، ص ۶۴.



بلغتمانی ما أرسلکما به معاویة فاستمعا منی وأبلغاه عنی كما بلغتمانی قالاً: نعم فأجابه علی الجواب بطوله حتی إذا انتهى إلى ذکر نصب رسول الله (ص) إياه بغدير خم بأمر الله تعالی قال: ... أنشدکم بالله تعلمون أن رسول الله (ص) قام خطيباً ثم لم یخطب بعد ذلك فقال: "أيها الناس إني قد ترکت فيکم أمرين لن تضلوا ما إن تمسکتُم بهما کتاب الله عزوجل وأهل بیتي فإن اللطيف الخبير قد أخبرنی وعهد إلى أنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض". فقالوا: نعم، اللهم قد شهدنا ذلك كله من رسول الله (ص) فقام اثنا عشر رجلاً من الجماعة فقالوا: نشهد أن رسول الله حين خطب فی اليوم الذي قبض فيه قام عمر بن الخطاب شبه المغضب فقال: یارسول الله، لكل أهل بیتک؟ فقال: "لا ولكن لاوصیائی منهم: علی أخی ووزیری ووارثی وخلیفتی فی امتی وولی کل مؤمن بعدی و هو أولهم وخیرهم ثم وصیه بعده ابنی هذا وأشار إلى الحسن ثم وصیه ابنی هذا وأشار إلى الحسين ثم وصیه ابنی بعده سمی أخی ثم وصیه بعده سمی ثم سبعة من ولده واحد بعد واحد حتی یردوا علی الحوض شهداء الله فی أرضه وحججه علی خلقه من أطاعهم أطاع الله و من عصاهم عصی الله". فقام السبعون البدریون ونحوهم من المهاجرین فقالوا: ذکرتمونا ما کنا نسيناه نشهد أنا قد کنا سمعنا ذلك من رسول الله (ص). فانطلق ابو الدرداء وابو هريرة فحدثا معاویة بكل ما قال علی (ع) وما استشهد علیه وما رد علیه الناس وشهدوا به.

سليم بن قيس میگوید: چون ابو دردا و ابو هريره در جنگ صفين از جانب معاويه برای اميرالمؤمنين (ع) نامه آوردند. امام از آن‌ها خواستند اکنون که نامه‌ی او را به من آوردید، نامه‌ی من را نیز به او رسانید. آن‌ها نیز پذیرفتند. امام جواب طولانی به او داد تا اینکه به داستان نصب خود توسط رسول خدا (ص) در روز غدیر خم با امر خداوند اشاره کرد... و فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم آیا می‌دانید که رسول خدا (ص) خطبه خواندند،

خطبه‌ای که بعد از آن دیگر خطبه‌ای ایراد نفرمودند، آن گاه فرمودند: ای مردم! همانا من بین شما دو چیز می‌گذارم و تا زمانی که از آن دو تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند، همانا خداوند لطیف و آگاه به من خبر داد و عهد نمود که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند؟ حصار گفتند: آری، همه‌ی این را از آن حضرت شنیدیم و سپس دوازده نفر صحابه بلند شدند و گفتند: شهادت می‌دهیم که رسول خدا (ص) روزی که از دنیا رفت خطبه‌ای خواند (و این موضوع را فرمود.) عمر مثل کسی که ناراحت و ناراضی است بلند شد و گفت: ای رسول خدا! از همسر اهل بیت باید تبعیت شود؟ حضرت فرمودند: نه، ولی از اوصیای من که از جمله آن‌ها علی، برادر و وزیر و وارث و جانشینم بر اتم و ولی هر مؤمن پس از من است و او اولین و بهترین آن‌هاست، سپس وصی او این فرزندانم و اشاره کردند به حسن، سپس وصی او این فرزندانم و اشاره کردند به حسین، سپس وصی او بعد از او، اسمش اسم برادرم (علی) است و سپس وصی او بعدش، اسمش را ذکر کردند، سپس هشت نفر از نسل او هر کدام بعد از دیگری تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند و آن‌ها شهدای خدا در زمین و حجج او بر خلقش هستند، هر که از آن‌ها اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که از آن‌ها نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است. پس هفتاد نفر اهل بدر و هفتاد نفر از مهاجرین بلند شدند و گفتند: چیزی را به یادمان آوردید که فراموش کرده بودیم، شهادت می‌دهیم که این حدیث را از رسول خدا (ص) شنیدیم. سپس ابو دردا و ابو هریره رفتند و تمام سخنان علی و شهادت دادن اصحاب را به معاویه ابلاغ کردند.<sup>۱</sup>

۱. الولایه ابن عقده، ص ۱۹۸، ج ۳۱.

در سند این حدیث در مورد ابان بن ابی عیاش حرف زیاد گفته شده است و بعضی او را ثقه گفته‌اند و بیشتر محدثان او را ضعیف و ترك شده دانسته‌اند و او از جمله تابعین است. این مقدار روایت امیر المؤمنین (ع) است که ما توانستیم به دست آوریم. پس حدیث ثقلین از امیر المؤمنین (ع) با نه سند روایت شده است.

### ۳- حدیث امام حسن (ع)

عن عبد الله بن الحسن المثنى بن الحسن المجتبی بن علی المرتضی (ع)، عن أبيه عن جده الحسن السبط قال: خطب جدی (ص) يوماً فقال بعد ما حمد الله: معاشر الناس إنی أدعی فاجیب وإنی تارك فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی أهل بیتی، إن تمسکتم بهما لن تضلوا، وإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، فتعلموا منهم ولا تعلموهم فانهم أعلم منکم، ولا تخلو الارض منهم، ولو خلت لانساخت بأهلها. ثم قال: اللهم إنک لا تخلی الارض من حجة علی خلقک لنلا تبطل حجتک، ولا تضل أولیاءک بعد إذ هدیتهم، أولئک الاقلون عددا والاعظمون قدرا عند الله عزوجل ولقد دعوت الله تبارک وتعالی أن یجعل العلم والحکمة فی عقبی وعقب عقبی، وفی زرعی وزرع زرعی، الی یوم القیامة، فاستجیب لی.

حسن از پدرش امام حسن مجتبی (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) خطبه‌ای ایراد کرده فرمودند: من به آخرت دعوت شدم و آن را پذیرفتم و من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند. اگر از آن دو تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو حتماً از هم جدا نمی‌شوند تا وقتی که (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند، پس به آن‌ها یاد ندهید که

آن‌ها از شما داناترند و زمین از آن‌ها خالی نمی‌ماند و اگر خالی ماند اهلش را فرو خواهد برد...<sup>۱</sup>

#### ۴- روایات زید بن ارقم

این حدیث شریف را هفت نفر یعنی ابو طفیل، مسلم بن صبیح، یزید بن حیان و انیسه و پسر دختر زید و علی بن ربیع و حبیب بن ابی ثابت و یحیی بن جعد از زید بن ارقم روایت کرده‌اند. باید دقت داشته باشیم که ابو طفیل که خود از صحابه است این حدیث را از زید قیل از به پیری رسیدن زید روایت کرده و لذا این حدیث را کامل‌تر از بعضی روایت کرده است. البته غیر او نیز در این امر با او شریکند، ولی یزید بن حیان که مسلم و دیگران این حدیث شریف را از او روایت کرده‌اند، آن را از زید پس از پیری شنیده و لذا با الفاظ دیگران فرق کرده و مقداری ناقص روایت شده که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.

#### ۱- روایات ابو طفیل از زید بن ارقم

۱- عن محمد بن المثنی عن یحیی بن حماد عن أبی معاویة عن الاعمش عن حبیب بن أبی ثابت، عن أبی الطفیل، عن زید بن أرقم. قال: لما رجع رسول الله من حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال: "کأنی قد دعیت فأجبت، إنی قد ترکت فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی أهل بیتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما، فإتھما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض، ثم قال: الله مولای وأنا ولی کل مؤمن، ثم أخذ بید علی فقال: من کنت مولاه فهذا ولیه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه" فقلت لزید: سمعته من رسول الله (ص) فقال: ما کان فی الدوحات أحد

1. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۷۳، ح ۹

إلا رآه بعينيه وسمعه بأذنيه. قال ابن كثير: تفرد به النسائي من هذا الوجه قال شيخنا أبو عبد الله الذهبي: وهذا حديث صحيح. ابن كثير می‌گوید: زید ابن ارقم روایت کرده است که رسول خدا (ص) چون از حجة الوداع برگشتند و وارد غدیر خم شدند، امر فرمودند تا زیر درختان را تمیز و مکانی جهت ایراد خطبه آماده کردند. حضرت برای ایراد خطبه بلند شده، فرمودند: گویا (به آن دنیا) دعوت شدم و پذیرفتم. من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است (و آن) کتاب خدا و اهل بیت هستند، پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد، و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمودند: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم، سپس دست علی را گرفته فرمودند: هر که من مولای او باشم پس این (علی) نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش‌هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup> سند این حدیث کاملاً صحیح است و ابن کثیر نیز می‌گوید: این حدیث را تنها نسائی روایت کرده و شیخ ما ذهبی سند آن را صحیح دانسته است.

۲- أخبرنا محمد بن المثنی قال: ثنا يحيى بن حماد قال: ثنا ابو عوانة عن سليمان قال: ثنا حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم قال: لما رجع رسول الله (ص) عن حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال كأي قد دعيت فأجبت إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و

۱. تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۲۸.

عترتي أهل بيتي. فانظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن ينفردا حتى يردا علي الحوض. ثم قال: إن الله مولاي وأنا ولي كل مؤمن ثم أخذ بيد علي فقال: من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه! فقلت لزید: سمعته من رسول الله (ص): قال: ما كان في الدوحات رجل إلا رآه بعينه وسمع بأذنه.

زید ابن ارقم روایت کرده که چون رسول خدا (ص) از حجة الوداع برگشت و وارد غدیر خم شد، دستور داد تا در زمین پهن آوری فرود آمدند و مکانی برای خطبه آماده شد سپس فرمود: گویا (به آن دنیا) دعوت شدم و پذیرفتم، من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است (وآن) کتاب خدا و اهل بیت هستند. پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد، و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمود: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم! سپس دست علی را گرفته فرمود: هر که من ولی او باشم پس این (علی) نیز ولی اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش‌هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup>

سند این حدیث کاملاً صحیح است.

۳- أخبرنا محمد بن المثنی قال: حدثني يحيى بن حماد قال: حدثنا ابو عوانة عن سليمان قال: حدثنا حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم قال: لما رجع رسول الله (ص) عن حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال كأي قد

۱. سنن الکبری، ج ۵، ص ۴۵، ح ۸۱۴۸. فضایل الصحابه نسائی، ج ۱، ص ۱۵، ح ۴۵.

دعيت فأجبت إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. فانظروا كيف تخلفوني فيهما فاتهما لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض. ثم قال: إن الله مولاي وأنا ولي كل مؤمن ثم أخذ بيد علي فقال: من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه! فقلت لزيد: سمعته من رسول الله (ص)؟ فقال: ما كان في الدوحات أحد إلا رآه بعينه و سمعه بأذنيه.

زيد ابن ارقم روایت کرده که چون رسول خدا (ص) از حجة الوداع برگشت و وارد غدیر خم شد، دستور داد تا در زمین پهناوری فرود آمدند و مکانی برای خطبه آماده شد. سپس فرمود: گویا (به آن دنیا) دعوت شدم و پذیرفتم، من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است (و آن) کتاب خدا و اهل بیتم هستند. پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد. و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمود: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم! سپس دست علی را گرفته، فرمود: هر که من ولی او باشم پس این (علی) نیز ولی اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش‌هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup>

سند این حدیث نیز صحیح و راویان آن همه ثقه‌اند.

۴- (أخبرنا) احمد بن المنثري قال: حدثنا يحيى بن معاذ قال: أخبرنا ابو عوانة عن سليمان قال: حدثنا حبيب بن ابي ثابت عن ابي الطفيل عن زيد بن ارقم قال: لما رجع النبي (ص) من حجة

۱. سنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۸۴۶۴.

الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال: كأني دعيت فأجبت واني تارك فيكم الثقلين احدهما اكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي اهل بيتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما فاتهما لن يفترقا حتى يرادا علي الحوض. ثم قال ان الله مولاي وأنا ولي كل مؤمن. ثم انه اخذ بيد علي فقال: من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. فقلت لزيد: سمعته من رسول الله (ص)؟ فقال: وانه ما كان في الدوحات احد إلا رآه بعينه وسمعه بأذنيه.

زيد ابن ارقم روايت کرده که چون رسول خدا (ص) از حجة الوداع برگشت و وارد غدیر خم شد، دستور داد تا در زمين پهناوری فرود آمدند و مکانی برای خطبه آماده شد. سپس فرمود: گویا (به آن دنيا) دعوت شدم و پذیرفتم، من در بين شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است (وآن) کتاب خدا و اهل بيتم هستند. پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد. و آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمود: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم. سپس دست علی را گرفته، فرمود: هر که من ولی او باشم پس این (علی) نیز ولی اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح و روایتش ثقه اند چنان که در متن آمده عمداً یا سهواً اسامی محمد بن مثنی و یحیی بن حماد به احمد بن مثنی و یحیی بن معاذ تغییر داده شده است.

۱. خصائص علی، ص ۹۳، ح ۷۹.



۵- حدثنا ابو مسعود الرازی، حدثنا زيد بن عوف، حدثنا ابو عوانة عن الأعمش، عن حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم قال: لما رجع رسول الله (ص) من حجة الوداع كان بغدير خم قال: كأني قد دعيت فأجبت وإنی تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض. وإن الله مولاي وأنا ولي المؤمنین ثم أخذ بيد علی رضی الله عنهما فقال: من كنت وليه فعلى وليه. فقال: أنت سمعت هذا من رسول الله (ص)؟ فقال: ما كان في الركاب إلا قد سمعه بأذنيه ورآه بعينيه. قال الأعمش: فحدثنا عطية عن أبي سعيد بمثل ذلك.

ابو طفیل از زید ابن ارقم روایت کرده است که رسول خدا (ص) چون از حجة الوداع برگشتند و وارد غدیر خم شدند، فرمودند: گویا (به آن دنیا) دعوت شدم و پذیرفتم. من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است (و آن) کتاب خدا و اهل بیتم هستند. پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد، و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمودند: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم، سپس دست علی را گرفته فرمودند: هر که من مولاه او باشم پس این (علی) نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آنجا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش‌هایش این سخنان را شنید. اعمش می‌گوید: عطیه از ابو سعید خدری نیز مثل این را به ما روایت کرد.<sup>۱</sup>

۱. السنه ابن ابی عاصم، ص ۶۳۰، ح ۱۵۵۵.

روایت این سند نیز همه ثقه و سندش صحیح است.

۶- حدثنا ابو بكر بن أبي داود قال: حدثني عمي محمد بن الأشعث قال: حدثنا زيد بن عوف قال: حدثنا ابو عوانة عن الأعمش قال: حدثنا حبيب بن أبي ثابت عن عمرو بن واثلة عن زيد بن أرقم قال: لما رجع رسول الله (ص) من حجة الوداع ونزل غدير خم وأمر بدوحات فقممن. ثم قام فقال: كأي قد دعيت فأجبت وإني قد تركت فيكم الثقلين: أحدهما كتاب الله عز وجل وعترتي أهل بيتي انظروا كيف تخلفوني فيهما إنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض. ثم قال: إن الله عز وجل مولاي وأنا مولى كل مؤمن ثم أخذ بيد علي بن أبي طالب رضي الله عنه فقال: من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه! قال: فقلت لزيد بن أرقم: أنت سمعت هذا من رسول الله (ص)؟ قال: ما كان في الدوحات أحد إلا قد رآه بعينه وسمعه بأذنه قال الأعمش: وحدثنا عطية عن أبي سعيد الخدري مثل ذلك.

زيد بن ارقم روایت کرده که چون رسول خدا (ص) از حجة الوداع برگشت و وارد غدير خم شد، دستور داد تا در زمين پهناوری فرود آمدند و مکانی برای خطبه آماده شد سپس برخاست و فرمود: گویا (به آن دنیا) دعوت شدم و پذیرفتم، من در بین شما دو چیز گرانها گذاشتم که یکی از آن دو کتاب خدا و دیگری اهل بیت هستند، پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد. و آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمود: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم. سپس دست علی را گرفته فرمود: هر که من ولی او باشم پس این (علی) نیز ولی اوست. خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد. ابو طفیل می گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش هایش این سخنان را شنید.

اعمش می‌گوید: عطیه از ابو سعید خدری نیز مثل این را به ما روایت کرد.<sup>۱</sup>

۷ و ۸- حدیثنا محمد بن حیان المازنی حدیثنا کثیر بن یحیی ثنا ابو عوانة

وسعيد بن عبد الكريم بن سليط الحنفى عن الأعمش عن حبيب بن أبى ثابت عن عمرو بن واثلة عن زيد بن أرقم قال: لما رجع رسول الله (ص) من حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقام فقال: كائى قد دعيت فأجبت إنى تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتي أهل بيتى. فانظروا كيف تخلفونى فيهما فإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض. ثم قال: إن الله مولای وأنا ولى كل مؤمن. ثم أخذ بيد على فقال: من كنت مولاه فهذا مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه! فقلت لزيد: أنت سمعته من رسول الله (ص)؟ فقال: ما كان فى الفوشنجى أحد إلا قد رآه بعينيه و سمعه بأذنيه.

رسول خدا (ص) چون از حجة الوداع برگشتند و وارد غدیر خم شدند امر کردند تا زیر درختان جارو و تمیز کرده شد. سپس برای ایراد خطبه بلند شده فرمودند: گویا (به آن دنیا) دعوت شدم و پذیرفتم، من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگ- تر از دیگری است (و آن) کتاب خدا و اهل بیتم هستند پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد، و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. سپس فرمودند: خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن هستم. سپس دست علی را گرفته فرمودند: هر که من مولای او باشم پس این (علی) نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را

۱. الشریعة آجری، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۱۶۵۹.

تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش‌هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup>

طبرانی این حدیث را با دو سند روایت کرده و يك سند آن صحیح است و در سند دوم سعید بن عبدالکریم است که از دی او را متروک دانسته، ولی ابو حاتم جرحی در مورد او انجام نداده است.

۹ و ۱۰- حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي ثنا جعفر بن

حميد

ح محمد بن عثمان بن ابی شیبیه حدثنا النضر بن سعید ابو صهیب قال: ثنا عبد الله بن بكير الغنوي عن حكيم بن حبير عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم قال: قال رسول الله (ص): ثم إنني لكم فرط وإنكم واردون على الحوض عرضه ما بين صنعاء إلى بصرى فيه عدد الكواكب من قدحان الذهب والفضة فانظروا كيف تخلفوني في الثقلين فقام رجل فقال: يا رسول الله وما الثقلان؟ فقال: رسول الله كتاب الله سبب طرفه بيد الله وطرفه بأيديكم فتمسكوا به لن تزالوا ولن تضلوا والأصغر عترتي وإنهم لن يفترقا حتى يردا على الحوض وسألت لهما ذاك ربي فلا تقدموهما فتهلكوا ولا تعلموهما فإنهما أعلم منكم.

رسول خدا (ص) فرمودند: من بر شما پیشی می‌گیرم و شما سر حوض بر من وارد خواهید شد... پس مواظب باشید که چگونه با ثقلین رفتار خواهید کرد. فردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا، ثقلین چیست؟ حضرت فرمودند: کتاب خدا يك طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شما. پس اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد و اهل بیتم و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند.

۱. معجم الكبير طبرانی، ۵ ص ۱۶۶، ح ۴۹۶۹.

و من این را از پروردگام برای این دو خواستم، پس، از آن دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و به آن‌ها یاد ندهید که حتماً آن دو داناتر از شما هستند.<sup>۱</sup>

این حدیث را طبرانی با دو سند روایت کرده است. اولاً در هر دو سند آن حکیم بن جبیر است که بعضی او را به خاطر تشیع تضعیف کرده‌اند، ولی او ثقة و نهایتاً حدیث او حسن است زیرا ابو زرعه او را صدوق<sup>۲</sup> و حاکم حدیث او را صحیح و مقدسی حسن دانسته‌اند<sup>۳</sup> و ترمذی می‌گوید: ابن معین حدیث او را صحیح می‌دانسته و چهار صحاح اهل سنت از او حدیث روایت کرده‌اند.<sup>۴</sup> پس سند این حدیث از جهت حکیم بن جبیر صحیح است، ولی در سند دوم نضر بن سعید است که ابن قانع او را تضعیف کرده، ولی ابو حاتم جرحی در مورد او انجام نداده است.

بنابر این يك سند این حدیث بدون شك صحیح و سند دوم قریب به ضعف است.

۱۱ و ۱۲- حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي ثنا جعفر بن

حميد

ح حدثنا محمد بن عثمان بن أبي شيبة حدثنا النضر بن سعيد ابو صهيب قال: ثنا عبد الله بن بكير عن حكيم بن جبير عن أبي الطفيل: عن زيد بن أرقم قال: نزل رسول الله (ص) الجحفة. ثم أقبل على الناس فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: إني لا أجد لنبي إلا نصف عمر الذي قبله واني أوشك أن أدعى فأجيب فما أنتم قائلون قالوا: نصحت. قال: أليس تشهدون أن لا إله الا الله وأن

۱. معجم الكبير طبرانی، ج ۶، ص ۶۶، ح ۲۶۸۱. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۴.

۲. الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۲۰۱، ر ۸۷۳.

۳. احاديث المختاره ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۳۹۹.

۴. تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۲۹۲، ر ۱۵۵.

محمدًا عبده ورسوله وأن الجنة حق وأن النار حق قالوا نشهد  
 قال فرجع يده فوضعها على صدره ثم قال. أنا اشهد معكم ثم قال  
 الا تسمعون قالوا نعم قال فاني فرط على الحوض وأنتم واردون  
 على الحوض وان عرضه ما بين صنعاء وبصرى فيه أقداح عدد  
 النجوم من فضة فانظروا كيف تخلفوني في الثقلين. فنادى مناد  
 وما الثقلان يا رسول الله؟ قال: كتاب الله، طرف بيد الله عزوجل  
 وطرف بأيديكم. فتمسكوا به لا تضلوا والآخر عشيرتي وان  
 اللطيف الخبير نبأني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض  
 فسألت ذلك لهما ربى فلا تقدموهما فتهلكوا ولا تقصروا عنهما  
 فتهلكوا ولا تعلموهما فهم أعلم منكم ثم أخذ بيد على فقال: من  
 كنت أولى به من نفسه فعلى وليه. اللهم وال من والاه وعاد من  
 عاداه!

رسول خدا (ص) وارد غدیر شدند سپس رو به مردم کرده  
 بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: پیامبری را سراغ ندارم مگر  
 اینکه به مقدار نصف پیامبر قبل از خود عمر کرده است، و نزدیک  
 است که به (آن دنیا) دعوت شوم و بپذیرم پس شما چه خواهید  
 گفت؟ همه گفتند: شما نصیحت فرمودی. حضرت فرمودند: آیا به  
 وحدانیت خداوند و به این محمد (ص) بنده و رسول او است و به  
 حقانیت بهشت و جهنم شهادت می‌دهید؟ گفتند: شهادت می‌دهیم.  
 حضرت دستانشان را به سینه گذاشته فرمودند: من نیز همراه  
 شما شهادت می‌دهم، سپس فرمودند: گوش نمی‌دهید؟ گفتند: آری،  
 گوش می‌دهیم. فرمودند: من بر شما پیشی می‌گیرم و شما سر  
 حوض بر من وارد خواهید شد... پس مواظب باشید که چگونه با  
 تقلین رفتار خواهید کرد. فردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا،  
 تقلین چیست؟ حضرت فرمودند: کتاب خدا يك طرفش به دست  
 خدا و طرف دیگرش به دست شما، پس اگر به آن چنگ بزنید  
 هرگز گمراه نخواهید شد و اهل بیت و این دو هرگز از هم جدا  
 نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند. و من این را از

پروردگارم برای این دو خواستم، پس از آن دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و به آن‌ها یاد ندهید که حتماً آن دو دانایتر از شما هستند و هر که من اولی بر او از خودش هستم پس علی نیز ولی اوست، خدایا دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن دارد.<sup>۱</sup>

این دو سند همان دو سند قبلی است با تفاوت در عبارات و متن حدیث، و هر دو حدیث از این دسته روایت شده است و یکی از این دو سند صحیح است چنان‌که در حدیث قبلی ثابت شد.

۱۳- حدثني أحمد بن يحيى قال: حدثنا عبد الرحمن بن شريك قال: ثنا أبي عن الأعمش عن حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم عن نبي الله (ص) قال: إني تركت فيكم الثقلين: كتاب الله عز وجل حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي. فانظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من بین شما دو چیز پر ارزش گذاشتم: کتاب خدا رسماً ممدود از آسمان به زمین و اهل بیتم. پس مواظب باشید که حق مرا در باره‌ی آن دو چگونه مراعات خواهید کرد. همانا آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

سند این حدیث صحیح است.

۱۴- حدثنا عبد الملك بن محمد بن عبد الله الرقاشي، حدثنا يحيى بن حماد، حدثنا ابو عوانة عن الاعمش عن حبيب بن أبي ثابت عن عامر بن واثلة أبي الطفيل عن زيد بن أرقم قال: كنا مع

۱. معجم الكبير طبرانی، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۴۹۷۱. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۴.  
 ۲. المعرفة والتاريخ فسوی، ج ۱، ص ۱۲۱.

النبي (ص) في حجة الوداع فلما كنا بغدير خم أمر بدوحات فقمنا. ثم قام فقال: كآني قد دعيت فأجبت وإن الله مولاي وأنا مولى كل مؤمن وأنا تارك فيكم ما إن تمسكتم به لم تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض. ثم أخذ بيد علي فقال: من كنت وليه فهذا وليه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه! قال ابو الطفيل: قلت لزيد: أنت سمعت هذا من رسول الله (ص). قال: ما كان في الدوحات أحد إلا وقد رأى بعينه وسمع بأذنه ذلك!

زيد بن ارقم می‌گوید: در حجة الوداع همراه رسول خدا (ص) بودیم. چون به غدیر رسیدیم امر فرمودند تا جایی برای خطبه آماده کردند. سپس خطبه خوانده، فرمودند: گویا من دعوت شدم و پذیرفتم. همانا خداوند مولای من است و من مولای هر مؤمن و همانا من در بین شما دو چیز گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیت هستند، و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند. سپس دست علی را گرفته فرمودند: هر که من مولایش هستم پس علی نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش‌هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup> سند این حدیث کاملا صحیح است.

این حدیث را حاکم با دو سند و با لفظ‌های مختلف روایت کرده است که در زیر با آنها آشنا می‌شویم.

۱. انساب الاشراف بلاذری، ج ۱، ص ۲۸۱ و ج ۲، ص ۳۵۶ و ۳۵۷.



۱۵ و ۱۶- حدیثنا ابو بکر بن إسحاق و دعلج بن أحمد السجری قالوا: أنبأ محمد بن أيوب: ثنا الأزرقي بن علي ثنا حسان بن إبراهيم الكرماني ثنا محمد بن سلمة بن كهيل عن أبيه عن أبي الطفيل أنه سمع زيد بن أرقم يقول ثم نزل رسول الله (ص) بين مكة والمدينة ثم شجرات خمس دوحات عظام فكنس الناس ما تحت الشجرات ثم راح رسول الله (ص) عشية فصلى ثم قام خطيبا فحمد الله وأثنى عليه وذكر ووعظ فقال: ما شاء الله أن يقول ثم قال: أيها الناس إنني تارك فيكم أمرين لن تضلوا إن اتبعتموهما وهما كتاب الله وأهل بيته عترتي ثم قال: أتعلمون إنني أولى بالمؤمنين من أنفسهم، ثلاث مرات قالوا: نعم. فقال رسول الله (ص): من كنت مولاه فعلي مولاه.

ابو طفیل از زید بن ارقم شنیده که می‌گوید: رسول خدا (ص) بین مکه و مدینه نزد درختان فرود آمدند و مردم زیر درختان را جارو و تمیز کردند، سپس حضرت نماز خواندند و برای سخنرانی بلند شدند و خدا را حمد و ثنا گفتند و موعظه کردند و هر چه خدا خواست به مردم گفتند و سپس فرمودند: ای مردم! من در بین شما دو چیز گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند. سپس سه مرتبه فرمودند: آیا می‌دانید که من بر مؤمنین اولی از خودشان هستم؟ مردم گفتند: آری، فرمودند: هر که من مولای او هستم پس علی نیز مولای اوست!

حاکم این سند را به شرط شیخین صحیح دانسته، ولی ذهبی می‌گوید: شیخین از محمد بن سلمه حدیث روایت نکرده‌اند و سعدی و جوزجانی او را تضعیف کرده‌اند.

اما باید گفت که ابن معین محمد و برادرش را ذکر کرده و برادرش را تضعیف کرده، ولی در مورد محمد چیزی نگفته

است.<sup>۱</sup> و ابن حبان او را ثقه دانسته<sup>۲</sup> و در صحیحش نیز از او حدیث روایت کرده است و حاکم نیز حدیث او را صحیح دانسته است. پس او ثقه است و جوزجانی خود ناصبی است و نمی‌توان به سخن او اعتماد کرد و محدثان و علما در جرح و تعدیل از نظرات سعدی نیز چندان استفاده نمی‌کنند و این دلیل کم ارزش بودن نظرات اوست.

۱۷ و ۱۸- حدیثنا ابو الحسین محمد بن أحمد بن تمیم الحنظلی بیغداد ثنا ابو قلابة عبد الملك بن محمد الرقاشی ثنا یحیی بن حماد

وحدیثی ابو بکر محمد بن بالویه و ابو بکر أحمد بن جعفر البزار قالوا: ثنا عبد الله بن أحمد بن حنبل حدیثی ابي ثنا یحیی بن حماد وثنا ابو نصر أحمد بن سهل الفقیه ببخارا ثنا صالح بن محمد الحافظ البغدادی ثنا خلف بن سالم المخرمی ثنا یحیی بن حماد ثنا ابو عوانة عن سلیمان الأعمش قال: ثنا حبیب بن ابي ثابت عن ابي الطفیل عن زید بن أرقم قال: ثم لما رجع رسول الله (ص) من حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقمین فقال: کأنی قد دعیت فأجبت إنی قد ترکت فیکم الثقلین أحدهما أكبر من الآخر: کتاب الله تعالی و عترتی. فانظروا کیف تخلفونی فیهما فإنهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض. ثم قال: إن الله عز وجل مولای وأنا مولی کل مؤمن ثم أخذ بیید علی فقال من کنت مولاه فهذا ولیه. اللهم وال من والاه وعاد من عاداه! وذكر الحدیث بطوله.

زید بن ارقم می‌گوید: چون رسول خدا (ص) از حجة الوداع برگشت و وارد غدیر خم شد امر فرمود تا مکان سخنرانی و خطبه را آماده کردند. حضرت فرمود: گویا من دعوت شدم و

۱. تاریخ یحیی بن معین، ج ۱، ص ۳۶۳، ۲۴۴۸.

۲. الثقات ابن حبان، ج ۷، ص ۳۷۵.

پذیرفتم، همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند. مواظب باشید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند. سپس دست علی را گرفته، فرمودند: هر که من مولایش هستم پس علی نیز مولای اوست. خدایا دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن دارد! ابو طفیل می‌گوید: به زید گفتم: این حدیث را تو از رسول خدا (ص) شنیدی؟ گفت: هر که در آن جا حضور داشت با دو چشمش آن حضرت را دید و با گوش- هایش این سخنان را شنید.<sup>۱</sup>

حاکم و ذهبی سند این حدیث را به شرط شیخین صحیح دانسته‌اند و در متن عربی اگر ملاحظه کنید این حدیث با دو سند روایت شده است.

۱۹- حدثنا ابو بكر القاسم بن زكريا بن يحيى المقرئ قال: حدثنا محمد بن حميد قال: حدثنا هارون بن المغيرة عن عمرو بن أبي قيس عن شعيب بن خالد عن سلمة بن كهيل عن أبي الطفيل سمع زید بن أرقم سمع النبي (ص) يقول: أيها الناس إني تارك فيكم أمرين لن تضلوا ما اتبعتموهما: القرآن وأهل بيتي عترتي. ثم قال: هل تعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأموالهم ثلاث مرات. فقال الناس: نعم. فقال النبي (ص): من كنت مولاه فعلى مولاه!

زید بن ارقم می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: ای مردم، من در بین شما دو چیز گذاشتم تا زمانی که از آن دو تبعیت می‌کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند. سپس سه مرتبه فرمودند: آیا می‌دانید که من بر مؤمنین اولی از

۱. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۴۵۷۶.

خودشان و اموالشان هستم؟ مردم گفتند: آری. سپس فرمودند: هر که من مولای او هستم پس علی نیز مولای اوست!<sup>۱</sup>  
سند این حدیث صحیح است و در مورد محمد بن حمید حرف‌های گفته شده، ولی ابن معین و احمد و ابو داود و بعض دیگر از محدثان او را ثقه دانسته‌اند و در این مقام ضعف او مضر نیست.

۲۰- حدثنا القاسم بن زكريا بن يحيى قال حدثنا يوسف بن موسى قال: حدثنا عبيد الله بن موسى قال: أخبرنا يحيى بن سلمة بن كهيل عن أبيه أنه دخل على أبي الطفيل ومعه حبيب بن أبي ثابت ومجاهد وناس من أصحابه فقال أبو الطفيل: حدثني زيد بن أرقم: أن النبي (ص) نزل بين مكة والمدينة عند سمرة خمس دوحات عطاس فكنس الناس لرسول الله (ص) ما تحت السمرة ثم راح عسيه فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: إني تارك فيكم أمرين لن تضلوا ما اتبعتموهما: كتاب الله عز وجل وأهل بيتي عترتي. ثم قال: الست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالها ثلاث مرات. قال الناس: بلى. قال: فمن كنت مولاه فعلى مولاه. ثم أخذ بيده فرفعهما قال يحيى: وكان الناس يجيئون إلى أبي فيقولون: إن حبيب بن أبي ثابت يقول: اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. قال: إني قد سمعت ما سمعوا ولكن قد نسيت.

سلمه بن كهيل به منزل ابو طفيل وارد شد در حالی که همراه او حبيب بن ابی ثابت، مجاهد و دیگران از اصحابش حضور داشتند پس ابو طفيل گفت: زيد بن ارقم به من روايت کرد که رسول خدا (ص) بين مکه و مدینه نزد درختان بزرگ فرود آمدند و مردم زیر درختان را تمیز کردند. سپس حضرت (خطبه خوانده)، بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز می‌گذارم که اگر از آن دو تبعیت کنید هرگز گمراه نمی-

۱. جزء ابو طاهر دارقطنی، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۴۲.

شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند. سپس سه مرتبه فرمودند: آیا من اولی بر مؤمنین از خودشان نیستم؟ مردم گفتند: هستید، حضرت فرمودند: هر که من مولای او هستم پس علی نیز مولای اوست. یحیی می‌گوید: مردم پیوسته به نزد پدرم می‌آمدند و سؤال می‌کردند که حبیب بن ابی‌ثابت می‌گوید: "خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی دشمن دارد." پدرم می‌گفت: من نیز هر چه را که آن‌ها شنیده بودند شنیدم، ولی من فراموش کردم.<sup>۱</sup> در سند این حدیث یحیی بن سلمه است که ابن حبان او را ثقه دانسته، ولی بقیه او را ضعیف و متروک دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

## ۲- روایات یزید بن حیان از زید بن ارقم

چنان که قبلاً اشاره شد یزید بن حیان این حدیث را زمانی که زید بن ارقم پیر شده، و خیلی چیزها را فراموش کرده است از او اخذ و روایت کرده و لذا مقداری ناقص بازگو شده، ولی زید بن ارقم باز اصل مطلب را در این حدیث نیز کاملاً رسانده است.

مسلم در صحیحش چنین روایت کرده است:

۲۱ الی ۳۱- حدیثی زهیر بن حرب وشجاع بن مخلد جمیعا عن ابن علیة قال زهیر: حدثنا إسماعیل بن إبراهيم، حدیثی ابو حیان، حدیثی یزید بن حیان قال: ثم انطلقت أنا وحصین بن سبرة وعمر بن مسلم الی زید بن ارقم فلما جلسنا إلیه قال له حصین: لقد لقیته یا زید خیرا کثیرا رأیت رسول الله (ص) وسمعت حدیثه وغزوت معه وصلیت خلفه لقد لقیته یا زید خیرا کثیرا حدثنا یا

۱. جزء ابو طاهر دار قطنی، ج ۱، ص ۱۴۴، ج ۱۴۳.

۲. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۹۶ ر ۳۶۲.

زيد ما سمعت من رسول الله (ص) قال: يا بن أخي والله لقد كبرت سني وقدم عهدي ونسيت بعض الذي كنت أعمى من رسول الله (ص) فما حدثتكم فأقبلوا وما لا فلا تكلفونيهِ ثم قال: قام رسول الله (ص) يوما فينا خطيبا بماء يدعى خما بين مكة والمدينة فحمد الله وأثنى عليه ووعظ وذكر ثم قال: أما بعد؛ ألا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب وأنا تارك فيكم ثقلين: أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به فحث على كتاب الله ورغب فيه ثم قال: وأهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي.

يزيد بن حيان می‌گوید: همراه حصین و یزید بن مسلم به حضور زید بن ارقم رفتیم و چون نشستیم حصین گفت: ای زید همانا خیر کثیری دیدی، رسول خدا (ص) را دیدی و حدیث از او شنیدی و همراهش جهاد کردی و پشتش نماز خواندی. ای زید برای ما از احادیثی که شنیدی نقل کن. زید گفت: ای فرزند برادرم همانا سنم بالا رفته و مرگم قریب است و بعض چیزهایی را که از رسول خدا (ص) فرا گرفته بودم فراموش کردم. لذا هر حدیث که نقل کردم بپذیرید و در چیزی که نگفتم اجبارم نکنید سپس گفت: روزی رسول خدا (ص) بین مکه و مدینه در غدیر خم (برای خطبه) بلند شدند و خداوند را حمد و ثنا گفتند و مردم را موعظه نمودند، سپس فرمودند: ای مردم! من بشری هستم که نزدیک است ملك قبض روح بیاید و من بپذیرم و من در بین شما دو چیزی گرانبها می‌گذارم، (اصل مطلب این است که در این حدیث نیز بازگو شده)، اول آن دو کتاب خدا که در آن نور و هدایت است. پس کتاب خدا را گرفته و به آن تمسک کنید. حضرت به کتاب خدا سفارش و ترغیب نمود سپس فرمود:

(دیگری) اهل بیتم. شما را در حق اهل بیتم سفارش می‌کنم و این جمله را سه بار تکرار نمود.<sup>۱</sup>

مسلم این حدیث را با چهار سند روایت کرده و حدیث ثقلین در کتاب‌های زیر از یزید بن حیان با ده سند صحیح از زید روایت شده است.

در این حدیث چنان که ملاحظه کردید زید بن ارقم تأکید می‌کند که پیر شده و خیلی چیزها را فراموش کرده است. و شاید سبب ناقص روایت شدن این حدیث نیز همین مسأله باشد؛ زیرا روایات دیگران از زید بن ارقم مثل روایات ابو طفیل که خود از صحابه بوده و روایات حبیب بن ابی ثابت و مسلم بن صبیح و بقیه کامل‌تر از روایت یزید بن حیان روایت شده است و همچنین آن روایات از زید با روایات دیگر صحابگان در معنا همخوانی دارد.

حدیث زیر نیز که از یزید است حتی خود دلالت بر ناقص بودن روایت صحیح مسلم می‌کند:

۳۲- حدثنا محمد بن حیان المازنی ثنا كثير بن يحيى ثنا ابو عوانة عن الأعمش عن يزيد بن حيان عن زيد بن أرقم قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما.

یزید از زید بن ارقم از رسول خدا □ روایت کرده که فرمودند: من بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و آن دو کتاب

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳ ح ۲۴۰۸. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۶۶. صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۶۲، ح ۲۳۵۷. سنن دارمی، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۳۳۱۶. سنن نسائی، ج ۵، ص ۵۱، ح ۸۱۷۵. معجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۸۲، ح ۵۰۲۸.

خدا و اهل بیتم هستند. پس مواظب باشید که بعد از من چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد...<sup>۱</sup>

۳۳- قال أخبرنا القاضي أبو القاسم علي بن المحسن بن علي التنوخي، قال: حدثنا أبو الحسين عبد الله بن محمد بن الحسين بن عبيد الله بن هارون الدقاق المعروف بابن أخي ميمي، قال: حدثنا أبو بكر محمد بن القاسم بن بشار الأنباري النحوي إملاء، قال: حدثني عم أبي العباس أحمد بن يسار بن الحسن، قال: حدثنا عبد الأعلى بن حماد الترسي، قال: حدثنا يحيى بن حماد، قال: حدثنا عوانة عن سليمان بن مهران الكاهلي وهو الأعمش عن يزيد بن حيان عن زيد بن أرقم، قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. فانظروا كيف تخلفوني فيهما.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند. پس مواظب باشید که بعد از من چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد.<sup>۲</sup> سند این حدیث بررسی نشد.

می‌بینید که یزید بن حیان این حدیث را به گونه دیگر روایت کرده است؛ یعنی متن روایت قبلی او با این فرق می‌کند. خلاصه، حدیث ثقلین از زید بن ارقم با لفظهای دیگر روایت شده و چند نفر آن را با متون رسا و کامل‌تر از او روایت کرده‌اند و همچنین آن نقل‌ها با نقل صاحبگان دیگر سازگار است. و این دلالت بر این مطلب می‌کند که متن حدیث یزید بن حیان که مسلم آن را روایت کرده ناقص است، ولی با این وجود اصل مطلب را با صراحت می‌رساند و آن اینکه رسول خدا (ص) به "کتاب خدا و عترت" با هم وصیت نموده‌اند.

۱. معجم الكبير، ج ۵، ص ۱۸۲، ح ۵۰۲۵.

۲. الامالی الشجریه ابن الشجرى، ج ۱، ص ۱۲۱.



### ۳- روایت حبیب بن ابی ثابت از زید بن ارقم

۳۴- حدثنا علی بن المنذر کوفی، حدثنا محمد بن فضیل قال: حدثنا الأعمش عن عطية عن أبي سعيد والأعمش عن حبیب بن أبی ثابت عن زید بن أرقم رضی الله عنهما قالاً: قال رسول الله (ص) ثم انی تارك فيکم ما إن تمسکتُم به لن تضلوا بعدی؛ أحدهما أعظم من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتی أهل بیتی. ولن یترفقا حتی یردا علی الحوض. فانظروا کیف تخلفونی فیهما.

زید بن ارقم و ابو سعید گفته‌اند: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من چیزی در بین شما می‌گذارم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید و یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است و آن کتاب خدا که ریسمانی است کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیتم و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند. پس مواظب باشید که چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد.<sup>۱</sup> ترمذی سند این حدیث را حسن دانسته و البانی در دو کتابش سند آن را صحیح دانسته است.

ملاحظه می‌کنید که روایت حبیب نیز از زید بن ارقم الفاظش همان الفاظی است که ابو طفیل از زید روایت کرده و دیگران از صحابه نیز این حدیث شریف را همین گونه روایت کرده‌اند که در گذشته اشاره شد و بعداً نیز خواهد آمد.

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲، ح ۳۷۸۸. سلسله احادیث صحیح ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۱۲۶۱. جامع الصغیر و زیاداته، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۴۲۲۳.



دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا این که (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>  
طبرانی این حدیث را با سه سند روایت کرده و همه‌ی سند آن‌ها صحیح است.

حاکم با سند زیر این حدیث را روایت کرده است:

۳۹- حدثنا ابو بکر محمد بن الحسين بن مصلح الفقيه بالری ثنا محمد بن أيوب ثنا يحيى بن المغيرة السعدی ثنا جریر بن عبد الحمید عن الحسن بن عبد الله النخعی عن مسلم بن صبيح عن زيد بن أرقم قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و أهل بيتي. و إنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض. رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم کتاب خدا و اهل بیتم و آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا این که (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>  
حاکم و ذهبی سند این حدیث را به شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته‌اند. این سند از یحیی به بعد همان سند حدیث شماره ۳۵ است، ولی اینجا آن حدیث شریف ناقص از قبلی روایت شده است.

۴۰- حدث الخليل الحافظ عن محمد بن إسحاق قال: قرأت على محمد بن مسعود، حدثنا ابو حجر عمرو بن رافع، حدثنا جریر عن الحسن عن مسلم عن زيد بن أرقم قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و أهل بيتي. و إنهما لم يتفرقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم را و آن دو حتماً هرگز از

۱. معجم الكبير، ج ۵، ص ۱۶۹، ح ۴۹۸۰ و ۴۹۸۱ و ۴۹۸۲.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۱۶۰، ح ۴۷۱۱.

هم جدا نمی‌شوند تا این که (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

از آنچه گذشت روشن شد که حدیث وصیت بر کتاب خدا و عترت از مسلم بن صبیح با پنج سند روایت شده و همه‌ی سندهای آن صحیح است.

### ۵- روایت علی بن ربیعہ از زید بن ارقم

۴۱- حدثنا عبید الله بن موسی قال: أخبرنا إسرائيل عن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربیعة قال: لقيت زید بن أرقم و هو يريد الدخول على المختار فقلت له: بلغني عنك حديث. قال: ما هو؟ قلت: أسمعت النبي (ص) يقول: إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله عز وجل و عترتي؟ قال: نعم.

علی بن ربیعہ می‌گوید: با زید بن ارقم در حالی که می‌خواست به نزد مختار وارد شود ملاقات کردم به او گفتم: از تو به من حدیثی رسیده. گفت: چه هست؟ گفتم: آیا شنیدی که رسول خدا ﷺ می‌فرمود: همانا من بین شما کتاب خدا و اهل بیتم را گذاشتم؟ گفت: آری، شنیدم.<sup>۲</sup>

سند این حدیث کاملاً صحیح است.

۴۲- حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أسود بن عامر ثنا

إسرائيل عن عثمان بن المغيرة عن علي بن ربیعة قال لقيت زید بن أرقم و هو داخل على المختار أو خارج من عنده فقلت له: أسمعت رسول الله (ص) يقول: إني تارك فيكم الثقلين؟ قال نعم. علی بن ربیعہ می‌گوید: در حالی که زید بن ارقم به نزد مختار داخل و یا از نزد او خارج می‌شد با او در رو شدم و گفتم: آیا از رسول خدا ﷺ شنیدی که فرموده‌اند: من بین شما دو

۱. التدوين في اخبار قزوين، ج ۱، ص ۴۷۵.

۲. المعرفة والتاريخ، ج ۱، ص ۱۲۱.

چیز گرانبها می‌گذارم و آن کتاب خدا و اهل بیتم هستند؟ گفت: آری، شنیدم.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح است و شعیب ارنؤوط نیز در حاشیه مسند احمد سند آن را به شرط بخاری صحیح دانسته است.

۴۳- حدثنا علی بن عبد العزیز ثنا ابو غسان مالک بن إسماعیل ثنا إسرائيل عن عثمان بن المغيرة عن علی بن ربیعة قال: لقيت زيد بن أرقم داخلًا علی المختار أو خارجًا قال: قلت: بلغنی عنك سمعت رسول الله (ص) يقول: ثم إنی تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي قال نعم.

علی بن ربیعه می‌گوید: در حالی که زید بن ارقم به نزد مختار داخل و یا از نزد او خارج می‌شد با او رو در رو شدم و گفتم: به من خبر رسید تو از رسول خدا (ص) شنیده‌ای که فرموده‌اند: من بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و آن کتاب خدا و اهل بیتم هستند؟ گفت: آری، درست است.<sup>۲</sup>

سند این حدیث نیز کاملاً صحیح است. پس این حدیث از علی بن ربیعه با دو سند صحیح روایت شده است.

#### ۶- روایت یحیی بن جعدہ از زید بن ارقم

۴۴ و ۴۵- أخبرني محمد بن علی الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري (وطبرانی عن علی ابن عبد العزیز) ثنا ابو نعیم ثنا کامل ابو العلاء قال: سمعت حبيب بن ابی ثابت يخبر عن يحيى بن جعدة عن زيد بن ارقم -رضی الله عنه- قال: خرجنا مع رسول الله (ص) حتى انتهينا إلى غدیر خم فأمر بروح فكسح في يوم ما اتى علينا يوم كان اشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه

۱. مسند احمد، ج ۷، ص ۸۴، ح ۱۹۳۳۲.

۲. معجم الكبير، ج ۵، ص ۱۸۶، ح ۵۰۴۰.

وقال: يا ايها الناس انه لم يبعث نبى قط الا ما عاش نصف ما عاش الذى كان قبله وانى اوشك ان ادعى فاجيب وانى تارك فيكم ما لن تضلوا بعده: كتاب الله عزوجل. ثم قام فاخذ بيد على -رضى الله عنه- فقال: يا ايها الناس من اولى بكم من انفسكم؟ قالوا: الله ورسوله اعلم. قال: من كنت مولاه فعلى مولاه.

زيد بن ارقم می‌گوید: (بعد از حج) همراه رسول خدا (ص) از مکه خارج شدیم تا اینکه به غدیر خم رسیدیم. حضرت امر فرمودند تا در مکان وسیعی فرود آمده و برای خطبه جایی آماده کردیم، در روزی که گرم‌تر از آن روز روزی بر ما نیامده بود. سپس حضرت، خداوند را حمد و ثنا گفتند و فرمودند: ای مردم، من پیامبری را سراغ ندارم مگر این که به مقدار نصف پیامبر قبل از خود عمر کرده است، و نزدیک است که به (آن دنیا) دعوت شوم و بپذیرم. همانا من بین شما چیزی می‌گذارم که بعد از آن هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا. سپس بلند شده دست علی را گرفته، فرمودند: ای مردم! چه کسی اولی بر شما از خودتان است؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. فرمودند: هر که من مولای او باشم پس علی نیز مولای اوست.<sup>۱</sup>

حاکم و ذهبی سند این حدیث را صحیح دانسته‌اند و سند طبرانی نیز صحیح است و البانی نیز رجال سند طبرانی را ثقات دانسته، ولی متأسفانه چنان‌که ملاحظه می‌کنید عبارت "عترت و اهل بیت" را از این حدیث حذف کرده‌اند ولی خوشبختانه این مطلب را که این حدیث در غدیر خم ایراد شده تصریح کرده‌اند که از آن هر فردی به راحتی این دستکاری را درک می‌کند که

۱. مستدرک، ج ۳، ص ۶۱۳، ح ۶۲۷۲. معجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۷۱، ح ۴۹۸۶. سلسله احادیث صحیحه، ج ۴، ص ۲۴۹، ح ۱۷۵۰.

مغرضانی چگونه برای پنهان کردن حقایق، عبارت "اهل بیتهم" را از این حدیث حذف کرده‌اند.

#### ۷- روایت پسر خاتم زید بن ارقم از او

٤٦- أخبرنا ابو يعلى على بن عبيدالله بن العلاف البزار إذنا قال: أخبرنا عبد السلام بن عبد الملك بن حبيب البزار قال: أخبرنا عبد الله بن محمد بن عثمان قال: حدثنا محمد بن بكر بن عبد الرزاق، حدثنا ابو حاتم مغيرة بن محمد المهلبى قال: حدثنى مسلم بن إبراهيم، حدثنا نوح بن قيس الحداني، حدثنا الوليد بن صالح عن ابن امرأة زيد بن ارقم عن زيد قال: أقبل نبى الله من مكة فى حجة الوداع حتى نزل بغدير والجحفة بين مكة والمدينة. فأمر بالدوحات فقم ما تحتهن من شوك ثم نادى: الصلاة جامعة! فخرجنا إلى رسول الله (ص) فى يوم شديد الحر وان منا لمن يضع رداء على رأسه وبعضه على قدميه من شدة الرمضاء. حتى انتهينا إلى رسول الله صلى بنا الظهر ثم انصرف إلينا فقال: الحمد لله نحمده ونستعينه، ونو من به ونتوكل عليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، و من سيئات أعمالنا، الذى لا هادى لمن أضل، ولا مضل لمن هدى وأشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله. أما بعد ايها الناس! فإنه لم يكن لنبى من العمر إلا نصف من عمر من قبله وان عيسى بن مريم لبث فى قومه أربعين سنة وانى قد أسرعت فى العشرين، ألا وانى يوشك أن أفارقكم. ألا وانى مسؤول وانتم مسؤولون فهل بلغتكم؟ فماذا انتم قائلون؟ فقام من كل ناحية مجيب يقولون: نشهد انك عبد الله ورسوله، قد بلغت رسالته، وجاهدت فى سبيله، وصدعت بامرہ، وعبدته حتى أتاك اليقين، جزاك الله عنا خير ما جزى نبيا عن أمته. فقال: أستم تشهدون أن لا إله إلا الله لا شريك له؟ وأن محمدا عبده ورسوله؟ وأن الجنة حق وأن النار حق وتؤمنون بالكتاب كله؟ قالوا: بلى. قال: فانى أشهد أن قد صدقتكم،

و صدقتمونی آلا وانی فرطکم، و انکم تبعی، توشکون أن تردوا علی الحوض فأسألكم حين تلقوننی عن ثقلین کیف خلفتمونی فیهما، قال: فأعیل علینا ما ندری ما الثقلان، حتی قام رجل من المهاجرین وقال: بأبی و أمی أنت یا نبی الله ما الثقلان؟ قال (ص) : الاکبر منهما کتاب الله تعالی: سبب طرف بید الله و طرف بأیدیکم، فتمسکوا به فلا تضلوا، و الاصغر منهما عترتی. من استقبل قبلتی و أجاب دعوتی! فلا تقتلوهم ولا تقروهم ولا تقصروا عنهم فانی قد سألت لهم اللطیف الخبیر فأعطانی، ناصرهما لی ناصر، و خاذلهما لی خاذل، و ولیهما لی ولی و عدوهما لی عدو. آلا و إنها لم تهلك امة قبلکم حتی تتدین بأهوائها و تظاهر علی نبوتها، و تقتل من قام لا لقسط، ثم أخذ بید علی ابن أبی طالب (ع) فرفعها ثم قال: من كنت مؤلایه فهذا مؤلایه و من كنت ولیه فهذا ولیه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه! قالها ثلاثا.

زید می‌گوید: چون از حج برگشتیم و وارد غدیر خم شدید رسول خدا (ص) (ضمن خطبه طولانی) فرمودند: من بر شما پیشی می‌گیرم و شما دنبال من سر حوض بر من وارد خواهید شد، پس چون با من ملاقات می‌کنید از شما در مورد ثقلین سؤال خواهم کرد که بعد از من با آنها چه کردید! فردی از مهاجرین بلند شد و سؤال کرد که ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، ثقلین چیست؟ رسول خدا □ فرمودند: بزرگتر آن دو، کتاب خدا است؛ یک طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شماست. پس اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی‌شوید و کوچک آن اهل بیتم هستند، پس با آنها نجنگید و به قتلشان نرسانید و در حق آنها کوتاهی نکنید و من این را برای آن دو از خدای لطیف و خبیر خواستم و خداوند نیز عطا فرمود. سپس دست علی را گرفته و آن را بالا بردند و فرمودند: هر که من مولای او هستم این علی نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که



علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! و این سخن را سه مرتبه تکرار فرمودند.<sup>۱</sup>  
از آنچه گذشت روشن شد که این حدیث شریف را هفت نفر از صحابه و تابعین از زید بن ارقم با ۴۶ سند روایت کرده‌اند که ۴۲ سند آن صحیح و دو سند مورد بررسی قرار نگرفت و دو سند نیز مورد خلاف است.

## ۵- روایات ابو سعید خدری

### ۱- روایت عبدالرحمن از پدرش

۱- حدثنا محمد بن عثمان قال: حدثنا يحيى بن الحسن بن فرات القزاز قال: حدثنا محمد بن أبي حفص العطار عن هارون بن سعد عن عبد الرحمن بن أبي سعيد الخدری عن أبيه قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين: أحدهما كتاب الله تبارك و تعالی سبب طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم و عترتي أهل بيتي و إنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض و كتاب خدا لا يتابع عليه هذا يروى بأصلح من هذا الإسناد.

ابو سعید خدری می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم: یکی از آن دو کتاب خداست. يك طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شماست. و (دومی) اهل بیتم هستند، و حتماً این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>  
عقیلی این حدیث را به خاطر هارون بن سعد ضعیف دانسته، حال آن‌که ابن حجر می‌گوید: ابن معین و ابو حاتم او را توثیق

۱. مناقب بن مغازلی، ج ۱۸. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۰۳، ج ۲۳.  
۲. الضعفاء عقیلی، ج ۴، ص ۱۶۲، ر ۱۹۷۴.

کرده‌اند و احمد او را صالح دانسته و ابن حبان در ثقاتش او را ذکر کرده<sup>۱</sup> و ذهبی او را صدوق دانسته است.

## ۲- روایات عطیه از ابو سعید خدری

۱- حدثنا عبد الله قال: حدثني أبي نا الأسود بن عامر نا ابو إسرائيل عن عطية عن أبي سعيد قال: قال رسول الله (ص): ثم إنني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي. وإنهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض.

ابو سعید خدری می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم، یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است. و آن کتاب خدا، ریسمانی است کشیده شده از آسمان به زمین و (دومی) اهل بیتم هستند، و حتماً این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup> سند این حدیث صحیح و روایانش ثقة هستند و البانی نیز آنرا حسن دانسته است، ولی در مورد عطیه چون بعضی‌ها حرف زده‌اند باید نظرات بزرگان اهل سنت را ذکر کنیم تا صحت سند احادیث او در این باب روشن گردد.

عجلی<sup>۳</sup> و ابن معین<sup>۴</sup> عطیه را ثقة دانسته‌اند. از ابن معین در مورد حدیث عطیه سؤال شد. در پاسخ گفت: حدیث اوصالح

۱. تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۶، ر ۹.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴، ح ۱۱۱۱۹. فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۷۷۹، ح ۱۳۸۲. صحیح البانی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۱۷۶۱.

۳. معرفت الثقات عجلی، ج ۲، ص ۱۴۰، ر ۱۲۵۵.

۴. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۹.

است.<sup>۱</sup> ابن شاهن نیز توثیق یحیی را نقل کرده است.<sup>۲</sup> و ترمذی در چندین مورد در سننش حدیث عطیه را حسن دانسته و ابن سعد می‌گوید: حجاج به محمد بن قاسم نوشت: به عطیه پیشنهاد کن تا علی را سب کند و اگر نکرد او را چهارصد تازیانه بزن و ریشش را بتراش. عطیه زیر با نرفت و ابن قاسم حکم حجاج را جاری کرد...، ابن سعد بعد از نقل این داستان می‌گوید: ان شاء الله او ثقه است و احادیث صالح روایت کرده، ولی بعضی از مردم حدیث او را قبول ندارند.<sup>۳</sup>

بخاری در "ادب المفرد" و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه از او حدیث روایت کرده‌اند، و با این بیان ثابت شد که بدون تردید عطیه ثقه است؛ زیرا تضعیف او به جهت عقیده و مذهب است. به عطیه دو اشکال وارد شده است:

۱- ساجی می‌گوید: "كان يقدم عليا على الكل".<sup>۴</sup>

۲- او به کلبی کنیه ابو سعید گذاشته بود و از او حدیث روایت می‌کرد. وقتی سؤال می‌شود می‌گوید: از ابو سعید.

جواب: اما اشکال اول: احادیث فراوان و حتی متواتر مثل حدیث طیر بر افضلیت امیر المؤمنین (ع) تصریح دارد و خیلی از صحابه نیز این عقیده را داشته‌اند.

اما اشکال دوم، اگر صحت داشته باشد باز در مورد این حدیث صادق نیست؛ زیرا عطیه در اکثر اسانید این حدیث شریف تصریح کرده است که او این حدیث را از ابو سعید خدری روایت کرده است لذا این اشکال در این حدیث وارد نخواهد بود و چنان‌که

۱. تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۳۶۳، ر ۲۴۴۶.

۲. تاریخ اسماء الثقات، ص ۱۷۲، ر ۱۰۲۳.

۳. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۰۱، ر ۴۱۴.

۴. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۰۲، رقم ۴۱۴.

اشاره شد البانی نیز سندی را که عطیه با آن حدیث ثقلین را روایت کرده حسن دانسته است.

۲- حدثنا عبد الله قال: حدثني أبي نا ابو النضر نا محمد يعني بن طلحة عن الأعمش عن عطية العوفى عن أبي سعيد الخدرى: أن النبى (ص) قال: ثم إنى أوشك أن أدعى فأجيب وإنى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتى وإن اللطيف الخبير أخبرنى أنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض. فانظروا بما تخلفونى فيهما.

رسول خدا (ص) فرمودند: نزدیک است که (به آن دنیا) دعوت شوم و بپذیرم، و همانا من در بین شما دو چیز گرانبها، یعنی کتاب خدا و اهل بیتم را گذاشتم، و همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داده که آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند، پس مواظب باشید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد.<sup>۱</sup>

راویان این سند نیز همه ثقة و این سند صحیح است.

۳- حدثنا عبید الله قال: حدثنا ابو إسرائيل عن عطية عن أبي سعيد الخدرى قال: قال رسول الله (ص): أنى تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله عز وجل سبب موصول من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتى. وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا که سبب وصول آسمان به زمین است و عترتم اهل بیتم. همانا آن دو

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷، ح ۱۱۱۴۷. طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۴.

هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

۴- أخبرنا هاشم بن القاسم الكناني أخبرنا محمد بن طلحة عن الأعمش عن عطية عن أبي سعيد الخدري عن النبي (ص) قال: إني أوشك أن أدعى فأجيب وإني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي وإن اللطيف الخبير أخبرني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما.

رسول خدا (ص) فرمودند: نزدیک است که (به آن دنیا) دعوت شوم و بپذیرم، و همانا من در بین شما دو چیز گرانبها یعنی کتاب خدا و اهل بیتم را گذاشتم، و همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داده که آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند، پس مواظب باشید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد.<sup>۲</sup>

روایت این سند نیز همه‌تفه‌اند.

۵- أخبرنا السيد الإمام رضي الله عنه، قال: حدثنا أبو طاهر محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الرحيم بقراءتي عليه بأصفهان، قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن محمد بن جعفر بن حيان، قال: حدثنا أبو يعلى، قال: حدثنا غسان عن أبي إسرائيل عن عطية عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله سبب موصول من السماء إلى الأرض، و عترتي أهل بيتي، ألا وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض".

۱. المعرفة والتاريخ، ج ۱، ص ۱۲۱.  
 ۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷، ج ۱۱۱۴۷. طبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۴.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا که سبب وصول آسمان به زمین است و عترتم اهل بیتم. آگاه باشید همانا آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح است.

۶- حدثنا عبد الله، حدثني أبي، حدثنا أسود بن عامر أخبرنا أبو إسرائيل يعني إسماعيل بن أبي إسحاق الملائني عن عطية عن أبي سعيد قال: قال رسول الله (ص): اني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي وانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم که یکی بزرگتر از دیگری است. کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیتم، آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

راویان این سند نیز همه ثقه‌اند.

۷- حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا بن نمير ثنا عبد الملك يعني بن أبي سليمان عن عطية عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله (ص): اني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله عز وجل حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي. الا انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است. کتاب خدا،

۱. الامالی الشجریه ابن الشجرى، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴، ج ۱۱۱۹.

ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیتم. آگاه باشید که آن دو حتماً هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح روایتش ثقه هستند.

۸- حدثنا بشر بن الوليد، حدثنا محمد بن طلحة عن الأعمش عن عطية بن سعد: عن أبي سعيد أن النبي (ص) قال: إني أوشك أن أدعا فأجيب وإني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله حبل ممدود بين السماء والأرض وعترتي أهل بيتي وإن اللطيف الخبير أخبرني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا به تخلفوني فيهما.

رسول خدا(ص) فرمودند: نزدیک است که (به آن دنیا) دعوت شوم و بپذیرم، و همانا من در بین شما دو چیز گرانها گذاشتم کتاب خدا، ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین و اهل بیتم، و همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داده که آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند، پس مواظب باشید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد.<sup>۲</sup>

سند این حدیث صحیح روایتش ثقه هستند.

۹ و ۱۰- حدثنا ابو حفص عمر بن أيوب السقطي قال: حدثنا بشر بن الوليد القاضي وحدثنا ابو بكر بن أبي داود السجستاني قال: حدثنا إسحاق بن البهلول الأنباري (قالا): حدثنا إسحاق بن الطباع عن محمد بن طلحة عن الأعمش، عن عطية عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله (ص): إني أوشك أن أدعى فأجيب وإني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله عز وجل حبل ممدود من السماء

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۶، ح ۱۱۲۲۷ و ۱۱۵۷۸.  
 مسند بن جعد، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۲۷۱۱  
 ۲. مسند ابو يعلى، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۰۲۱.

إلى الأرض و عترتي أهل بيتي وإن اللطيف الخبير أخبرني أنهما  
لن يفترقا حتى يردا علي الحوض فانظروا بما تخلفونني فيهما.

رسول خدا (ص) فرمودند: نزدیک است که (به آن دنیا) دعوت  
شوم و بپذیرم، و همانا من در بین شما دو چیز گرانبها، کتاب خدا،  
ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیتم را گذاشتم، و  
همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داده که آن دو هرگز از هم  
جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند، پس  
مواظب باشید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد.<sup>۱</sup>

هر دو سند فوق صحیح و روایتش ثقه هستند. البته در باره‌ی ابو  
بکر بن ابی‌داود جرح‌های شده و متهم به نصب بوده و توبه کرده  
است. به هر حال او را امام و حافظ دانسته و حدیثش را قبول دارند.

۱۱- حدثنا زكريا قال: حدثنا عطية عن أبي سعيد الخدري ان  
النبي (ص) قال: إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر:  
كتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز  
گرانبها گذاشتم: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین  
(و اهل بیتم).<sup>۲</sup>

سند این حدیث نیز صحیح و روایتش ثقه هستند.

۱۲- حدثنا ابو بكر، حدثنا محمد بن بشر حدثنا زكريا حدثني  
عطية عن أبي سعيد: عن النبي (ص) قال: إني تارك فيكم الثقلين  
أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله جبل ممدود بين السماء  
والأرض و عترتي أهل بيتي ولن يفترقا حتى يردا علي الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز  
گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا،  
ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیتم، آن دو حتماً

۱. الشريعة آجری، ج ۴، ص ۳۹۰، ح ۱۶۵۵-۱۶۵۶.

۲. مصنف ابن ابی‌شيبه، ج ۶، ص ۱۳۳، ح ۳۰۰۸۱.



هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث نیز صحیح و روایت آن همه ثقه‌اند.

۱۳- حدثنا الحسن بن محمد بن مصعب الأشنانی الكوفي نا عباد بن يعقوب نا ابو عبد الرحمن المسعودي عن كثير النواء عن عطية عن أبي سعيد قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي وإني لئن يترقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا(ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم؛ کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیت، حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

در سند این حدیث کثیر نواء است که ابو داود و نسائی او را تضعیف کرده‌اند و عجللی و ابن حبان او را توثیق کرده‌اند و ترمذی حدیث او را حسن دانسته است. همچنین در این سند عبد الله بن عبدالمکمل مسعودی را عقیلی و ذهبی به خاطر حدیث صحیحی که دیگران نیز آن را روایت کرده‌اند و هیثمی سندش را صحیح دانسته، متهم کرده‌اند، در حالی که ابو حاتم حدیث او را حسن و خود او را فرد نیکو دانسته است. پس، از این بیان روشن شد که این سند اقل حالش حسن است.

۱۴- حدثنا حمدان بن إبراهيم العامري الكوفي قال: نا يحيى بن الحسن بن فرات القزاز قال: نا ابو عبد الرحمن المسعودي

۱. مسند ابو یعلی، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۱۰۲۷. السنه  
ابن ابی‌عاصم، ج ۲، ص ۶۴۴ ح ۱۵۵۴.  
۲. معجم الاوسط، ج ۳، ص ۳۷، ح ۳۴۷۴. معجم  
الصغیر، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۳۶۳.

عن كثير النواء وابى مريم الانصارى عن عطية عن أبى سعيد الخدرى عن النبى(ص) قال: انى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي اهل بيتى ولن يفترقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا(ص) فرمودند: همانا من در بين شما دو چيز گرانبها گذاشتم كه يكي بزرگتر از ديگرى است: كتاب خدا، ريسمان كشيده شده از آسمان به زمين و اهل بيتم، و همانا خداوند لطيف و خبير به من خبر داده كه آن دو هرگز از هم جدا نمى- شوند تا اينكه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

در سند اين حديث ترجمه حمدان و يحيى را پيدا نكرديم و بقيه حديثشان حسن است.

۱۵- أخبرنا ابو المعالى أحمد بن إسحاق الهمذاني بمصر أخبرنا ابو هريرة محمد بن الليث بن شجاع الوسطاني وزيد بن هبة الله البيهقي ببغداد قالوا: أخبرنا ابو القاسم أحمد بن المبارك، أخبرنا قفرجل أخبرنا عاصم بن الحسن، أخبرنا عبد الواحد بن محمد، حدثنا الحسين ابن إسماعيل القاضي إملاء، حدثنا محمد بن يزيد أخو كرخويه، أخبرنا يزيد بن هارون أخبرنا زكريا عن عطية العوفى عن أبى سعيد قال: قال رسول الله (ص): "إنى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الارض و عترتي اهل بيتى ولن يفترقا حتى يردا على الحوض."

رسول خدا(ص) فرمودند: همانا من در بين شما دو چيز گرانبها گذاشتم كتاب خدا، ريسمان كشيده شده از آسمان به زمين و اهل بيتم، و آن دو هرگز از هم جدا نمى-شوند تا اينكه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

۱. معجم الاوسط، ج ۴، ص ۳۳، ح ۳۵۴۲.

۲. سير اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۶۵.

شعیب ارنؤوط در حاشیه سیر ذهبی اصل حدیث را صحیح و این سند را به خاطر عطیه تضعیف کرده است، در حالی که ما توثیق عطیه را ذکر کردیم.

۱۶- حدثنا سفیان بن وکیع، حدثنا محمد بن فضیل عن عبد الملك بن أبی سلیمان عن عطیة العوفی عن أبی سعید الخدری قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: ثم یا أيها الناس إنی كنت قد تركت فیكم ما إن أخذتم به لم تضلوا بعدی الثقلین أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء الى الأرض و عترتی أهل بیتی وإنهما لن یفترقا حتی یردا الحوض.

ابو سعید خدری می‌گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما دو چیز گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید دو چیز گرانبها که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیت، و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح یا حسن است؛ زیرا در مورد سفیان بن وکیع اشکالاتی وارد کرده‌اند که آن اشکالات شامل حدیث ثقلین نیست و همچنین ابن حبان او را شیخ فاضل صدوق دانسته و ترمذی حدیث او را حسن خوانده و ابن خزیمه از او حدیث روایت کرده است.<sup>۲</sup>

۱۷- حدثنا الحسن بن مسلم بن الطیب الصنعانی، حدثنا عبد الحمید بن صبیح، حدثنا یونس بن أرقم عن هارون بن سعد عن عطیة عن أبی سعید الخدری عن النبی (ص) قال: إنی تارك فیكم الثقلین ما إن تمسکتم به لن تضلوا: كتاب الله و عترتی وإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

۱. مسند ابو یعلی، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۱۱۴۰.

۲. میزان الاعتدال، ج ۲، ر ۳۳۴.

رسول خدا(ص) می‌فرمودند: همانا من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید (آن دو) کتاب خدا و اهل بیت هستند، و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

در سند این حدیث ترجمه حسن بن مسلم و ابن صبیح را پیدا نکردیم، بقیه روایت آن ثقة‌اند.

۱۸- حدثنا علی بن میمون، حدثنا سعید بن سلمة عن عبد الملك عن عطية العوفی عن أبي سعید الخدری قال سمعت رسول الله(ص) يقول: يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به فلن تضلوا بعدي الثقليين وأحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.

ابو سعید خدری می‌گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما دو چیز گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید؛ دو چیز گرانبها که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیت، و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

سند این حدیث صحیح و روایت آن همه ثقة هستند. البانی در کتاب مذکور در مورد سند این احادیث نظر نداده است، ولی از اسم کتاب روشن است که او این حدیث و سند را صحیح می‌دانسته، زیرا نتیجه تبعیت از این حدیث را مشرف شدن بر سایه‌های بهشت معرفی کرده است.

۱. معجم الكبير، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۳۷۶.

۲. السنه ابن ابی‌عاصم، ص ۶۲۹، ح ۱۰۰۳. ظلال

الجنة البانی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۱۰۰۳.

**19- حدیثنا محمد بن عبد الله الحضرمی ثنا منجاب بن الحارث ثنا علی بن مسهر عن عبد الملك بن أبی سلیمان عن عطیة عن أبی سعید الخدری قال: قال النبی (ص): ثم أيها الناس إني تارك فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا بعدی أمرین أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود ما بين السماء والأرض و عترتي أهل بيتي وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.**

رسول خدا (ص) فرمودند: ای مردم همانا من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید دو چیزی که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین و اهل بیتم، و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند<sup>۱</sup>.

سند این حدیث صحیح و روایت آن همه ثقة هستند.

**۲۰- قال أخبرنا ابو طاهر محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الرحيم بقراءتي عليه، قال: أخبرنا ابو محمد عبد الله بن محمد بن جعفر بن حيان قال حدثنا عبيد بن محمد بن صبيح الزيات، قال: حدثنا عباد بن يعقوب، قال: حدثنا علي بن هاشم عن عبد الملك بن أبی سلیمان، عن عطیة عن أبی سعید عن النبی (ص) أنه قال: يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا الثقليين وأحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض، و عترتي أهل بيتي فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.**

رسول خدا (ص) فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید؛ دو چیز گرانبها که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین و اهل بیتم، و حتماً آن دو

۱. معجم الكبير، ج ۳، ص ۶۵، ح ۲۶۷۸.

هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

راویان این سند جز عبید بن محمد که او را نشناختیم همه ثقه هستند و راوی از عبید ابو شیخ حافظ است و بنابر قاعده‌ای که ذهبی در "میزان الاعتدال" مطرح کرده است می‌توان این حدیث را با این سند مقبول دانست.

۲۱- رواه عبدالله عن ابیه عن ابن نمیر عن عبدالملک بن ابی سلیمان عن عطیة العوفی عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله (ص): انی قد ترکت فیکم ما ان أخذتم به لن تضلوا بعدی الثقلین واحد منهما أكبر من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الأرض و عترتی أهل بیتی الا وانهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض: قال بن نمیر: قال بعض أصحابنا عن الأعمش: قال: انظروا کیف تخلفونی فیهم.

رسول خدا (ص) فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما دو چیز گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید، دو چیز گرانبها که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیت، و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند. ابن نمیر می‌گوید: بعضی از اصحاب ما از اعمش روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) در ادامه فرموده‌اند: مواظب باشید که پس از من با آن دو چه خواهید کرد.<sup>۲</sup>

این حدیث با این سند صحیح و روایت آن همه ثقه هستند.

۲۲- حدثنا عبد الله قال: حدثنی إسماعیل بن موسی بن بنت السدی قتنا تلید عن ابی الجحاف عن عطیة عن ابی سعید قال:

۱. الامالی الشجریه ابن الشجرى، ج ۱، ص ۱۲۶.

۲. فضایل الصحابه، ج ۲، ص ۵۸۵، ج ۹۹۰.

**قال رسول الله (ص): تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا: كتاب الله وأهل بيتي.**

رسول خدا (ص) فرمودند: من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز گمراه نمی‌شوید (وآن) کتاب خدا و اهل بیتم هستند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث نیز صحیح است. در مورد تلید بن سلیمان احمد حنبل گفته است: من هیچ اشکالی در او نمی‌بینم و از او احادیث کثیری نوشتم که از ابو جحاف روایت کرده است و عجلی و ابن عمار نیز او را توثیق کرده‌اند.<sup>۲</sup>

**۲۳- حدثنا علی بن المنذر کوفی، حدثنا محمد بن فضیل قال: حدثنا الأعمش عن عطية عن أبي سعيد والأعمش عن حبيب بن أبي ثابت عن زيد بن أرقم رضي الله عنهما قال: قال رسول الله (ص): ثم إنني ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى أحدهما أعظم من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي ولن يترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما.**

زید بن ارقم و ابو سعید گفته‌اند: رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من چیزی در بین شما می‌گذارم که اگر از آن تبعیت کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید و یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است و آن کتاب خدا است که ریسمانی است کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیتم و آن دو حتماً هرگز از هم جدا

۱. فضائل الصحابه احمد، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۱۷۰.

۲. تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۴۴۷، ر ۹۴۷.

نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند، پس مواظب باشید که چگونه با آن دو بعد از من رفتار خواهید کرد.<sup>۱</sup> ترمذی سند این حدیث را حسن و البانی در دو کتابش صحیح دانسته است.

۲۴- أخبرنا أبو الفتح أحمد بن عقيل بن محمد بن أحمد بن رافع، أنبأنا أبي أبو الفضل وأخبرنا أبو القاسم بن السمرقندي، أنبأنا أبو محمد عبيد الله بن إبراهيم المعروف بابن كبيبة النجار قالاً: أنبأنا أبو بكر محمد بن عبد الرحمن القطان، أنبأنا خيثمة بن سليمان، حدثنا محمد بن سعد، حدثنا أبي، حدثنا عمرو والحسن عن الحسن بن عطية عن عطية قال: قال أبو سعيد الخدري: سمعت رسول الله (ص) يقول: إني تارك فيكم الثقلين ألا وأحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي ألا وانهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم آگاه باشید که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین و اهل بیت، آگاه باشید و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>

در سند این حدیث حسن ابن عطیه است که یحیی ابن معین او را ثقة دانسته و ابن حبان در ثقاتش وارد کرده است، ولی بعض او را منکر الحدیث دانسته‌اند. ولی چنان‌که روشن است این حدیث از منکرات او نیست پس بدون تردید سند این حدیث نیز صحیح است.

۱. سنن ترمذی ج ۵، ص ۶۶۲، ح ۳۷۸۸. سلسله احادیث صحیحه، ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۱۲۶۱. جامع الصغیر و زیاداته، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۴۲۲۳.  
۲. تاریخ ابن عساکر، ج ۵۴، ص ۹۲، ر ۱۱۳۷۷.



۲۵- حدثنا عبید الله قال: أنبا فضیل بن مرزوق عن عطية عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله عز وجل حبل ممدود من السماء إلى الأرض طرف في يد الله عز وجل وطرف في أيديكم. فاستمسكوا به ألا و عترتي. قال فضيل: سألت عطية عن عترته؟ قال: أهل بيته.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است (و آن) کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین است؛ یک طرفش به دست خداست و طرف آخر به دست شما. به آن چنگ بزنید، آگاه باشید و اهل بیتم. فضیل گفت: از عطیه از عترتش سؤال کردم، در پاسخ گفت: اهل بیتم هستند.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح و راویانش ثقه هستند.

۲۶- قال أخبرنا إبراهيم بن طلحة بن إبراهيم بن غسان بقراءتي عليه، قال: حدثنا ابو القاسم علي بن محمد بن سعيد العامري الكوفي قراءة عليه، قال: حدثنا ابو العباس إسحاق بن محمد بن مروان القطان، قال: حدثنا أبي، قال: حدثنا عباس بن عبد الله الحريري، عن جبر بن الحر عن عطية عن أبي سعيد، قال: قال رسول الله (ص): إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله، وأهل بيتي.

رسول خدا (ص) فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیتم.<sup>۲</sup>  
در سند این حدیث عباس و جبر را نشناختیم.  
از آنچه گذشت روشن گشت که حدیث وصیت بر "کتاب خدا و عترت" را دو نفر از تابعین با 27 سند از ابو سعید خدری

۱. المعرفة والتاريخ، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲. الامالی الشجرية، ج ۱، ص ۱۲۶.

روایت کرده‌اند که 23 سند آن صحیح و سه سند آن برخی از روایتش شناخته نشدند و یک سند ضعیف است. همچنین باید دقت داشته باشیم که این حدیث شریف را یازده نفر از عطیه روایت کرده‌اند.

## ۶- روایات جابر ابن عبدالله انصاری

۱- حدثنا نصر بن عبد الرحمن الكوفي، حدثنا زيد بن الحسن هو الأنماطي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر بن عبد الله قال: ثم رأيت رسول الله (ص) في حجة يوم عرفة و هو على ناقته القصواء يخطب فسمعتة يقول: يا أيها الناس، إني قد ما إن أخذتم به لن تصلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي.

جابر بن عبدالله می‌گوید: رسول خدا (ص) را در موسم حج روز عرفه دیدم که حضرت به شتر خود نشسته بودند و خطبه می‌خواندند و شنیدم که می‌فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیت است.<sup>۱</sup>

ترمذی بعد از نقل این حدیث می‌گوید: در این موضوع از ابو ذر و ابو سعید و زید بن ارقم و حذیفه بن اسید نیز حدیث روایت شده و این حدیث حسن است. و البانی نیز این حدیث را در هر سه کتاب مذکورش صحیح دانسته است.

۲- حدثنا عبد الرحمن بن الحسين الصابوني قال: حدثنا نصر بن عبد الرحمن الوشاء قال: حدثنا زيد بن الحسن الأنماطي عن

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲، ح ۳۷۸۶. صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۲۶۶، ح ۲۹۷۸. مشکات المصابیح، ج ۳، ص ۳۴۱، ح ۶۱۴۳. جامع الصغیر و زیاداته البانی، ج ۱۰، ص ۴۶۱، ح ۴۵۱۴ و ج ۲۸، ص ۳۳۵، ح ۷۸۷۷-۱۳۸۳۵.

جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر قال: رأيت رسول الله (ص) في حجته يوم عرفة و هو على ناقته القصواء يخطب فسمعتة يقول: أيها الناس، قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. لم يرو هذا الحديث عن جعفر بن محمد إلا زيد بن الحسن الأنماطي.

جابر بن عبدالله می‌گوید: رسول خدا (ص) را در موسم حج روز عرفه دیدم که حضرت شتر خود نشسته بودند و خطبه می‌خواندند و شنیدم که می‌فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیت است.<sup>۱</sup>

این سند نیز صحیح و روایت آن ثقه‌اند.

۳- حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي ثنا نصر بن عبد الرحمن الوشاء ثنا زيد بن الحسن الأنماطي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر قال: رأيت رسول الله (ص) في حجته يوم عرفة و هو على ناقته القصواء يخطب. فسمعتة يقول: يا أيها الناس إنى تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي.

جابر بن عبدالله می‌گوید: رسول خدا (ص) را در موسم حج روز عرفه دیدم که حضرت بر شتر خود نشسته بودند و خطبه می‌خواندند و شنیدم که می‌فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیت است.<sup>۲</sup>

چنان‌که ملاحظه می‌کنید این حدیث با این لفظ با سه سند روایت شده و سند آن صحیح است؛ چنان‌که البانی نیز در تمام کتبش آن را صحیح دانسته است.

۱. معجم الكبير، ج ۵، ص ۸۹، ح ۴۷۵۷.

۲. معجم الكبير، ج ۳، ص ۶۶، ح ۲۶۸۰.

٤- وأخرج السيد ابو الحسين يحيى بن الحسن فى كتابه "أخبار المدينة" عن محمد ابن عبد الرحمن بن خالد وكان من رهط عن جابر بن عبد الله قال: أخذ النبى ﷺ بيد على والفضل بن عباس فى مرض وفاته فيعتمد عليهما حتى جلس على المنبر وعليه عصابة فحمد الله وأثنى عليه فقال: أما بعد؛ أيها الناس... قد تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا: كتاب الله... و عترتي أهل بيتي فلا تنافسوا ولا تحاسدوا ولا تباغضوا وكونوا إخوانا كما أمركم الله ثم اوصيكم بعترتي وأهل بيتي ثم اوصيكم بهذا الحى من الانصار.

جابر بن عبدالله مى گوید: رسول خدا (ص) در مريضى وفات خود دست على و فضل را گرفته و با تكيه بر آنها خارج شدند تا اينكه بر منبر نشستند و بعد از حمد و ثنای الهى فرمودند: همانا من در بين شما چيزى گذاشتم كه اگر از آن پيروي كنيد هرگز گمراه نمى شويد و آن كتاب خدا و اهل بيتم است، پس به دنيا فرو نرويد و به يكديگر حسد نورزيد و دشمنى نكنيد و برادر هم باشيد، همان گونه كه خداوند امر فرموده است و به اين گروه از انصار نيز شما را سفارش مى كنم.<sup>١</sup>

این حدیث را افراد مذکور از کتاب "اخبار المدينة" نقل کرده اند. نویسنده آن يحيى بن حسن بن جعفر از فرزندان امام سجاد (ع) است. زرکلی در مورد او مى گوید: وی نسب دان و تاریخ دان اهل مدینه و در آن جا به دنيا آمده و در مکه در سال ٢٧٧ هجرى از دنيا رفته و از بزرگان است.<sup>٢</sup>

٥- أخرج ابن عقدة: عن جابر بن عبد الله قال: كنا مع النبى (ص) فى حجة الوداع فلما رجع إلى الجحفة نزل ثم خطب الناس

١. جواهر العقدين، ص ٢٣٤. ذخائر العقبى، ص ٢٢٥. ينابيع الموده، ج ١، ص ١٢٥، ح ٥٨.  
٢. الاعلام زرکلی، ج ٨، ص ١٤٠ و ١٤١.

فقال: أيها الناس إني مسؤول وأنتم مسؤولون، فما أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك بلغت ونصحت وأدبت. قال: إني لكم فرط وأنتم واردون علي الحوض وإني مخلف فيكم الثقلين إن تمسكتم بهما لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي وانهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض. ثم قال: الستم تعلمون أني أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلى. فقال آخذا بيد علي: من كنت مولاه فعلي مولاه. ثم قال: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه!

ابن عقده از جابر روایت کرده است که می‌گوید: در حجة الوداع همراه رسول خدا (ص) بودیم. چون به جحفه رسیدیم، آن جا فرود آمدند، سپس خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! من و شما سؤال خواهیم شد، پس شما چه خواهید گفت؟ گفتند: شهادت می‌دهیم که شما رسالت خود را ابلاغ کردی و نصیحت نمودی و وظیفه خود را انجام دادی. حضرت فرمودند: من بر شما پیشی می‌گیرم و شما در سر حوض بر من وارد خواهید شد. همانا من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم که (اگر) از آن دو پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند و حتماً آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند، سپس فرمودند: مگر نمی‌دانید که من اولی از شما بر خودتان هستم؟ مردم گفتند: آری، می‌دانیم. پس دست علی را گرفتند و فرمودند: هر که من مولای او هستم این علی نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار هر کسی را که علی دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد!

متقی هندی از جابر چنین روایت کرده است:

٦- قال النبي (ص): تركت فيكم ما لن تضلوا بعدي ان اعصمتم به: كتاب الله و عترتي أهل بيتي.

١. جواهر العقدين، ص ٢٣٥. ينابيع الموده، ج ١، ص ١٢٥، ح ٥٩.

رسول خدا (ص) فرمودند: من در بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیتم هستند.<sup>۱</sup>

این حدیث را متقی و سیوطی از کتاب "المصنف" ابن ابی-شیبیه و "المتفق و المفترق" خطیب نقل کرده‌اند، ولی در کتاب "المصنف"<sup>۲</sup> همان حدیثی که امام صادق از امام باقر از جابر روایت کرده‌اند، روایت شده و عبارت "اهل بیتم" حذف شده است. پس، از اینکه متقی و سیوطی این حدیث را از "مصنف" ابن ابی‌شیبیه همراه با عبارت "و اهل بیتم" روایت کرده‌اند به روشنی استفاده می‌شود که این قسمت حدیث و این عبارت بعدها از طرف افرادی که این کتاب را منتشر کرده‌اند، حذف شده است.

باید دقت داشته باشید که روایتی که در "مصنف" با حذف عبارت "اهل بیتم" موجود است عین همان روایت ترمذی در عرفات و در حالی که حضرت به شتر نشسته‌اند ایراد شده است و راوی در آن از امام صادق، حاتم بن اسماعیل است که در سند صحاح مسلم و ابن خزیمه و ابن حبان نیز راوی از امام صادق اوست و سند ابن ابی‌شیبیه صحیح و روایتش ثقه و با گواهی نقل متقی و سیوطی حذف شدن عبارت "اهل بیت" و تحریف این حدیث با این سند ثابت می‌گردد.

۷- آخریننا عبد الرحمن بن عمر بن أحمد أنبا الحسين بن إسماعيل ثنا أبو هشام الرفاعي ثنا حفص عن مجالد عن الشعبي عن جابر قال: خط لنا رسول الله (ص) خطا فقال: هذا سبيل ثم

۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۷، ج ۹۵۱. جامع الصغیر سیوطی، ج ۴، ص ۸۲، ج ۱۰۳۱۷.  
 ۲. مصنف ابن ابی‌شیبیه، ج ۴، ص ۴۲۵ یا ج ۳، ص ۳۳۶، ج ۱۴۷۰۵.

**خط خطوطا فقال: هذه سبل الشيطان فما منها سبيل إلا عليها شيطان يدعو إليه الناس فإنما أنا بشر يوشك أن يأتيني رسول ربي فأجيبه وأنا تارك فيكم الثقلين: أولهما كتاب الله عز وجل فيه الهدى والنور من استمسك به وأخذ به كان على الهدى و من تركه وأخطأه كان على الضلالة وأهل بيتي أذكركم الله عز وجل في أهل بيتي واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا.**

جابر می‌گوید: رسول خدا (ص) خطی کشیده فرمودند: این راه (مستقیم) است. سپس چند خط دیگر کشیده فرمودند: این راه‌های شیطان است هیچ راهی از آن نیست مگر این که در آن شیطانی است که مردم را به طرف آن می‌خواند. همانا من تنها بشر هستم. نزدیک است فرستاده پروردگارم (برای قبض روح) بیاید و من قبول کنم. من بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم: اولین آن دو کتاب خداست که در آن هدایت و نور است. هر که به آن چنگ زند و راهش را از آن اختیار کند بر هدایت خواهد بود و هر که آن را ترک کند در گمراهی خواهد بود. دومی اهل بیت هستند، شما را در باره‌ی اهل بیت به یاد خدا می‌آورم. به ریسمان الهی (کتاب خدا و اهل بیت) همگی چنگ بزنید و از هم پراکنده نشوید.<sup>۱</sup>

راویان این سند همه توثیق شده‌اند و جرح و تعدیل ابو هشام مورد خلاف است و می‌توان سند این حدیث را حسن خواند.

پس، از آنچه ذکر شد روشن گردید که این حدیث شریف از جابر بن عبد الله با هفت سند روایت شده و چهار سند آن با سند ابن ابی شیبیه صحیح است و اسانید ما بقی حذف شده و به ما نرسیده است.

۱. شرح اصول اعتقاد اهل السنة والجماعة  
لالکائی، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۸۴.

## ۷- روایات عبدالله ابن عباس

۱- البانی حدیث "وصیت به کتاب خدا و اهل بیت" را از ابن عباس نقل کرده و گفته است: حاکم آن را روایت کرده و حاکم و ذهبی سند آن را صحیح دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

۲- وانبائی الامام الحافظ صدر الحافظ ابو العلاء الحسن بن أحمد العطار الهمدانی والامام الأجل نجم الدین ابو منصور محمد بن الحسین بن محمد البغدادی قالوا: أنبأنا الشریف الامام الأجل نور الهدی ابو طالب الحسین ابن محمد بن علی الزینبی عن الإمام محمد بن أحمد بن علی بن الحسن بن شاذان، حدثنا ابو محمد عبد الله بن یوسف بن بابویه الاصبهانی بنیساپور ر عن حامد بن محمد الهروي عن علی بن محمد بن عیسی عن محمد بن عکاشة عن محمد بن الحسین عن محمد بن سلمة عن خصیف عن مجاهد قال: قیل لابن عباس: ما تقول فی علی بن ابی طالب؟ فقال: ذكرت والله احد الثقلین، سبق بالشهادتین وصل القبلتین، وبیاع البیعتین، واعطى السبطین و هو ابو السبطین الحسن والحسین، وردت علیه الشمس مرتین بعد ما غابت عن الثقلین، وجرده السیف تارتین و هو صاحب الکرتین، فمثله فی الامة، مثل ذی القرنین، ذاک مولای علی بن ابی طالب.

به ابن عباس گفته شد: در مورد علی بن ابی طالب چه می-گویی؟ پاسخ داد: به خدا سوگند یکی از دو ثقل را یاد کردی؟ کسی را یاد کردی که به گفتن شهادتین پیشی گرفت و به دو قبله نماز خواند و دو مرتبه بیعت نمود و به او دو سبط داده شد، او پدر سبطین حسن و حسین است و خورشید دو مرتبه برای او برگشت و او صاحب کرتین و در این امت مثل ذو القرنین است و او مولایم علی بن ابی طالب است.<sup>۲</sup>

۱. صحیحہ البانی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۱۷۶۱.

۲. مناقب خوارزمی، ص ۳۲۹، ح ۳۴۹.



۳- عن عطاء بن السائب عن أبي يحيى عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: خطب رسول الله (ص) فقال: يا معشر المؤمنين إن الله عزوجل أوحى إلي أنى مقبوض أقول لكم قولاً إن عملتم به نجاتكم وإن تركتموه هلكتم إن أهل بيتى و عترتى هم خاصتى وحامتى وإنكم مسؤولون عن الثقلين: كتاب الله و عترتى إن تمسكتم بهما لن تضلوا. فانظروا كيف تخلفونى فيهم.

ابن عباس می‌گوید: رسول خدا(ص) خطبه خواندند و در آن فرمودند: ای مؤمنین خداوند بر من خبر داد که من از بین شما خواهم رفت به شما مطلبی می‌گویم که اگر به آن عمل کنید، نجات پیدا می‌کنید و اگر آن را ترک کنید هلاک می‌شوید. همانا اهل بیتم خواص من هستند و شما از ثقلین پرسیده خواهید شد (و آن) کتاب خدا و اهل بیتم هستند، همانا آن دو از هم جدا نمی‌شوند، پس ببینید که بعد از من چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد.<sup>۱</sup>

۴- حدثنا فضل بن سهل عن ابن أبي أويس، حدثنا أبي عن عبد الله ابن أبي عبد الله النضرى و عن ثور بن يزيد عن عكرمة عن ابن عباس أن النبى(ص) قال: فذكر الحديث.

ابن ابی‌عاصم با سند فوق حدیث ثقلین را از ابن عباس روایت کرده است.<sup>۲</sup>

یادآور می‌شویم که ابن ابی‌عاصم در ضمن احادیث ثقلین سند قبلی را نقل کرده و گفته است: با این سند از ابن عباس حدیث ثقلین روایت شده است.

ولی سند این حدیث ضعیف است که پس از ذکر حدیث زیر به آن اشاره خواهد شد.

۱.ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۲، ح ۳۴.

۲.السنه ابن ابی‌عاصم، ص ۶۳۰، ح ۱۵۵۷.

۵- حدیثنا ابو بکر أحمد بن إسحاق الفقيه، أنبأ العباس بن الفضل الأسفاطی ثنا إسماعیل بن أبی أویس وأخبرنی إسماعیل محمد بن الفضل الشعرانی ثنا جدی عن ثور زید الدبلی عن عكرمة عن ابن عباس: أن رسول الله (ص) خطب الناس في حجة الوداع فقال: قد يئس الشيطان بأن يعبد بأرضكم ولكنه رضى أن يطاع فيما سوى ذلك مما تحاقرون من أعمالكم فاحذروا يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن اعتصمتم به فلن تضلوا أبدا: كتاب الله و سنة نبيه (ص)، إن كل مسلم أخ المسلم المسلمون إخوة و لا يحل لامرئء من مال أخيه إلا ما أعطاه عن طيب نفس و لا تظلموا و لا ترجعوا من بعدى كفارا يضرب بعضكم رقاب بعض.

این حدیث<sup>۱</sup> همان حدیث ثقلین است که جابر بن عبد الله نیز آن را روایت کرده و در عرفه رسول خدا (ص) امت اسلامی را به پیروی از کتاب خدا و اهل بیت امر فرمودند، ولی چنانکه در گذشته ذکر شد در این حدیث به جای عبارت "اهل بیتیم" عبارت "سنتم" آورده شده و این گونه حدیث تحریف شده است. حاکم و ذهبی نیز بعد از ذکر این حدیث به این حقیقت که رسول خدا (ص) در عرفات سفارش به "سنت" نکرده‌اند و این عبارت غیر صحیح است اشاره کرده‌اند.

در سند این حدیث اسماعیل و پدرش ضعیف هستند و عكرمة از خوارج و نواصب است. در گذشته اشاره شد در حدیث صحیح وارد شده که رسول خدا (ص) در حجة الوداع و در عرفه به کتاب خدا و عترت سفارش فرمودند و این حدیث همان حدیث است، ولی یکی از این افراد مذکور این حدیث را تحریف کرده‌اند. ابن معین در مورد اسماعیل و پدرش می‌گوید: ابن ابی‌اویس

۱. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۳۱۸.

و پدرش حدیث را می‌زدند.<sup>۱</sup> و این حدیث بهترین دلیل بر دزدی آن‌هاست که عبارت "اهل بیت" را به "سنتم" تبدیل کرده‌اند و همچنین اسماعیل را محدثین کذاب نیز گفته‌اند.<sup>۲</sup>

پس این حدیث نیز بدون تردید همان حدیث وصیت به کتاب خدا و عترت بوده، چنان‌که ابن ابو عاصم نیز آن را ضمن احادیث "وصیت به کتاب خدا و عترت" با همین سند روایت کرده است، ولی دروغ بافان و دشمنان اهل بیت که در سند این حدیث قرار گرفته‌اند دست به تحریف این حدیث شریف زده و آن را تحریف کرده‌اند. پس، از آنچه گذشت تحریف این عبارت روشن گردید و همچنین ثابت شد که این حدیث شریف از ابن عباس با چهار سند روایت شده و متن بعضی از آن‌ها تحریف شده است.

وحاکم نیز بعد از نقل این حدیث می‌گوید: وصیت به سنت در حجة الوداع شاذ است. ذهبی نیز با سکوت این سخن حاکم را تأیید کرده است.

از این شهادت نیز استفاده می‌شود که رسول خدا(ص) در خطبه حجة الوداع حرفی از آن مطرح نفرموده‌اند.

### ۸- حدیث عبدالله ابن عمر

ثنا ابو بکر، ثنا زید بن الحباب، حدثنا موسی بن عبیده، حدثنی صدقة بن یسار عن ابن عمر أن النبی (ص) خطب فحمد

۱. سنن بیهقی، ج ۳، ص ۲۸۹. کامل ابن عدی، ج ۱، ص ۳۲۳. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۳۴، ۴۷۷.

۲. کامل ابن عدی، ج ۱، ص ۳۲۳. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۲۳، ر ۸۵۴.

اللّٰهُ وَأَتْنِي عَلَيْهِ بَمَا هُوَ أَهْلٌ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ تَرَكْتُمْ فَيْكُمْ مَا  
إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

عبدالله بن عمر می‌گوید: همانا رسول خدا(ص) خطبه خواند  
و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! من در بین شما  
همانا چیزی گذاشتم که اگر بر آن چنگ بزنید هرگز گمراه  
نخواهید شد: کتاب خدا.<sup>۱</sup>

این حدیث نیز خیلی روشن است که همان حدیث ثقلین است و  
ابن ابی‌عاصم نیز آن را ضمن احادیث ثقلین و سفارش به کتاب  
خدا و عترت روایت کرده است، ولی متأسفانه در متن این حدیث  
عبارت "عترتم و اهل بیتم" را حذف کرده‌اند و عیسی بن عبیده  
نیز در سند این حدیث تضعیف شده است و شاید این تحریف عمل  
این فرد باشد.

### ۹- حدیث ابن عمر و سعد بن ابی وقاص

۱ و ۲-وقال الواقدي عن الزهري عن سالم عن أبيه و عن  
الزهري في إسناد له عن سعد بن أبي وقاص قالاً:...وخرج ليلاً  
منصرفاً إلى المدينة، فصار إلى موضع بالقرب من الجحفة يقال  
له: غدیر خم لثمانية عشرة ليلة خلت من ذي الحجة وقام خطيباً  
وأخذ بيد علي بن أبي طالب فقال: أأستأوى بالموءمنين من  
أنفسهم؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: فمن كنت مولاه فعلي  
مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه! ثم قال: أيها الناس  
إني فرطكم وأنتم و اردي على الحوض، و إني سائلكم حين تردون  
على عن الثقلين. فانظروا كيف تخلفوني فيهما. وقالوا: وما  
الثقلان يا رسول الله؟ قال: الثقل الأكبر كتاب الله سبب طرفه بيد  
الله و طرفه بأيديكم فاستمسكوا به ولا تزلوا ولا تبدلوا و عترتي  
أهل بيتي.

۱. السنه ابن ابی‌عاصم، ص ۶۳۰، ح ۱۵۵۶.

ابن عمر و سعد بن ابی وقاص اینگونه روایت کرده‌اند: رسول خدا (ص) شبانه پس از حجة الوداع به طرف مدینه حرکت کرد و روز هجده ذی حجه به غدیر خم رسید و آنجا توقف نمود و برای ایراد خطبه برخاست و از دست علی گرفته فرمود: مگر من اولی بر مؤمنین از خودشان نیستم؟ گفتند: آری، هستی ای رسول خدا، حضرتش فرمود: هر که من مولایش هستم این علی نیز مولای اوست، خدایا، دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد. سپس فرمود: ای مردم من بر شما پیشی می‌گیرم و شما قیامت سر حوض بر من وارد خواهید شد، چون به من وارد شدید من از شما در باره‌ی ثقلین خواهم پرسید، مواظب باشید چگونه حق مرا در باره‌ی آن دو مراعات خواهید کرد. مردم گفتند: ثقلین چیست ای رسول خدا؟ حضرتش فرمود: ثقل اکبر کتاب خداست که يك طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شما به آن چنگ بزنید گمراه نمی‌شوید دیگری اهل بیت هستند.<sup>۱</sup>

سند ابن عمر در این حدیث صحیح است و اما سند سعد از زهری منقطع است و سند ابن عمر آن را تأیید می‌کند. اما واقدی؛ باید دقت داشته باشیم که هر چند اکثراً او را تضعیف کرده‌اند، ولی بعضی‌ها او را حتی امیرالمؤمنین در حدیث خوانده‌اند.<sup>۲</sup> به هر حال ضعف او به این سند نمی‌تواند مضر باشد، زیرا این حدیث متواتر است و اهل سنت فراوان به اقوال واقدی احتجاج کرده‌اند.

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۶۵، ر ۷۹۹۳.

## ۱۰- روایات حذیفه ابن اسید

۱ و ۲- حدیثنا محمد بن أحمد بن حمدان، ثنا الحسن بن سفیان، حدیثی نصر بن عبدالرحمن الوشاء، ثنا زید بن الحسن الأنماطی عن معروف بن خربوذ المکی عن أبی الطفیل عامر بن وائلة عن حذیفه بن أسید الغفاری قال: قال رسول الله (ص): أيها الناس إني فرطكم وإنكم واردون على الحوض فإني سألتكم حين تردون على عن الثقلين، فانظروا كيف تخلفوني فيهما: كتاب الله سبب طرفه بيد الله وطرفه بأيديكم فاستمسكوا به لا تضلوا ولا تبدلوا و عترتي أهل بيتي فإنه قد نبأني اللطيف الخبير أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ابو طفیل از حذیفه از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرموده‌اند: ای مردم! من بر شما پیشی می‌گیرم و شما سر حوض بر من وارد می‌شوید و همانا چون بر من وارد شدید شما را از ثقلین خواهم پرسید، پس مواظب باشید که بعد از من چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد (و آن دو) کتاب خدا یک طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شما، به آن چنگ بزنید که هرگز گمراه نمی‌شوید و تغییر ایجاد نمی‌کنید. (دومی) اهل بیتم هستند. همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد که آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup> این حدیث با دو سند روایت شده و هر کدام سند آن صحیح و روایتش ثقه‌اند.

۳ و ۴- حدیثنا محمد بن عبد الله الحضرمی وزکریا بن یحیی الساجی قال ثنا نصر بن عبد الرحمن الوشاء ح  
وحدیثنا أحمد بن القاسم بن مساور الجوهري، ثنا سعيد بن سليمان الواسطي قال: ثنا زيد بن الحسن الأنماطی، ثنا معروف

۱. معجم الكبير، ج ۳، ص ۶۷، ح ۲۶۸۳. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۵۵.

بن خربوذ عن أبي الطفيل عن حذيفة بن أسيد الغفاري قال: ثم لما صدر رسول الله (ص) من حجة الوداع نهى أصحابه عن شجرات بالبطحاء متقاربات أن ينزلوا تحتهن ثم بعث إليهن فقم ما تحتهن من الشوك وعمد إليهن فصلى تحتهن ثم قام فقال يا أيها الناس إنني قد نبأني اللطيف الخبير أنه لم يعمر نبي إلا نصف عمر الذي يليه من قبله وإنني لاظن أنني يوشك أن أدعى فأجيب وإنني مسؤول وإنكم مسؤولون فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلغت وجاهدت ونصحت فجزاك الله خيرا فقال أليس تشهدون أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله وأن جنته حق وناره حق وأن الموت حق وأن البعث بعد الموت حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور؟ قالوا: بلى نشهد بذلك. قال: اللهم أشهد ثم قال: أيها الناس إن الله مولاي وأنا مولى المؤمنين وأنا أولى بهم من أنفسهم فمن كنت مولاه فهذا مولاه يعنى عليا، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه! ثم قال: يا أيها الناس إنني فرطكم وإنكم واردون على الحوض عرض ما بين بصرى وصنعاء فيه عدد النجوم قد حان من فضة وإنني سانلكم حين تردون على عن الثقلين فانظروا كيف تخلفوني فيهما كتاب الله عز وجل سبب طرفة بيد الله وطرفه بأيديكم فاستمسكوا به لا تضلوا ولا تبدلوا و عترتي أهل بيتي فإنه نبأني اللطيف الخبير أنهما لن ينقضيا حتى يردا على الحوض.

چون رسول خدا(ص) از حجة الوداع برگشته و وارد غدیر خم شدند اصحاب را زیر درختان متوقف کردند و آن جا را آماده کردند و زیر آن درختان نماز خواندند، سپس برای ایراد خطبه بلند شدند و فرمودند: ای مردم، خداوند مولای من و من مولای هر مؤمن و اولی بر آنها از خودشان هستم، پس هر که من مولایش باشم این علی نیز مولای اوست، خدایا دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر کسی را که علی را دشمن دارد! سپس فرمودند: ای مردم، من بر شما پیشی می‌گیرم

و شما در سر حوض بر من وارد خواهید شد و همانا چون بر من وارد شدید از شما در باره‌ی ثقلین خواهم پرسید، پس مواظب باشید که بعد از من چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد (و آن دو) کتاب خدا يك طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شما، به آن چنگ بزنید که اگر چنگ زدید گمراه نمی‌شوید (دومی) اهل بیتم هستند. همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد که آن دو هرگز منقضی نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

این خلاصه از ترجمه حدیث فوق است. این حدیث با این متن با دو سند روایت شده و هیثمی در مورد آن می‌گوید: روایان یکی از این دو سند همه تفهاند. پس سند این حدیث صحیح و نتیجه این شد که سه سند از چهار سند روایات حذیفه صحیح است.

### ۱۱- روایات جبیر بن مطعم

۱- حدیثنا ابن کاسب ثنا إبراهيم بن محمد بن ثابت عن عمرو بن أبي عمرو عن المطلب عن جبیر بن مطعم قال: قال رسول الله (ص) ألسن مولاکم، ألسن خیرکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله. قال: فإنی فرط لکم علی الحوض یوم القیامة و الله سائلکم عن اثنین عن القرآن و عن عترتی.

جبیر می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: مگر من مولای شما و بهترین شما نیستم؟ مردم گفتند: آری، هستید ای رسول خدا. حضرت فرمودند: همانا قیامت من قبل از شما وارد حوض

۱. معجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۸۰، ح ۳۰۵۲. کنز العمال، ج ۵، ص ۲۹۰، ح ۱۲۹۱۱. تاریخ بن عساکر، ج ۴۲، ص ۲۱۹. تاریخ ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۸۶. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵.



خواهم شد و خداوند از دو چیز کتاب خدا و اهل بیتم (در قیامت) شما را خواهد پرسید.<sup>۱</sup>

سند این حدیث صحیح و روایتش ثقه هستند.

۲- حدثنا محمد بن علی البزار الأصبهانی، حدثنا عبد الرحمن بن عمر رسته، حدثنا ابو داود الطیالسی، حدثنا ابو عبادة الأنصاری عن الزهري عن محمد بن جبير بن مطعم عن أبيه قال: كنا مع رسول الله (ص) بالجحفة فخرج علينا رسول الله (ص) فقال: أليس تشهدون أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأنى رسول الله وأن هذا القرآن جاء من عند الله؟ قلنا: بلى. قال: فإن هذا القرآن طرفة بيد الله وطرفه بأيديكم فتمسكوا به فإنكم لن تهلكوا ولن تضلوا بعده أبدا لم يروه عن الزهري إلا ابو عبادة عيسى بن عبد الرحمن الزرقى تفرد به ابو داود لم يحدث به ابو داود إلا بالبصرة.

جبیر می‌گوید: در جحفه همراه رسول خدا (ص) بودیم، پس بر ما خارج شد و فرمود: آیا به وحدانیت خدا و شریک نداشتن او و رسالت من و اینکه این کتاب خدا از جانب خداوند آمده، شهادت نمی‌دهید؟ گفتیم: آری، شهادت می‌دهیم. فرمودند: این کتاب خدا یک طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شماست. پس به آن چنگ بزنید که اگر این کار را کنید هرگز نه هلاک می‌شوید و نه گمراه.<sup>۲</sup>

در سند این حدیث ابو عباده ضعیف است.

این حدیث نیز با صراحت بیان می‌کند که همان حدیث تقلین است و متن حدیث نیز به این حقیقت به روشنی دلالت می‌کند که رسول خدا (ص) این حدیث را در غدیر خم ایراد فرموده‌اند و طبرانی گواهی می‌دهد که راوی این حدیث را تنها در بصره که

۱. السنه ابن ابی عاصم، ص ۶۱۳، ح ۱۴۶۵.

۲. معجم الكبير، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۱۰۴۴.

تربیت شدگان معاویه بودند بازگو کرده و همچنین ابن شهاب زهری که به شهادت خواهرش احادیث فضایل اهل بیت را مخفی می‌کرده در سند این حدیث است و خلاصه، از این متن و عبارات حدیث به روشنی استفاده می‌شود که عبارت "اهل بیتم" از حدیث حذف شده و متن حدیث نیز تا حدودی تحریف شده است.

## ۱۲- روایات عبدالله بن حنطب

عن عبد الله بن حنطب قال: خطبنا رسول الله (ص) بالجحفة فقال: الست اولى بأنفسكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال: فاتى سائلكم عن اثنين عن القرآن و عن عترتى إلا ولا تقدموا قریشا فتضلوا ولا تخلفوا عنها فتهلكوا ولا تعلموها فهم اعلم منكم قوة رجل من قریش افضل من قوة رجلين من غیرهم لولا ان تبطر قریش لا خبرتها بمالها ثم الله خيار قریش خيار الناس.

عبدالله بن حنطب می‌گوید: رسول خدا (ص) در جحفه خطبه خوانده و فرمودند: مگر من اولی بر شما از خودتان نیستم؟ مردم گفتند: آری هستی ای رسول خدا. حضرت فرمودند: همانا من شما را در قیامت از دو چیز سؤال می‌کنم: از کتاب خدا و اهل بیتم. آگاه باشید! از قریش (از کتاب خدا و عترتم) پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنها تخلف نکنید که هلاک می‌شوید و به آنها تعلیم ندهید که آنها داناتر از شما هستند...

هیثمی این حدیث را از طبرانی روایت کرده و گفته است: در سند آن يك راوی است که من او را نمی‌شناسم. ما این حدیث را در کتب طبرانی پیدا نکردیم. اما اینکه بر این حدیث قریش را

۱. اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۴۷. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۵. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۷۷، ح ۳۷۹۸۱.

اضافه کرده‌اند در احادیث صحیح در گذشته آشنا شدیم که رسول خدا(ص) این صفات را منحصر به کتاب خدا و عترت کرده و در مورد آن‌ها چنین سخنی را فرموده‌اند. بنابر این ثابت می‌شود که در متن این حدیث حذف و اضافه صورت گرفته است.

### ۱۳- روایات ابو ذر غفاری

۱- حدثنا عبيد الله عن إسرائيل عن أبي إسحق عن رجل، حدثه عن حنش قال: رأيت أباذر أخذاً بحلقة باب الكعبة وهو يقول: يا أيها الناس أنا أبو ذر فمن عرفني ألا وأنا أبو ذر الغفاري لا أحدثكم إلا ما سمعت رسول الله(ص) يقول: سمعت و هو يقول: أيها الناس إنني قد تركت فيكم الثقلين: كتاب الله عز وجل و عترتي أهل بيتي، وأحدهما أفضل من الآخر، كتاب الله عز وجل، ولن يتفرقا حتى يردا علي الحوض وإن مثلهما كمثلي سفينة نوح من ركبها نجا، و من تركها غرق.

X□□□ حنش می‌گوید: ابو ذر را در حالی که حلقه در کعبه را گرفته بود دیدم که می‌گفت: ای مردم، من ابو ذر هستم. به شما جز حدیثی را که از رسول خدا(ص) شنیدم نقل نمی‌کنم. شنیدم که حضرتش می‌فرمودند: ای مردم، من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم. یکی از آن دو بزرگتر است و آن کتاب خداست. آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند، همانا مثل آن دو مثل کشتی نوح است، هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن خود داری کرد هلاک گشت.

سند این حدیث صحیح است. در شرح حال حنش وارد شده که ابو اسحاق خود از حنش حدیث روایت کرده و در حدیث بعدی خواهد آمد که ابو اسحاق این حدیث را بدون واسطه از حنش روایت کرده است.

2 و5-وسئل عن حدیث حنش عن أبي ذر عن النبي(ص):  
أيها الناس أني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي

ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض ومثلها مثل سفينة نوح من ركب فيها نجا. فقال: يرويه ابو اسحاق السبيعي عن حنش قال ذلك الأعمش ويونس بن أبي اسحاق ومفضل بن صالح وخالفهم إسرائيل فرواه عن أبي اسحاق عن رجل عن حنش والقول عندي قول إسرائيل.

از دارقطنی از حدیث حنش از ابو ذر از رسول خدا(ص) سؤال کردند که فرموده‌اند: ای مردم، من در بین شما دو چیز گذاشتم و آن کتاب خدا و اهل بیت هستند و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه (قیامت) سر حوض بر من وارد شوند، و اینکه فرمودند: کتاب خدا و اهل بیت در این امت مانند کشتی نوح هستند، پس هر که بر آن سوار شد نجات یافت. دارقطنی پاسخ داد: اعمش و یونس بن ابی اسحاق و مفضل بن صالح گفته‌اند: این حدیث را ابو اسحاق از حنش روایت کرده و اسرائیل بر خلاف اینها، این حدیث را از ابو اسحاق از مردی از حنش روایت کرده و به نظر من سخن اسرائیل درست است.<sup>۱</sup>

از سخن دارقطنی استفاده می‌شود ابو اسحاق بدون واسطه این حدیث را از حنش روایت کرده است و اما اینکه او سخن يك نفر را بر سه نفر ترجیح داده است امر عجیب و دور از حق و انصاف است. با این بیان روشن می‌شود تمام این اسانید صحیح است.

6- أنبأنا محمد بن ناصر الحافظ قال: أنبأنا محمد بن علي بن ميمون، أنبأنا ابو عبد الله محمد بن علي الحسنی، حدثنا القاضي محمد بن عبد الله الجعفی، حدثنا الحسين بن محمد بن الفرزدق، حدثنا الحسن بن علي بن بزيع، حدثنا يحيى ابن حسن بن فرات القزاز، حدثنا ابو عبد الرحمن المسعودی و هو عبدالله بن عبد الملك عن الحارث بن حصيرة عن صخر بن الحكم الفزاري

۱. علل دارقطنی، ج ۶، ص ۲۳۶، ح ۱۰۹۸.

عن حبان بن الحارث الازدی عن الربیع بن جمیل الضبی مالک بن ضمرة الرواسی عن ابي ذر الغفاری أن رسول الله (ص) قال: ترد علی الحوض رایة علی امیر المؤمنین و امام الغر المحجلین فأقوم فأخذ بیده فی بیاض وجهه و وجوه أصحابه فأقول: ما خلفتمونی فی الثقلین بعدی؟ فیقولون: تبعنا الاکبر و صدقناه و أزرنا الاصغر و نصرناه و قاتلنا معه فأقول: ردوا روا مروین فی شربون شربة لا یظمنون بعدها أبدا. وجه امامهم کالشمس الطالعة و وجوههم کالقمر لیلة البدر أو كأضوا نجم فی السماء.

ابو ذر از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرمودند: پرچم علی امیر المؤمنین و امام پیشانی سفیدان و اصحابش در سر حوض بر من وارد خواهند شد، و من بلند شده از دستش می-گیرم، در حالی که چهره او و اصحابش سفید خواهد بود و می-گویم: پس از من با ثقلین (کتاب خدا و عترتم) چه کردید؟ آن‌ها می‌گویند: از ثقل اکبر (کتاب خدا) تبعیت کردیم و آن را تصدیق نمودیم و ثقل اصغر (اهل بیت) را کمک و پشتیبانی کردیم و همراه آن‌ها (با دشمنانشان) جنگیدیم؟ پس می‌گویم: بگذرید و سیراب شوید، شربتی خواهند نوشید که بعد از آن هیچ گاه تشنه نمی-شوند. چهره امامشان مثل خورشید تابناک و چهره‌های آن‌ها مانند ماه شب بدر خواهد بود.<sup>۱</sup>

7- قال: حدثنا ابو القاسم الحسن بن محمد بن محمد بن بشر الکوفی الخزاز فی سنة إحدى و عشرين و ثلاث مائة، حدثنا الحسين بن الحكم الحبری، حدثنا الحسن بن الحسين العرنی، حدثنا علی بن الحسن العبدی عن محمد بن رستم ابو الصامت الضبی عن زاذان ابي عمرو: عن ابي ذر أنه تعلق بأستار الکعبة وقال: یا أيها الناس من عرفنی فقد عرفنی و من لم يعرفنی فأنا جندب الغفاری

۱. الموضوعات، ج ۱، ص ۳۸۹. کفایة الطالب، ص ۷۶. الفوائد المجموعه، ص ۳۷۵.

و من لم يعرفني فأنا أبو ذر أقسمت عليكم بحق الله وبحق رسوله هل فيكم أحد سمع رسول الله (ص) يقول: "ما أقلت الغبراء وما أضلت الخضراء ذا لهجة أصدق من أبي ذر"؟ فقام طوائف من الناس فقالوا: اللهم إنا قد سمعناه و هو يذكر ذلك. فقال أبو ذر: والله ما كذبت منذ عرفت رسول الله (ص) ولا أكذب أبدا حتىلقى الله تعالى وقد سمعت رسول الله (ص) يقول: إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض سبب بيد الله تعالى وسبب بأيديكم و عترتي أهل بيتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما فإن إلهي عزوجل قد وعدني أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ز اذان می گوید: ابو ذر در حالی که به استار کعبه معلق شده بود گفت: ای مردم، هر که من را می شناسد که می شناسد و هر که من را نمی شناسد همانا من جندب غفاری هستم و هر که باز هم شناخت من ابو ذر هستم. شما را به خدا قسم می دهم، آیا بین شما کسی هست که از رسول خدا (ص) شنیده باشد که می فرمودند: آسمان سایه نیفکنده و زمین بر خود جای نداده صادق تر از ابو ذر را؟ گروه هایی از مردم بلند شده، گفتند: آری، ما شنیدیم که آن حضرت چنین می فرمودند. پس ابو ذر گفت: به خدا قسم از زمانی که رسول خدا (ص) را شناختم دروغ نگفتم و تا زمانی که خدا را ملاقات کنم، دروغ نخواهم گفت. همانا از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گران بها می گذارم و آن دو کتاب خدا و عترتم هستند، پس مواظب باشید که بعد از من با آن دو چه خواهید کرد و همانا خداوند به من وعده داد که آن دو هرگز از هم جدا نشوند تا زمانی که سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

۱. المؤلف والمختلف دارقطنی، ج ۲، ص ۱۰۴۵.

این حدیث در گذشته با لفظ "دو خلیفه" نیز از ابو ذر ذکر شد و در سند آن راویانی هستند که ما ترجمه آن‌ها را پیدا نکردیم.

**8- ابن عقده من طریق سعد بن طریف عن الاصبغ بن نباتة عن ابي ذر انه اخذ بحلقة باب الكعبة فقال: سمعت رسول الله (ص) يقول: اني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي فانها لن ينفركا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما.**

اصبغ بن نباته از ابو ذر نقل کرده که او در حالی که حلقه در کعبه را گرفته بود چنین گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می- فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم و آن دو کتاب کتاب و اهل بیتم هستند، همانا آن دو هرگز از هم جدا نمی- شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند، پس مواظب باشید که بعد از من با آن دو چه خواهید کرد.<sup>۱</sup>

در گذشته اشاره کردیم که ترمذی در سننش اسم ابو ذر را از راویان حدیث تقلین ذکر کرده و شاید به همین خاطر باشد که قندوزی حنفی این حدیث را با این متن از ترمذی و سمهودی نقل کرده است.

#### ۱۴- روایات ابو هریره

**۱- عن ابي هريرة قال: قال رسول الله (ص): اني تارك فيكم اثنين لن تضلوا بعدهما أبدا: كتاب الله ونسبي ولن ينفركا حتى يردا على الحوض.**

ابو هریره می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: من در بین شما دو چیز می‌گذارم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه

۱. الولاية ابن عقده، ص ۱۹۲، ح ۲۴. جواهر العقدين، ص ۲۳۹. ينابيع المودة، ج ۱، ص ۱۲۲، ح ۵۱ به نقل از ترمذی.

نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup> هیثمی این حدیث را از مسند بزار از ابو هریره روایت کرده و صالح بن موسی را ضعیف دانسته است. در مورد صالح بن موسی باید گفت: احمد گفته است که او را نمی‌شناسم، بخاری و نسائی و دیگران او را منکر الحدیث دانسته‌اند. پس، چون حدیث ثقلین متواتر و از احادیث منکر او نیست می‌توان با تقویت اسانید دیگر این سند را معتبر خواند، علاوه بر اینکه حدیث ثقلین از ابو هریره با سند صحیح در کتب مکتب اهل بیت<sup>۲</sup> روایت شده است. اما جالب است بدانیم که این حدیث شریف را از ابو هریره همین راوی صالح بن موسی با عبارت "کتاب خدا و سنتم" روایت کرده است که ابن عدی و ذهبی در شرح حالش این حدیث را ذکر کرده و آن را از جمله احادیث منکر این راوی برشمرده‌اند.<sup>۳</sup> پس از این جا نیز ثابت می‌شود که حدیث "ثقلین" را این دو دسته از روات ابو اویس و فرزندش و عکرمة و صالح بن موسی تحریف کرده و به جای عبارت "اهل بیته" "سنتی" قرار داده‌اند. و همچنین حدیث ابو هریره با عبارت "سنتی" را عقیلی نیز به عنوان حدیث منکر در شرح حال عبدالله بن داهر در کتاب ضعفاء خودش وارد کرده است.<sup>۳</sup>

۲- ابن عقدة عن ابي هريرة ان النبي(ص) قال: وأني خلفت فيكم الثقلين ان تمسكتم به لن تضلوا بعدهما ابدأ: كتاب الله و عترتي اهل بيته فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

۱. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۳.

۲. الكامل ابن عدی، ج ۴، ص ۶۹. میزان

الاعتدال، ج ۲، ص ۳۰۲، ر ۳۸۳۱.

۳. الضعفاء عقیلی، ج ۲، ص ۲۵۱، ر ۸۰۴.



ابن عقده از ابو هریره روایت کرده که رسول خدا(ص) فرموده‌اند: همانا من در بین شما دو چیز می‌گذارم که اگر از آن دو پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup> قندوزی حنفی با سند زیر از کتاب ابن عقده چنین نقل کرده است:

۳- خرج ابن عقده فی کتاب "الموالاة" من طریق محمد بن عبد الله بن ابی رافع عن ابيه عن جده و عن ابي هريرة انه □ قال: انی خلفت فيكم الثقلين إن تمسكتم بهما لن تضلوا ابدا: كتاب الله و عترتي اهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض. ~  
ابو هریره از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمودند: همانا من در بین شما دو چیز می‌گذارم که اگر از آن دو پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو کتاب خدا و اهل بیت هستند و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۲</sup>  
۴- البانی می‌گوید: دارقطنی در (ص ۵۲۹) و حاکم در (ج ۱ ص ۹۳) و خطیب در "الفقیه و المتفقہ" (۵۶ / ۱) حدیث ثقلین را از ابو هریره روایت کرده‌اند.<sup>۳</sup>

## ۱۵- روایت ابو رافع

ابن عقده من طریق محمد بن عبید الله ابن ابی رافع عن ابيه عن جده ابی رافع مولی رسول الله(ص) قال: لما نزل رسول

۱. الولاية ابن عقده، ص ۲۰۶، ج ۳۴.  
۲. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۳، ج ۵۳.  
۳. صحیحہ البانی، ج ۴، ص ۲۶۰، ج ۱۷۶۱.

الله (ص) غدیر خم مصدره من حجة الوداع قام خطيبا بالناس بالهاجرة فقال: ايها الناس انى تركت فيكم الثقلين: الثقل الاكبر والثقل الاصغر. فاما الثقل الاكبر فبيد الله طرفه والطرف الآخر بايدكم و هو كتاب الله، فان تمسكتم به فلن تضلوا ولن تزلوا ابدا واما الثقل الاصغر فعترتى اهل بيتى ان الله هو الخبير اخبرنى انهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض وسالته ذلك لهما والحوض عرضه ما بين بصرى وصنعاء فيه من الانية عدد الكواكب والله سائلكم كيف خلفتمونى فى كتابه واهل بيتى.

ابو رافع مى گوید: رسول خدا (ص) هنگام بازگشت از حجة الوداع چون به غدیر خم رسیدند خطبه خوانده فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم: ثقل بزرگ و ثقل کوچک. و اما ثقل اکبر (کتاب خدا) يك طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شماست و آن کتاب خداست (اگر) به آن چنگ بزنید هرگز گمراه و دلیل نمی شوید و اما ثقل اصغر عترت و اهل بیت هستند، همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد که آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند... و خداوند شما را قیامت خواهد پرسید که با کتاب خدا و اهل بیت چگونه رفتار کردید.<sup>۱</sup>

در سند این حدیث، یحیی بن عبید الله را منکر الحدیث دانسته اند، ولی چنان که روشن است این حدیث از احادیث منکر نیست و همچنین او را ابن حبان ثقه دانسته است، پ س سند این حدیث در مورد راویان مذکور صحیح خواهد بود.

۱. جواهر العقدين، ص ۲۳۹. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۲، ح ۵۳.

## ۱۶- روایت براء بن عازب

۱- ابو نعیم أحمد بن عبد الله الاصبهانی عن البراء بن عازب قال: لما نزل رسول الله (ص) الغدير قام في الظهيرة فامر بقم الشجرات وأمر بلالا فنادى في الناس واجتمع المسلمون فحمد الله واثى عليه ثم قال: يا أيها الناس ألا يوشك أن أدعى فاجيب وإن الله سائلني وسائلكم فماذا انتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلغت ونصحت. قال: وإنى تارك فيكم الثقلين. قالوا: يارسول الله وما الثقلان؟ قال: كتاب الله سبب بيده في السماء وسبب بأيديكم في الارض و عترتي أهل بيتي وقد سألتهما ربي فوعدني أن يوردهما على الحوض عرضه ما بين بصرى وصنعاء وباريقه كعدد نجوم السماء فلا تسيقوا أهل بيتي فتفرقوا ولا تخلفوا عنهم فتضلوا ولا تعلموهم فهم أعلم وانهم لن يخرجوكم من باب هدى ولن يدخلوكم في باب ضلالة أحلم الناس كبارا وأعلمهم صغارا.

براء بن عازب می گوید: رسول خدا (ص) به غدیر خم فرود آمدند و بلال ندا داد تا همه جمع شدند، و حضرت پس از حمد و ثنای الهی فرمودند: نزدیک است دعوت شوم و اجابت کنم، پس شما چه می گویید؟ مردم گفتند: شهادت می دهیم که شما ابلاغ کردی و نصیحت نمودی. حضرت فرمودند: من در بین شما دو چیز گران بها گذاشتم. گفتند: ثقلین چیست ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند: کتاب خدا یک طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شما و اهل بیتم و از خداوند خواستم و اجابت فرمود که آن دو را در سر حوض بر من ملحق فرماید... پس از اهل بیتم پیشی نگیرید که متفرق می شوید و از آن ها عقب نمانید که گمراه می شوید و به آن ها یاد ندهید، زیرا آن ها خود دانایانتر از شما هستند و اهل بیتم شما را از راه هدایت خارج نمی کنند و هرگز شما را وارد گمراهی نیز نمی کنند.<sup>۱</sup>

۱. مناقب المطهرین ابو نعیم، متوفای ۴۲۷.

## ۱۷- روایات ام سلمه

۱- أخرج ابن عقدة من طريق عمرو بن سعيد بن عمرو بن جعدة بن هبيرة عن ابيه عن جده عن ام سلمة قالت: اخذ رسول الله (ص) بيد علي بغدير خم فرفعها حتى رأينا بياض ابطه فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه. ثم قال: ايها الناس انى خلفت فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي ولن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ام سلمه می‌گوید: رسول خدا (ص) در غدیر خم از دست علی گرفته و آن را بالا برداشتند تا بیاض زیر بغل آن‌ها را همه دیدند، سپس فرمودند: هر که من مولای او هستند علی نیز مولای اوست. بعد فرمودند: ای مردم! همانا من در بین شما دو چیز می‌گذارم و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

۲- أخرج ابن عقدة: من حديث عروة بن خارجه عن فاطمة بنت علي عن أم سلمة قالت: أخذ رسول الله (ص) بيد علي بغدير خم فرفعها حتى رأينا بياض ابطه، فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه. ثم قال: ايها الناس انى مخلف فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي ولن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ام سلمه می‌گوید: رسول خدا (ص) در غدیر خم از دست علی گرفته و آن را بالا برداشتند تا بیاض زیر بغل آن‌ها را همه دیدند، سپس فرمودند: هر که من مولای او هستند علی نیز مولای اوست. بعد فرمودند: ای مردم، همانا من در بین شما دو چیز

۱. الولاية ابن عقده، ص ۲۴۵، ح ۰۰۸۷. جواهر العقدين، ص ۲۴۰. ينابيع الموده، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۰۵۵.

می‌گذارم و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا زمانی که سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>  
ابن عقده از ام سلمه به همین معنا بدون سند حدیث دیگری را نیز روایت کرده است.<sup>۲</sup>

سمهودی می‌گوید:

۳- و اخرجہ محمد بن جعفر الراز از عنہا (عن ام سلمة) بلفظ: سمعت رسول الله (ص) فی مرضه الذی قبض فیہ یقول وقد امتلأت الحجرۃ من أصحابہ: أيہا الناس یوشک أن أقبض قبضاً سریعاً وینطلق بی وقد قدمت إلیکم القول معذرة الیکم ألا وإنی مخلف فیکم کتاب ربی عزوجل و عترتی اهل بیتی ثم أخذ بید علی فرفعها فقال: هذا علی مع القرآن والقرآن مع علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض فاسألکم ما تخلفونی فیہما.

محمد بن جعفر با این متن از ام سلمه روایت کرده که می‌گوید: شنیدم که رسول خدا (ص) در بستر بیماری در حالی که حجره پر از اصحاب بود می‌فرمودند: ای مردم، نزدیک است زود از دنیا بروم و من با معذرت از شما سخنی را برایتان گفته بودم، آگاه باشید همانا من در بین شما کتاب خدا و اهل بیتم را می‌گذارم. سپس دست علی را گرفته و آن را بالا برده و فرمودند: این علی همراه قرآن است و قرآن نیز همراه او از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض با هم بر من وارد شوند و من در قیامت خواهد پرسید که بعد از من با این دو چه کردید!<sup>۳</sup>

۱. الولایه ابن عقده، ص ۲۴۴، ح ۸۵. جواهر العقدین، ص ۲۴۰. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۵۶.

۲. الولایه ابن عقده، ص ۲۴۴، ح ۸۶.

۳. جواهر العقدین، ص ۲۴۰.

### ۱۸- روایت حضرت فاطمه زهرا (س)

۱- وأخرج ابن عقدة: من طريق عروة بن خارجه عن فاطمة الزهراء: قالت: سمعت أبي (ص) في مرضه الذي قبض فيه يقول وقد امتلأت الحجرة من أصحابه: أيها الناس يوشك أن أقبض قبضا سريعا وقد قدمت إليكم القول معذرة اليكم. ألا وإنني مخلف فيكم كتاب ربي عزوجل وعترتي أهل بيتي ثم أخذ بيد علي فقال: هذا علي مع القرآن والقرآن مع علي لا يفترقان حتى يردا على الحوض فاسألکم ما تخلفونی فیہما.

حضرت فاطمه (س) فرمودند: از پدرم در بیماری که در اثر آن از دنیا رفتند و در حالی که حجره پر از اصحاب بود، شنیدم که می‌فرمودند: ای مردم. نزدیک است که زود از دنیا بروم و من با معذرت از شما سخنی را برایتان گفته بودم، آگاه باشید همانا من در بین شما کتاب خدا و اهل بیتم را می‌گذارم. سپس از دست علی گرفته و آن را بالا بردند و فرمودند: این علی همراه قرآن است و قرآن نیز همراه او از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه سر حوض با هم بر من وارد شوند و من در قیامت خواهم پرسید که بعد از من با این دو چه کردید.<sup>۱</sup>

### ۱۹- روایات ام هانی

۱- عن أم هانی بنت أبيطالب قالت: رجع رسول الله (ص) من حجته حتى نزل بغدير خم أمر بدوحات فقمين، ثم قام خطيبا بالهجرة فقال: أما بعد أيها الناس إنني أوشك أن أدعى فأجيب وقد تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعده أبدا: كتاب الله جبل

۱. الولایه ابن عقده، ص ۲۸۲، ح ۸۳. جواهر العقدين، ص ۲۴۱. ينابيع الموده، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۵۶.

طرفه بيد الله و طرفه بايديكم، و عترتي اهل بيتي، اذكركم الله في اهل بيتي، الا انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ام هانی خواهر امیرالمؤمنین (ع) می‌گوید: رسول خدا (ص) از حج مراجعه کردند و به غدیر خم فرود آمدند و امر کردند تا زیر درختان تمیز کرده شد. سپس برای خطبه بلند شدند و فرمودند: ای مردم، نزدیک است که دعوت شوم و اجابت کنم، همانا بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیت هستند، شما را به مراعات شأن اهل بیت سفارش می‌کنم. آگاه باشید که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

سمهودی و قندوزی این حدیث از ام هانی از مسند بزار نقل کرده‌اند.

۲- ابن عقدة من حدیث عمرو بن سعید بن عمر بن جعدة بن هبيرة عن أبيه أنه سمع ام هانی -رضی الله عنها- تقول: رجع رسول الله (ص) من حجته حتى إذا كان بغدير خم أمر بدوحات فقممن. ثم قام خطيبا بالهجرة فقال: أما بعد أيها الناس فاني يوشك أن ادعى فاجيب وقد تركت فيكم ما لم تضلوا بعده أبدا: كتاب الله طرف بيد الله و طرف بايديكم و عترتي اهل بيتي اذكركم الله في اهل بيتي الا انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ام هانی می‌گوید: رسول خدا (ص) از حج مراجعه کردند و به غدیر خم فرود آمدند و امر کردند تا زیر درختان تمیز کرده شد. سپس برای خطبه بلند شدند و فرمودند: ای مردم! نزدیک است که دعوت شوم و اجابت کنم، همانا بین شما چیزی گذاشتم که اگر از آن پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیت هستند. شما را به مراعات شأن اهل بیت سفارش می‌کنم. آگاه

۱. جواهر العقدين، ص ۲۳۹. ينابيع الموده، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۵۴.

باشید که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض بر من وارد شوند.<sup>۱</sup>

## ۲۰- روایت عبدالرحمن بن عوف

۱- حدیثنا یوسف بن موسی و أحمد بن عثمان بن حکیم قالوا: نا عبید الله بن موسی قال: نا طلحة بن جبر عن المطلب بن عبد الله بن حنطب عن مصعب بن عبد الرحمن بن عوف عن أبيه قال: لما فتح رسول الله (ص) مكة انصرف إلى الطائف فحاصرها سبع عشرة أو تسع عشرة. ثم قام خطيبا فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: ايها الناس اني فرط لكم أوصيكم بعترتي خيرا وإن موعدم الحوض والذي نفسي بيده لتقيم الصلاة ولتؤتن الزكاة أو لأبعثن رجلا مني أو كنفسى يضرب أعناقكم ثم أخذ بيد علي فقال هذا.

عبدالرحمن بن عوف می‌گوید: چون رسول خدا(ص) مکه را فتح نمود، به طائف برگشت و آنرا هفده یا نوزده روز محاصره نمود و سپس خطبه خواند و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم همانا من بر شما پیشی می‌گیرم و شما را بر اهل بیتم سفارش می‌کنم، همانا موعد ما سر حوض است، سوگند به ذاتی که جانم در اختیار اوست، نماز را اقامه می‌کنید و زکات را ادا می‌کنید و الا مردی را به سوی شما می‌فرستم که از من است و یا مانند نفسم است، او گردن‌های شما را خواهد زد، سپس دست علی را گرفت و فرمود: آن مرد این است.<sup>۲</sup>

۱. الولاية ابن عقده، ص ۲۴۵، ح ۸۸. جواهر العقدين، ص ۲۴۰. استجلاب ارتقاء الغرف سخاوی، ص ۲۵.

۲. مصنف ابن ابي شيبة، ج ۷، ص ۴۹۸ و ج ۸، ص ۵۴۳. مسند بزار، ج ۳، ص ۲۵۸، ح ۱۰۵۰. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۴ و ۱۶۳.



سند این حدیث صحیح است و در مورد طلحه بن جبر که در سند این حدیث واقع شده، ابن معین او را ثقه دانسته و جوزجانی ناصبی او را تضعیف کرده است، بنابر این صحت این سند ثابت و به سخن ناصبی توجه نخواهد شد.

### ۲۱- روایت هفده نفر از صحابه

ابن عقدة من طریق محمد بن کثیر عن فطر و ابی الجارود كلاهما عن ابی الطفیل أن علیاً(ع) قام فحمد الله وأثنى علیه ثم قال: أنشد الله من شهد يوم غدیر خم إلا قام ولا يقوم رجل يقول: نبئت أو بلغنی إلا رجل سمعت أذناه ووعاه قلبه فقام سبعة عشر رجلاً منهم: خزیمة بن ثابت وسهل بن سعد وعدی بن حاتم وعقبة بن عامر و ابو ایوب الانصاری و ابو سعید الخدری و ابو شریح الخزاعی و ابو لیلی الانصاری و ابو الهیثم بن التیهان و رجال من قریش. فقال علی(ع): هاتوا ما سمعتم. فقالوا: نشهد أنا أقبلنا مع رسول الله(ص) من حجة الوداع نزلنا بغدیر خم ثم نادى بالصلاة فصلینا معه ثم قام فحمد الله وأثنى علیه ثم قال: أيها الناس ما أنتم قائلون؟ قالوا: قد بلغت. قال: اللهم اشهد - ثلاث مرات - ثم قال: إني أوشك أن أدعى فاجيب واني مسؤول وأنتم مسؤولون... ثم قال: أيها الناس إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي إن تمسكتم بهما لن تضلوا. فانظروا كيف تخلفوني فيهما وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض. نبأني بذلك اللطيف الخبير. ثم قال: إن الله مولاي وأنا مولى المؤمنين أستم تعلمون أنى أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا بلى. قال ذلك ثلاثاً. ثم أخذ بيدك يا أمير المؤمنين فرفعها وقال: من كنت مولاه فهذا على مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه! فقال على: صدقتم وأنا على ذلك من الشاهدين.

ابو طفیل می‌گوید: همانا علی بلند شد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: به خدا سوگند می‌دهم کسانی را که در غدیر حاضر

بودند، اینکه بلند شوند و کسانی که این خبر را از دیگران شنیده-  
اند بلند نشوند و تنها کسانی بلند شوند که خود با گوش‌هایشان  
شنیده و با قلبشان حفظ کرده‌اند. پس هفده نفر بلند شدند که از  
جمله آن‌ها خزیمه بن ثابت و سهل بن سعد و عدی بن حاتم و  
عقبه بن عامر و ابو ایوب انصاری و ابو سعید خدری و ابو  
شریح خزاعی و ابو لیلی انصاری و ابو هیثم بن تیهان و مردانی  
از قریش بودند. پس علی گفت: آنچه را شنیدید بازگو کنید؟ گفتند:  
شهادت می‌دهیم که از حجة الوداع همراه رسول خدا(ص)  
مراجعه کردیم و به غدیر خم فرود آمدیم، سپس ندای نماز داد و  
همراه آن حضرت نماز خواندیم. سپس حضرت بلند شد و بعد از  
حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! شما چه خواهید گفت؟ گفتند:  
همانا رسالت خود را ابلاغ فرمودی. حضرت سه بار فرمودند:  
خدایا شاهد باش! سپس فرمودند: نزدیک است دعوت شوم و  
اجابت کنم، همانا من و شما سؤال خواهیم شد. سپس فرمودند: ای  
مردم، من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم و آن دو کتاب خدا  
و اهل بیتم هستند. و اگر به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نمی-  
شوید، پس مواظب باشید که پس از من با آن دو چگونه رفتار  
خواهید نمود و همانا آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه  
سر حوض بر من وارد شوند، خداوند لطیف و آگاه این را به من  
خبر داد. سپس فرمودند: همانا خداوند مولای من و من مولای  
مؤمنین هستم. مگر نمی‌دانید که من اولی بر شما از خودتان  
هستم؟ گفتند: آری، هستید. حضرت سه بار این سخن را تکرار  
فرمودند و سپس دست تو را گرفتند ای امیرالمؤمنین و آن را بالا  
برده، فرمودند: هر که من مولای او هستم پس علی نیز مولای  
اوست؛ خدایا دوست بدار هر کسی را که علی را دوست دارد و

دشمن بدار کسی را که علی را دشمن دارد! پس علی گفت: راست گفتید و من نیز بر آن شهادت می‌دهم.<sup>۱</sup> این حدیث مرسل است ولی راویان مذکور در این سند ثقة‌اند و قندوزی در "ینابیع الموده" این حدیث را از ابو طفیل از کتاب "حلیة الاولیاء" ابو نعیم نقل کرده است. در این حدیث شریف چنان‌که ملاحظه می‌کنید هفده نفر از اصحاب شهادت داده‌اند که این حدیث را از رسول خدا(ص) شنیده‌اند.

## ۲۲- روایت عامر بن ابی لیلی

ابن عقدة من طریق عبدالله بن سنان عن ابی طفیل عن عامر بن ابی لیلی بن ضمرة وحذیفة بن أسید قالوا: لما صدر رسول الله(ص) من حجة الوداع ولم يحج غيرها أقبل حتى إذا كان بالجحفة وذلك يوم غدیر خم وخم من الجحفة وله بها مسجد معروف فقال: ایها الناس قد نبأنی اللطیف الخبیر أنه لم یعمربی إلا نصف عمر الذی قبله وانی أوشک أن ادعی فأجیب وانی مسؤول وانی مسؤولون فماذا انتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلغت ونصحت وجهدت فجزاک الله خیرا. قال: أستم تشهدون أن لا اله الا الله وأن محمدا عبده ورسوله وأن جنته حق وناره حق وأن الموت حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله یبعث من فی القبور؟ قالوا: بلی نشهد بذلك. قال: اللهم اشهد ثم قال: ایها الناس ألا تسمعون؟ قالوا نعم. قال: فانی فرط علی الحوض وانی واردون علی الحوض وإن عرضه ما بین صنعاء وبصری فیہ أقداح عدد النجوم من فضة، فانظروا کیف تخلفونی فی الثقلین

۱. الولاية ابن عقده، ص ۱۹۶، ح ۳۰. ذخائر العقبی، ص ۶۷. استجلاب ارتقاء الغرف، ص ۲۲. جواهر العقدين، ص ۱۳۶. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۴۲.

فنادی مناد: وما الثقلان یارسول الله؟ قال: الثقل الاکبر کتاب الله طرف بید الله عزوجل وطرف بأیدیکم فتمسکوا به لا تضلوا والآخر الاصغر عترتی وإن اللطیف الخبیر نبأنی انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض فسألت ذلك لهما ربی فلا تقدموهما فتهلکوا ولا تعلموهم فانهم أعلم منکم.

چون رسول خدا(ص) از حجة الوداع برگشت و بعد از آن دیگر حج انجام نداد، آمد تا اینکه وارد جحفه شد و آن روز روز غدیر خم بود و خم از محل های جحفه است و برای این داستان در آن جا مسجد معروفی است. پس فرمود: همانا خداوند لطیف و خبیر من را آگاه کرد که هیچ پیامبری عمر نکرد مگر به مقدار نصف عمر پیامبر قبل از خود، و نزدیک است که به (آن دنیا) دعوت شوم و بپذیرم، من و شما سؤال خواهیم شد، پس شما چه خواهید گفت؟ همه گفتند: شما ابلاغ کردی و نصیحت نمودی و جهاد کردی، خداوند جزای خیر به شما دهد! حضرت فرمودند: آیا به وحدانیت خداوند و به اینکه محمد (ص) بنده و فرستاده اوست و به حقانیت بهشت و جهنم و مرگ و قیامت و برنگیختن از قبر شهادت می دهید؟ گفتند: شهادت می دهیم. فرمودند: خدایا شاهد باش. سپس فرمودند: ای مردم آیا گوش نمی دهید؟ گفتند: آری، گوش می دهیم. فرمودند: من بر شما پیشی می گیرم و شما سر حوض بر من وارد خواهید شد... پس مواظب باشید که چگونه با تقلین رفتار خواهید کرد. فردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! تقلین چیست؟ حضرت فرمودند: کتاب خدا، یک طرفش به دست خدا و طرف دیگرش به دست شما، پس به آن چنگ بزنید که اگر چنگ زدید هرگز گمراه نخواهید شد و اهل بیت و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه سر حوض بر من وارد شوند. و من این را از پروردگارم برای این دو خواستم،

بنابر این از آن دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و به آن‌ها یاد ندهید که حتماً آن دو داناتر از شما هستند.<sup>۱</sup>

در گذشته نیز این حدیث با مقداری اختلاف در متن از زید ابن ارقم و حذیفه بن اسید نقل شد. ابن حجر و سمهودی پس از اشاره به این حدیث می‌گویند: ابو موسی مدینی در کتاب "الصحابه" این حدیث را از طریق ابن عقده نقل کرده و گفته است: این حدیث غریب است. و این منافات با صحت سند حدیث ندارد و غریب دانستن آن عجیب است و متن حدیث هیچ غرابتی ندارد.

### ۲۳- روایت انس بن مالک

الحافظ ابو نعیم أحمد بن عبد الله الاصبهانی المتوفى سنة ۴۳۰ عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله (ص): الذين آمنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب أتدري من هم يابن أم سليم؟ قلت من هم يارسول الله؟ قال: نحن أهل البيت وشيعتنا ذكر الثقلين وأنهما لقرينان لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

ابو نعیم از انس از رسول خدا(ص) روایت کرده که در مورد آیه "کسانی که ایمان آوردند قلب‌هایشان با ذکر خدا مطمئن می‌شود، آگاه باشید که قلوب با یاد خدا آرام می‌گیرد" فرمودند: آیا می‌دانی که این‌ها چه کسانی هستند ای فرزند سلیم؟ گفتم: چه کسانی‌اند یا رسول الله؟ فرمودند: ما اهل بیت و شیعیانمان هستیم،

۱. الولاية ابن عقده، ص ۲۳۲ ح ۶۹. اسد الغابه، ج ۳، ص ۹۲. الاصابه، ج ۳، ص ۴۸۴، ر ۴۴۳۹. استجلاب ارتقاء الغرف ص ۲۳. جواهر العقدين، ص ۲۳۷. ينابيع الموده، ج ۱، ص ۱۲.

سپس از ثقلین یاد کردند و اینکه آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه قیامت سر حوض بر من وارد شوند.  
بعض از محققان این حدیث را از کتاب ابو نعیم اصفهانی نقل کرده‌اند.

#### ۲۴- روایت ضمیره

ابن عقدة من حدیث ابراهیم بن محمد الاسلمی عن حصین بن عبد الله بن ضمیرة عن ابيه عن جده رضى الله عنه قال: لما انصرف رسول الله (ص) من حجة الوداع أمر بشجرات فقممن بوادی خم وهجر فخطب الناس فقال: أما بعد ايها الناس فاني مقبوض أوشك أن ادعى فاجيب فما انتم قائلون؟ قالوا نشهد أنك قد بلغت ونصحت وأديت. قال: إني تارك فيكم ما إن تمسكنم به لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي ألا وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما.

ضمیره می‌گوید: چون رسول خدا(ص) از حجة الوداع برگشتند در غدیر خم مردم را امر کردند تا زیر درختان جارو و تمیز کرده شد، سپس حضرت خطبه خوانده فرمودند: ای مردم، همانا من از دنیا خواهم رفت و نزدیک است دعوت شوم و قبول کنم، پس شما چه خواهید گفت؟ گفتند: شهادت می‌دهیم که شما ابلاغ کردی و نصیحت نمودی. حضرت فرمودند: من در بین شما چیزی می‌گذارم که اگر به آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا و اهل بیتم هستید، آگاه باشید که آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوید تا اینکه روز قیامت در سر حوض بر

من وارد شوند. پس مواظب باشید که پس از من با آنها چه خواهید کرد.<sup>۱</sup>

### ۲۵- روایت حدیفه بن یمان

عن احمد بن عبد الله بن سلام عن حذيفة بن اليمان قال: صلى بنا رسول الله (ص) ثم أقبل بوجهه الكريم علينا فقال: معاشر أصحابي أوصيكم بتقوى الله والعمل بطاعته، فمن عمل بها فاز وغنم و من انجح وتركها حلت به الندامة فالتمسوا بالتقوى السلامة من أهوال يوم القيامة، فكأنى أدعى فأجيب، وانى تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي، ما ان تمسكنم بهما لن تضلوا، وانهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فتعلموا منهم ولا تعلموهم فانهم اعلم منكم.

حدیفه بن یمان می‌گوید: رسول خدا (ص) بر ما نماز خواند و سپس رو به ما کرد و فرمود: شما را به تقوای الهی و عمل به او امرش سفارش می‌کنم، پس هر که به فرموده او عمل کند نجات یابد و نفع برد و هر که موفق شد ولی ترک نمود شایسته پشیمانی است. به وسیله تقوا در امان ماندن در قیامت را جست و جو کنید، گویا من فرا خوانده شدم و اجابت کنم و من در بین شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و آن کتاب خدا و اهل بیتم هستند. تا زمانی که از آن دو پیروی کنید هرگز گمراه نمی‌شوید، همانا این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه قیامت بر من وارد شوند. بنابراین این از آنها تعلیم بگیرید و به آنها یاد ندهید که همانا آنها داناتر از شما هستند.<sup>۲</sup>

۱. الولایه ابن عقده، ص ۲۲۷، ح ۶۰. استجلاب ارتقاء الغرف، ص ۲۳. جواهر العقدين، ص ۲۳۷.

۲. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۲، ح ۳۳.

تا این جا با اخبار مکتب اهل سنت در مورد حدیث وصیت بر "کتاب خدا و عترت" آشنا شدیم و ما 149 سند برای این حدیث شریف تا این جا ذکر کردیم که ۹۹ سند آن صحیح است. و این حدیث را از ۲۴ صحابه نقل کردیم و علاوه بر این اگر چهار نفر دیگر از اهل شوری و هفده نفر از کسانی را که در رحبه کوفه شهادت دادند ضمیمه کنیم اینگونه می شود که ۴۵ نفر از صحابه این حدیث را بازگو کرده اند. البته بعضی از محققان راویان این حدیث را بیشتر از این شمارش کرده اند، ولی ما به همین مقدار توانستیم دسترسی پیدا کنیم. از آنچه ذکر شد ارزش این حدیث شریف و تأکید رسول خدا(ص) بر پیروی و غفلت نکردن از کتاب خدا و اهل بیت ثابت می شود.

هم اینک جهت روشن تر شدن حقیقت این مطلب و جایگاه والای آن به چند حدیث از کتاب های مکتب اهل بیت برای نمونه اشاره خواهد شد.

۱- حدثنا به أحمد بن الحسن القطان قال: حدثنا الحسن بن علي السكري عن محمد بن زكريا الجوهري عن محمد بن عمارة عن أبيه عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين عن أبيه الحسين بن علي عن أبيه علي بن أبي طالب صلوات الله عليهم قال: قال رسول الله(ص): إني مخلف فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. فإنيهما لن يفترقا حتى يردا علي الحوض كهاتين. فقام إليه جابر بن عبد الله الانصاري وقال: يا رسول الله من عترتك؟ قال: علي والحسن والحسين والائمة من ولد الحسين إلى يوم القيامة.

امیر المؤمنین (ع) می گوید: رسول خدا(ص) فرمودند: من در بین شما دو چیز گرانبها، کتاب خدا و اهل بیت را گذاشتم. همانا آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه روز قیامت در سر حوض بر من وارد شوند. پس جابر بن عبد الله بلند شد و سؤال کرد: ای رسول خدا، اهل بیت شما چه کسانی هستند؟ حضرت



فرمودند: علی و حسن و حسین و امامان از نسل حسین تا روز قیامت<sup>۱</sup>.

سند این حدیث کاملاً صحیح و روایت آن همه ثقه هستند.  
**۲- حدیثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنه قال:**  
 حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن غياث بن ابراهيم، عن الصادق جعفر ابن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين<sup>۸</sup> قال: سئل أمير المؤمنين (ع) عن معنى قول رسول الله (ص): **إني مخلف فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي** " من العترة؟ فقال: أنا والحسن والحسين والائمة التسعة من ولد الحسين تاسعهم مهديهم وقائمهم لا يفارقون كتاب الله ولا يفارقهم حتى يردوا على رسول الله (ص) حوضه.

امام حسین (ع) فرمودند: از امیرالمؤمنین از معنای این حدیث رسول خدا (ص) که فرمودند: "من در بین شما دو چیز گرانبها، کتاب خدا و اهل بیت را گذاشتم" سؤال شد که اهل بیت چه کسانی هستند؟ امیرالمؤمنین فرمودند: من و حسن و حسین و نه امام از نسل حسین که آخرین آن‌ها مهدی و قائم آن‌هاست که از کتاب خدا جدا نمی‌شوند تا اینکه قیامت با هم در سر حوض بر رسول خدا (ص) وارد شوند.<sup>۲</sup>

سند این حدیث نیز صحیح و روایت آن همه ثقه هستند.  
**۳- حدیثنا احمد بن اسماعيل قال:** حدثنا محمد بن همام عن عبد الله بن جعفر الحميري عن موسى بن مسلم عن مسعدة قال: كنت عند الصادق (ع) إذ أتاه شيخ كبير قد انحنا متكنا على عصاه فسلم فرد ابو عبد الله (ع) الجواب ثم قال: يا ابن رسول الله

۱. کمال الدین، ص ۲۴۴. معانی الاخبار، ص ۹۰،

ح ۵.

۲. معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۹۰، ح ۴.

ناولنی يدك أقبلها فأعطاه يده فقبلها. ثم بكى فقال: قال ابو عبد الله (ع): ما يبكيك يا شيخ؟ قال: جعلت فداك أقمت على قائمكم منذ مائة سنة، أقول: هذا الشهر وهذه السنة وقد كبرت سني واقترب أجلي ولا أرى ما أحب أراكم معتلين مشردين وأرى عدوكم يطيطرون بالاجنحة فكيف لا ابكى فدمعت عينا ابى عبد الله (ص) ثم قال: يا شيخ ان أبقاك الله حتى تر قائمنا كنت معنا في السنام الاعلى وان حلت بك المنية جنت يوم القيامة مع ثقل محمد (ص) ونحن ثقله فقال: انى مخلف فيكم الثقلين فتمسكوا بهما لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي. فقال الشيخ: لا أبالي بعد ما سمعت هذا الخبر. قال: يا شيخ ان قائمنا يخرج من صلب الحسن والحسن يخرج من صلب علي وعلى يخرج من صلب محمد ومحمد يخرج من صلب علي وعلى يخرج من صلب ابني هذا -وأشار الى موسى(ع)- وهذا خرج من صلبى نحن اثنا عشر كلنا معصومون مطهرون. فقال الشيخ: يا سيدى بعضكم أفضل من بعض؟ قال: لا نحن في الفضل سواء ولكن بعضنا أعلم من بعض. ثم قال: يا شيخ والله لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج قائمنا أهل البيت الأوان شيعتنا يقعون في فتنة وحيرة في غيبته هناك يثبت على هداه المخلصين اللهم أعنهم على ذلك.

مسعده می گوید: نزد امام صادق بودم که پیرمرد بزرگسالی آمد و به امام سلام داد و جواب سلامش را گرفت و گفت: ای فرزند رسول خدا(ص) دستت را بده ببوسم. پس دستان امام را بوسید و گریه کرد. امام (ع) از سبب گریه سؤال کرد؟ شیخ گفت: فدایت شوم صد سال است منتظر قائم شما هستم و می گویم: این ماه می آید و این سال می آید، سنم بالا رفت و مرگم نزدیک شده و دوست ندارم شما را در سختی و مشکلات و شکنجه و تحت فشار ببینم و ببینم که دشمنانتان شما را به استهزا بگیرند؛ و چگونه گریه نکنم! از چشمان امام صادق(ع) اشک سرازیر شد،

سپس فرمود: ای شیخ، اگر خداوند تو را زنده نگه دارد تا قائم ما را ببینی، حتماً همراه ما عزت آن روز ما را خواهی دید و اگر مرگت فرا رسد، روز قیامت همراه ثقل محمد(ص) خواهی آمد و ما ثقل آن حضرت هستیم که رسول خدا(ص) فرمودند: من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم، پس به آن دو چنگ بزنید که هرگز گمراه نخواهید شد و آن دو کتاب خدا و اهل بیتم هستند. پیرمرد گفت: اکنون که این سخن را شنیدم، دیگر هیچ نگرانی ندارم. امام(ع) فرمود: ای پیرمرد، قائم ما فرزند حسن است و حسن فرزند علی و علی فرزند محمد و محمد فرزند علی و علی فرزند این پسر است و این (امام کاظم) فرزند من است و ما دوازده نفریم و همه‌ی ما معصومیم... سپس فرمود: ای پیرمرد، اگر از عمر دنیا تنها يك روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا قائم ما اهل بیت خارج شود. شیعیان ما در زمان غیبت او امتحان می‌شوند و دچار حیرت گردند، آن زمان افراد مخلص در هدایت الهی ثابت خواهند ماند، خدایا آن‌ها را در ثابت ماندن کمک فرما!

سند ابن حدیث نیز صحیح و روایتش همه تفه‌اند.

۴- حدثنا محمد بن محمد، قال: حدثنا ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه رحمه الله قال: حدثنی ابي قال: حدثنی سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد ابن عيسى عن الحسن بن محبوب الزرادي عن أبي محمد الانصاري عن معاوية بن وهب قال: كنت جالسا عند جعفر بن محمد ' إذ جاء شيخ قد انحنى من الكبر فقال: السلام عليك ورحمة الله وبركاته...<sup>۲</sup>

با سند فوق نیز که ذکر شد این داستان پیرمرد و حدیث تقلین که امام صادق(ع) به او خبر دادند از معاویه بن وهب که در آن

۱. کفایة الاثر خزار، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲. الامالی شیخ طوسی ص ۱۶۱ ح ۲۶۸.

جلسه حضور داشته به سند كاملاً صحيح ديگر روايت شده و همى روايات آن نيز ثقه هستند.

ه- محمد بن قولويه عن محمد بن بندار القمي عن البرقي عن أبيه عن أحمد بن النضر عن عباد بن بشير عن ثوير بن أبي فاختة قال: خرجت حاجاً فصحبني عمر بن ذر القاضي وابن قيس الماصر والصلت بن بهرام وكانوا إذا نزلوا منزلاً قالوا: انظر الآن فقد حررنا أربعة آلاف مسألة نسأل أبا جعفر (ع) منها عن ثلاثين كل يوم وقد قلدناك ذلك قال ثوير: فغمني ذلك حتى إذا دخلنا المدينة فأفترقنا فنزلت أنا على أبي جعفر فقلت له: جعلت فداك إن ابن ذر وابن قيس الماصر والصلت صحبوني وكنت أسمعهم يقولون: قد حررنا أربعة آلاف مسألة نسأل أبا جعفر (ع) عنها فغمني ذلك فقال أبو جعفر (ع): ما يغمك من ذلك؟ فإذا جاؤوا فأذن لهم فلما كان من غد دخل مولى لأبي جعفر (ع) فقال: جعلت فداك إن بالباب ابن ذر ومعه قوم فقال لي أبو جعفر عليه السلام: يا ثوير قم فأذن لهم فقممت فأدخلتهم فلما دخلوا سلموا وقعدوا ولم يتكلموا فلما طال ذلك أقبل أبو جعفر (ع) يستفتيهم الأحاديث وأقبلوا لا يتكلمون فلما رأى ذلك أبو جعفر (ع) قال لجارية له يقال لها سرحة: هاتي الخوان فلما جاءت به فوضعت قال أبو جعفر (ع): الحمد لله الذي جعل لكل شئ حداً ينتهي إليه حتى أن لهذا الخوان حداً ينتهي إليه فقال ابن ذر: وما حده؟ قال: إذا وضع ذكر اسم الله وإذا رفع حمد الله قال: ثم أكلوا ثم قال أبو جعفر (ع): اسقيني فجاءته بكوز من أدم فلما صار في يده قال: الحمد لله الذي جعل لكل شئ حداً ينتهي إليه حتى أن لهذا الكوز حداً ينتهي إليه فقال ابن ذر: وما حده؟ قال: يذكر اسم الله عليه إذا شرب ويحمد الله عليه إذا فرغ ولا يشرب من عند عروته ولا من كسر إن كان فيه قال: فلما فرغوا أقبل عليهم يستفتيهم الأحاديث فلا يتكلمون فلما رأى ذلك أبو جعفر (ع) قال: يا ابن ذر ألا تحدثنا ببعض ما سقط إليكم من حديثنا؟ قال: بلى يا ابن رسول الله، قال:

إني تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله وأهل بيتي إن تمسكتم بهما لن تضلوا. فقال أبو جعفر عليه السلام: يا ابن ذر إذا لقيت رسول الله (ص) فقال: ما خلفتني في الثقلين؟ فماذا تقول؟ قال: فبكي ابن ذر حتى رأيت دموعه تسيل على لحيته. ثم قال: أما الأكبر فمزقناه وأما الأصغر فقتلناه فقال أبو جعفر (ع): إذا صدقه يا ابن ذر لا والله لا تزول قدم يوم القيامة حتى يسأل عن ثلاث: عن عمره فيما أفناه، عن ماله أين اكتسبه وفيما أنفقه، و عن حبنا أهل البيت. قال: فقاموا وخرجوا فقال أبو جعفر (ع) لمولى: اتبعهم فأنظر ما يقولون. قال: فتبعهم ثم رجع. فقال: جعلت فداك! قد سمعتهم يقولون لابن ذر: ما على هذا خرجنا معك فقال: ويلكم اسكتوا ما أقول إن رجلا يزعم أن الله يسألني عن ولايته وكيف أسأل رجلا يعلم حد الخوان وحد الكوز؟

ثوير بن ابی فاخته می‌گوید: از کوفه برای انجام حج حرکت کردم و عمر بن ذر و ابن قیس و صلت بن بهرام نیز با من همراه شدند. عمر بن ذر در راه به من گفت: سه هزار سؤال آماده کردیم تا هر روز از ابو جعفر (امام باقر (ع)) سی سؤال بپرسیم. من نگران شدم و به امام باقر خبر را رساندم، امام فرمود: نگران مباش؛ و چون آمدند اجازه بده داخل شوند. آن‌ها به حضور امام داخل شدند و نشستند و سخنی نگفتند، چون سکوت آن‌ها طولانی شد امام (ع) چند سؤال از آن‌ها کرد، ولی نتوانستند جواب دهند. سپس امام سفره آورد و پذیرای کرد و فرمود: حمد خدا را که برای هر چیزی حدی قرار داده که به آن می‌انجامد. ابن ذر گفت: حد این سفره چیست؟ امام فرمود: چون گذاشته شود نام خدا را آورد و چون جمع شود حمد خدا را کند. سپس غذا را تناول کردند، امام (ع) فرمود: آب بیاور، چون غلام کوزه را آورد امام فرمود: حمد خدا را که برای هر چیزی حدی قرار داده که به آن می‌انجامد حتی این کوزه. ابن ذر گفت: حد آن چیست؟ امام فرمود: چون نوشید خدا را یاد می‌کند و چون فارغ شد خدا را

حمد می‌گوید. سپس امام(ع) چهار حدیث از آن‌ها سؤال کرد، ولی آن‌ها نتوانستند جواب بدهند. امام(ع) فرمود: ای فرزند ذر! بعضی از احادیثی را که در مورد ما (اهل بیت) به شما رسیده برای ما نقل بکن؟ عمر بن ذر گفت: آری ای فرزند رسول خدا، (رسول خدا) فرمود: من در بین شما دو چیز گرانبها گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا و اهل بیتم و اگر به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نمی‌شوید. امام باقر(ع) فرمودند: ای فرزند ذر! چون با رسول خدا(ص) ملاقات کنی و حضرت سؤال کنند که بعد از من با کتاب خدا و اهل بیتم چه کردید، چه خواهی گفت؟ ابن ذر گریه کرد و گفت: ثقل اکبر را پاره کردیم و ثقل اصغر را کشتیم. امام باقر(ع) فرمودند: قیامت کسی قدم از جای بر نمی‌دارد مگر اینکه سؤال می‌شود: از عمرش که در چه کاری گذرانید و از مالش که از چه راه کسب نمود و در چه چیزی صرف نمود و از محبت ما اهل بیت. پس آن‌ها بلند شدند و رفتند. امام باقر(ع) به غلامش فرمود: برو ببین چه می‌گویند؟ رفت و برگشت و گفت: همراهان ابن ذر گفتند: ما همراه تو برای این نیامده بودیم؟! ابن ذر گفت: وای بر شما ساکت باشید، من چه بگویم بر کسی که گمان می‌کند خداوند در قیامت من را از ولایت او سؤال خواهد کرد و چگونه از کسی که حد سفره و کوزه را می‌داند سؤال نمایم.<sup>۱</sup>

سند این حدیث نیز کاملاً صحیح و راوتش همه ثقه هستند.  
این مقدار را برای نمونه ذکر کردیم و الا اصل حدیث با  
سندهای فراوان روایت شده که حاجت به ذکر آن‌ها نیست.

۱. معرفة الرجال طوسی، ج ۲، ص ۴۸۴. بحار  
الانوار ج ۱۰، ص ۱۵۹، ج ۱۲.

### اعتراف علما بر کثرت روایات

علما و بزرگان اهل سنت نیز اعتراف کرده‌اند که حدیث "وصیت بر کتاب خدا و اهل بیت" دارای روایان زیاد است. اکنون به سخن بعضی از آنها اشاره می‌کنیم. این حجر در مورد این حدیث می‌گوید:

**ولهذا الحديث طرق كثيرة عن بضع وعشرين صحابيا.**

این حدیث دارای سندهای زیادی از حدود بیست و چند صحابه است.<sup>۱</sup>

سمهودی نیز می‌گوید:

**وفي الباب عن زيادة على عشرين من الصحابة.**

حدیث ثقلین را بیش از بیست صحابه روایت کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### معنای حدیث از نظر علما

ابن منظور می‌گوید:

**و في حديث النبي(ص): اوصيكم بكتاب الله و عترتي.**

در حدیث پیامبر(ص) (آمده است که فرمودند: شما را به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش و وصیت می‌کنم.<sup>۳</sup>

ابن حجر می‌گوید:

**وقد جاءت الوصية الصريحة بهم في عدة أحاديث منها حديث إنى تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى الثقلين أحدهما أعظم من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي أهل بيتي ولن يترقا حتى يردا على الحوض. فانظروا كيف تخلفوني فيهما.**

۱. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲. جواهر العقدين، ص ۲۳۴.

۳. لسان العرب، ماده "ثقل".

در شماری از احادیث، وصیت صریح به اهل بیت شده است و از جمله آن‌ها حدیث ثقلین است.<sup>۱</sup>

ثعلب می‌گوید: کتاب خدا و اهل بیت را ثقلین نامیدند؛ زیرا عمل به آن دو ثقیل و سخت است و آن‌ها را به جهت بیان بزرگی شأن و منزلتشان ثقلین نامیده‌اند.<sup>۲</sup>

ابن حجر می‌گوید: رسول خدا(ص) کتاب خدا و اهل بیت را "ثقلین" نامید و "ثقل" به هر چیز گران‌بها گفته می‌شود. کتاب خدا و اهل بیت از این قبیل هستند؛ زیرا هر کدام از آن دو معدن علم لدنی و اسرار و حکمت‌های الهی هستند و به همین خاطر رسول خدا(ص) مردم را به پیروی از آن دو تأکید و سفارش فرمودند.<sup>۳</sup>

مناوی بعد از ذکر حدیث ثقلین می‌گوید:

**قال الشریف: هذا الخبر يفهم وجود من يكون أهلا للتمسك من أهل البيت والعترة الطاهرة في كل زمان إلى قيام الساعة حتى يتوجه الحث المذكور إلى التمسك به كما أن الكتاب كذلك فلذلك كانا أماتا لاهل الارض فإذا ذهب اهل الارض.**

شریف می‌گوید: از این حدیث فهمیده می‌شود که در هر زمانی تا روز قیامت از اهل بیت مطهر رسول خدا(ص) کسانی خواهند بود که اهلیت پیروی را داشته باشند چنان‌که کتاب خدا نیز این گونه است و به همین خاطر کتاب خدا و اهل بیت امان اهل زمین معرفی شده‌اند و هر وقت آن دو رفتند، اهل زمین نیز خواهند رفت (و قیامت برپا خواهد شد).<sup>۴</sup>

**وفي أحاديث الحث على التمسك بأهل البيت إشارة إلى عدم انقطاع متأهل منهم للتمسك به إلى يوم القيامة كما أن الكتاب**

۱. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲. لسان العرب، ماده "ثقل".

۳. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۴۲.

۴. فیض القدير مناوی، ج ۳، ص ۲۰، ح ۲۶۳۱.



**العزیز كذلك ولهذا كانوا أمانا لأهل الأرض كما يأتي ويشهد لذلك الخبر السابق في كل خلف من أمتي عدول من أهل بيتي إلى آخره.**

ابن حجر می‌گوید: در این احادیثی که به پیروی از اهل بیت تشویق شده، اشاره شده است که تا روز قیامت زمین از فردی از اهل بیت که اهلیت پیروی دارد خالی نخواهد ماند همان گونه که کتاب خدا چنین است و در روایات وارد شده که اهل بیت امان اهل زمین‌اند چنان‌که در این موضوع احادیث خواهد آمد و احادیث گذشته نیز به این مطلب شهادت می‌دهد که حضرت فرمودند: در هر نسلی از امتم فرد عادل از اهل بیت خواهد بود، تا آخر حدیث.<sup>۱</sup>

سمهودی نیز می‌گوید: از این حدیث استفاده می‌شود که کتاب خدا و اهل بیت تا قیامت از هم جدا نمی‌شوند.<sup>۲</sup>  
مناوی در شرح حدیث تقلین می‌گوید:

**وهم أصحاب الكساء الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا.**<sup>۳</sup>

مقصود از اهل بیت در این حدیث همان اهل کسا (علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)) هستند که خداوند رجس را از آن‌ها دور کرده و آن‌ها را مطهر قرار داده است.

ملا علی قاری در شرح حدیث تقلین می‌گوید:

**معنى التمسك بالعترة محبتهم والاهتداء بهداهم وسيرتهم.**  
معنای چنگ زدن به اهل بیت، دوست داشتن آن‌ها و هدایت یافتن با هدایت و سیره آن‌هاست.<sup>۴</sup>

۱. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲. جواهر العقدين، ص ۲۴۳.

۳. فیض القدير، ج ۳، ص ۲۰، ح ۲۶۳۱.

۴. المرقات في شرح مشکاة، ج ۵، ص ۶۰۰.

زرقانی مالکی می‌گوید:

**وأكد تلك الوصية وقواها بقوله: فانظروا بم تخلفوني فيهما بعد وفاتي هل تتبعونهما فتسروني أو لا فتسبونني.**

رسول خدا(ص) وصیت بر کتاب خدا و اهل بیت را با این سخن "پس مواظب باشید که بعد از من چگونه با آنها رفتار خواهید کرد" تقویت و تأکید نمود که آیا بعد از من از آن دو پیروی می‌کنید و من را خوشحال حال می‌نمایید و یا نه من را ناراحت می‌کنید.<sup>۱</sup>

البانی از علمای معاصر وهابی می‌گوید:

"هر چیز با ارزش و گران‌مایه را "ثقل" گویند و اینکه رسول خدا(ص) آن دو (کتاب خدا و عترت) را "ثقلین" نامید به خاطر عظمت و شأن و مقام آنهاست و به جهت اینکه عمل به آن دو سخت است."<sup>۲</sup>

ابن حجر می‌گوید: بدان که حدیث "تبعیت از کتاب خدا و عترت" دارای سندهای زیادی است و آن از بیست و چند صحابه روایت شده است که بعضی از سندهای آن مفصل ذکر شد. در برخ از آنها آمده است که رسول خدا(ص) این حدیث را در حج الوداع در عرفات ایراد کردند و در برخی دیگر گفته شده است که آن را در مدینه در حال مریضی در حالی که منزل پر از اصحاب بود بیان کردند، در دیگری آمده است که آن را روز غدیر خم فرمود و در دیگری بعد از مراجعه از طائف خطبه خواند و آن جا این حدیث را ایراد فرمود، چنان‌که اشاره شد. این هیچ مانع ندارد که آن حضرت این حدیث را برای امت خویش

۱. شرح المواهب اللدنیة ج ۷، ص ۵.

۲. سلسله احادیث الصحیحه، ج ۴، ص ۲۴۰.

چند مرتبه تکرار کرده باشند، به خاطر تأکید بر شأن و جایگاه والای کتاب خدا و عترت مطهرش.<sup>۱</sup>

ابن حجر می‌گوید:

**حَث (ص) عَلَى الْاِقْتِدَاءِ وَالتَّمَسُّكِ بِهِمْ وَالتَّعْلَمِ مِنْهُمْ.**

رسول خدا(ص) مردم را بر اقتدا و پیروی و تعلیم گرفتن از کتاب خدا و اهل بیت تشویق نمود.<sup>۲</sup>

از آنچه این بزرگان اهل سنت گفته‌اند استفاده می‌شود که کتاب خدا و اهل بیت تا روز قیامت از هم جدا نمی‌شوند و تا روز قیامت امام و رهبری از اهل بیت رسول خدا(ص) در بین امت اسلامی خواهد بود تا امت اسلامی از او پیروی کنند و حق و باطل را به وسیله او بشناسند و اینکه مخالفت آن‌ها مورد عدم رضایت و خشم رسول خدا(ص) خواهد شد.

تا این جا با حدیث ثقلین و نظر علما در مورد معنای آن حدیث شریف، آشنا شدیم. اکنون با حدیث شریف دیگر که رسول خدا(ص) با حدیث ثقلین یکدیگر را تقویت و تفسیر می‌کنند و آن حدیث متواتری است که رسول خدا(ص) از تعداد خلفای بعد از خود خبر دادند، آشنا خواهیم شد.

### **خلفا و جانشینان دوازده گانه رسول خدا(ص)**

در حدیث متواتر دیگری رسول خدا(ص) جانشینان بعد از خود را دوازده نفر معرفی فرموده‌اند و از آن حدیث نیز استفاده می‌شود که زمین از یکی از آن دوازده خلیفه خالی نخواهد ماند. قابل توجه است که این حدیث را رسول اکرم(ص) به مانند حدیث ثقلین در مکان‌های مختلف ایراد فرموده‌اند که یکی از آن

۱. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۴۲.

مکان‌ها همان حجة الوداع و روز عرفه بوده است. اکنون با این حدیث و نظر علما در مورد آن آشنا خواهیم شد.

رسول اکرم(ص) فرمودند:

**الخلفاء بعدی اثنا عشر كعدد نقباء بنی اسرائیل.**

خلفا و جانشینان من بعد از من دوازده نفرند، به عدد پیشوایان بنی اسرائیل.

حضرت در حدیث دیگری فرمودند:

**۱- لا يزال هذا الدین عزیزاً منیعاً إلى اثنا عشر خليفة ثم قال كلمة لم أفهمها فقلت لأبي: ما قال؟ قال: كلهم من قریش.**

پیوسته این دین عزیز و قدرتمند و ارجمند خواهد بود مادامی که دوازده نفر رهبریت این امت را بر عهده داشته باشند و سپس کلامی فرمودند که من نفهمیدم، از پدرم سؤال کردم که چه فرمود؟ گفت: فرمود: همهی آن دوازده نفر از قریش خواهند بود. این حدیث را با الفاظ مختلف افرادی از صحابه مثل ابن مسعود و جابر بن سیره با ۳۶ سند حذیفه و ابن عباس و ابن عمر ضحاک بن قیس و کعب الاحبار و عون بن جحیفه و ابن عمرو و انس از رسول خدا(ص) روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۰ و ۱۸۲۱ با پنج سند. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۳۷۸۱ و احمد از جابر بن سمره در مسندش با ۳۴ سند دیگر این حدیث را روایت کرده است ج ۵، ص ۸۶ الی ۱۰۸. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۷۹. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۳، ح ۶۶۶۱ و ۶۶۶۲. مصنف ابن ابی شیبه، ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۳۲۰۵۴. مسند ابو عوانه، ج ۴، ص ۳۶۹، ح ۶۹۷۶ الی ۶۹۹۸. مسند بزار، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۱۹۳۷. مستدرک، ج ۳، ص ۶۱۸، ح ۶۵۸۷ و ۶۵۸۹ و دیگران.

دقت داشته باشیم که این حدیث شریف را همه‌ی محدثان اهل سنت با اتفاق روایت کرده‌اند و بخاری در صحیحش آن را با عبارت "دوازده امیر" روایت کرده و ما تنها برخی از کتبی را نام بردیم که با عبارت دوازده خلیفه این حدیث را روایت کرده‌اند.

۲- عن جابر قال سمعت رسول الله (ص) يقول في حجة الوداع: إن هذا الدين لن يزال ظاهرا على من ناواه لا يضره مخالف ولا مفارق حتى يمضي من أمتي اثنا عشر خليفة قال ثم تكلم بشيء لم أفهمه فقلت لأبي: ما قال؟ قال: كلهم من قریش. جابر می‌گوید: شنیدم که رسول خدا (ص) در حجة الوداع می‌فرمودند: همانا این دین پیوسته (تا قیامت) بر مخالفانش پیروز خواهد بود و مخالفت و دوری جستن دیگران زیانی بر دین نمی‌رساند تا زمانی که دوازده خلیفه (رهبری آن را) بر عهده داشته باشند و همه‌ی آنها از قریش خواهند بود.<sup>۱</sup>

جابر در حدیث دیگری می‌گوید:  
خطبنا رسول الله (ص) بعرفات فقال: لا يزال هذا الأمر عزيزا منيعا ظاهرا على من ناواه حتى يملك اثنا عشر كلهم قال: فلم أفهم ما بعد قال: فقلت لأبي: ما قال بعد ما قال كلهم. قال: كلهم من قریش.

رسول خدا (ص) برای ما در عرفات خطبه خواند و فرمود: پیوسته این دین (تا قیامت) عزیز و ارجمند خواهد بود مادامی که

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۸۷ و ۹۹، ح ۲۰۸۳۳ و ۲۰۸۳۶ و ۲۰۸۵۰ و ۲۰۹۷۵. معجم الكبير، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱۷۹۶.

دوازده خلیفه (رهبری آن را) بر عهده داشته باشند و همه‌ی آن‌ها از قریش‌اند.<sup>۱</sup>

این حدیث را با این دو لفظ که در حجة الوداع و در عرفات ایراد شده از مجالد ابن سعید چهار نفر روایت کرده‌اند و حدیث او نزد اهل سنت حسن است، ولی اینجا حدیث او صحیح است؛ زیرا افرادی مانند حماد بن زید این حدیث را از او روایت کرده‌اند و محدثان حدیث او را که از مجالد روایت کرده صحیح دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

۳- عن عامر بن سعد بن أبي وقاص قال كتبت إلى جابر بن سمرة مع غلامی نافع أخبرنی بشيء سمعت من رسول الله (ص) قال: فكتب إلى سمعت رسول الله (ص) يوم جمعة عشية عرفة و رجم الأسلمي يقول: لا يزال الدين قائما حتى تقوم الساعة أو يكون عليهم اثنا عشر خليفة كلهم من قریش.<sup>۳</sup>

عامر بن سعد می‌گوید: به وسیله غلامم به جابر نوشتم تا حدیثی را که از رسول خدا (ص) شنیده برای من بگوید. پس جابر به من نوشت: روز جمعه شام عرفة و سنگ ساری اسلمی شنیدم که رسول خدا (ص) می‌فرمودند: پیوسته تا قیامت اسلام استوار و پا بر جاست ما دامی که دوازده خلیفه بر آن خلافت و رهبری کند که همه از قریش هستند.<sup>۳</sup>

سند این حدیث کاملاً صحیح است، ولی در کتاب مسلم و احمد به اینکه این خطبه در عرفة ایراد شده اشاره نشده است.

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۹۳ و ۹۶، ح ۲۰۹۱۰ و ۲۰۹۴۳ و ۲۰۹۴۴.

۲. سیر اعلام النبلاء شرح حال مجالد. تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۷، ر ۶۵.

۳. الآحاد و المثانی، ج ۳، ص ۱۲۸، ح ۱۴۵۴. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۱۸۲۲. مسند احمد، ج ۵، ص ۸۹، ح ۲۰۸۶۲.

پس از این احادیث ثابت می‌شود که رسول خدا (ص) در حجة الوداع و در عرفات هم از رهبری و امامت کتاب خدا و اهل بیت خبر دادند و هم از اینکه این رهبران الهی که همراه کتاب خدا هستند، دوازده نفر خواهند بود.

در حدیث دیگری که البانی و شعیب سند آن را صحیح دانسته‌اند چنین آمده است:

٤- عن جابر: سمعت رسول الله يقول: لا يزال هذا الدين عزيزا إلى اثني عشر خليفة قال: فكبر الناس وضجوا ثم قال: كلمة خفيت قلت لأبي: يا أبا ما قال؟ قال: قال: كلهم من قریش.

پیوسته این دین عزیز خواهد بود تا زمانی که دوازده خلیفه رهبری آن را بر عهده داشته باشند. مردم با شنیدن این حدیث از ترس تکبیر گفته فریاد زدند، سپس حضرت آهسته مطالبی فرمود که من نشنیدم، از پدرم سؤال کردم، در پاسخ گفت: همه‌ی آنها از قریش‌اند.<sup>۱</sup>

از این حدیث استفاده می‌شود چون رسول خدا<sup>٤</sup> در همین خطبه از رهبری کتاب خدا و عترت نیز خبر دادند این جا نیز اشاره باید می‌فرمودند که این دوازده خلفا همان کسانی خواهند بود که همراه کتاب خدا هستند. لذا بعضی از افراد ترسیدند از اینکه مردم بفهمند این دوازده خلیفه (که حتماً از اهل بیت خواهند بود) چه کسانی هستند لذا چون حضرت این سخن را گفتند، سر و صدا راه انداختند و فریاد زدند تا مردم نفهمند که آن دوازده نفر چه کسانی هستند.

١. سنن ابو داود، ج ٢، ص ٥٠٨، ح ٤٢٨٠ و ٤٢٨١. مسند احمد، ج ٥، ص ٩٨، ح ٢٠٩٦٥. فتح الباری، ج ١٣، ص ٢٨١.

اگر این حدیث را در کنار حدیث "ثقلین" قرار دهیم واقعیت این امر روشن خواهد شد و خود را در شناخت این دوازده خلیفه سرگردان نخواهیم کرد؛ زیرا بسیاری از علما متأسفانه در مورد این حدیث به خاطر توجه نکردن به حدیث ثقلین در پیدا کردن معنا و مصداق این حدیث شریف خیلی خود را به زحمت و سختی انداخته و به نتیجه ای هم نرسیده‌اند.

البته از این حدیث استفاده می‌شود که این دوازده خلیفه جانشینان بر حق رسول خدا (ص) پس از آن حضرت خواهند بود و به این واقعیت ابن کثیر نیز اعتراف کرده و آن از خبر زیر نیز استفاده می‌شود:

ابن تیمیه در کتاب "منهاج السنه" ج ۸، ص ۲۳۸ و ابن کثیر در تفسیرش، ج ۲، ص ۳۴ و همچنین در "البدایه والنهایه" ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۲۱ و ۲۹۵ به این حقیقت اعتراف کرده‌اند که در "تورات" در مورد حضرت اسماعیل آمده است که خداوند به حضرت ابراهیم می‌فرماید: "ما به زودی برای او دوازده عظیم عطا می‌کنیم" و این دوازده عظیم اشاره است به دوازده خلفایی که رسول خدا، از آن خبر داده‌اند و اسلام در زمان آن‌ها عزیز خواهد بود.

از این خبر به روشنی استفاده می‌شود که این دوازده خلیفه باید از نسل حضرت اسماعیل باشند.

ابن کثیر در مورد حدیث دوازده خلیفه می‌گوید:

ومعنى هذا الحديث البشارة بوجود اثني عشر خليفة صالحا يقيم الحق ويعدل فيهم ولا يلزم من هذا تواليهم وتتابع أيامهم بل قد وجد منهم أربعة على نسق وهم الخلفاء الأربعة: أبو بكر وعمر وعثمان وعلي و منهم عمر بن عبد العزيز بلا شك عند الأئمة وبعض بني العباس ولا تقوم



الساعة حتى تكون ولايتهم لا محالة والظاهر أن منهم المهدي المبشر به في الاحاديث الواردة بذكره.

معنای این حدیث چنین است که در آن به دوازده خلیفه صالح بشارت داده شده که در زمان آنها حق و عدالت در امت اسلامی برقرار خواهد بود. لازم نیست که اینها پشت سر هم باشند، بلکه پنج نفر آنها پیدا شده‌اند و آنها ابو بکر و عمر و عثمان و علی و عمر بن عبد العزیز هستند و همچنین برخی از بنی العباس. قیامت بر پا نمی‌شود مگر اینکه ما بقی آنها نیز خواهند آمد و ظاهر این است که مهدی مبشر در روایات نیز از جمله خلفاست.<sup>۱</sup>

ابن کثیر این سخن را در تاریخش نیز گفته و اضافه کرده است: مقصد این حدیث آن دوازده امامانی نیست که شیعه معتقد هستند و به گمانشان اول آنها علی بن ابی طالب و آخر آنها محمد بن حسن المنتظر است.<sup>۲</sup>

باز این کثیر در مورد معنای این حدیث می‌گوید:

و این راهی را که بیهقی اختیار کرده جماعتی نیز در آن با او موافقت کرده‌اند که مقصود از دوازده خلیفه در حدیث همان کسانی‌اند که تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک فاسقی که در مورد او سخن گفتیم، پشت سر هم حاکم شده‌اند. این نظریه خطاست؛ زیرا خلفا تا زمان این ولید بن یزید بیشتر از دوازده نفر بودند، دلایلش اینکه همانا خلفای اربعه خلافتشان با نص حدیث سفینه محقق است که فرمود: خلافت پس از من

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴.

۲. البدایه والنهایه ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۷۷.

تا سی سال خواهد بود.<sup>۱</sup> سپس بعد از اینها حسن بن علی است چنانکه واقع شد زیرا علی او را جانشین خود تعیین کرد و اهل عراق نیز بر او بیعت کردند. سپس معاویه و پسرش یزید و پسر او معاویه و مروان و پسرش عبدالملک و پسران او ولید و سلیمان و یزید و هشام و عمر بن عبدالعزیز و اینها پانزده نفرند و سپس ولید بن یزید بن عبد الملک. و اگر به خلافت ابن زبیر قبل از عبد الملک نیز اعتراف کنیم شانزده نفر می‌شوند و طبق این راهی که اینها اختیار کرده‌اند چنین می‌شود که در دوازده خلیفه یزید بن معاویه داخل می‌شود و عمر بن عبد العزیز که ائمه در مدح او اجماع کرده و او را از خلفای راشدین بر شمرده‌اند و مردم همه بر عادل بودن او اجماع دارند .... از دوازده خلیفه خارج می‌شود. اگر بگویید: من کسی را که امت بر وی اجماع نکرده، خلیفه نمی‌دانم، لازم است علی و فرزندش حسن را جزء خلفا نداند زیرا مردم به آن دو اجماع نکردند، زیرا اهل شام بر آن دو بیعت نکردند. مروان و ابن زبیر نیز از این دایره خارج می‌شوند، پس بنابر راهی که بیهقی (و همراهانش) پیموده‌اند، خلفا اینها می‌شوند: ابو بکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید، عبد الملک، ولید بن سلیمان، عمر بن عبد العزیز و یزید و هشام و اینها ده نفرند و سپس ولید بن یزید بن عبد الملک فاسق. ولی نمی‌توان این روش را قبول کرد؛ زیرا لازم می‌آید که از خلفا علی و فرزندش حسن خارج شوند و این بر خلاف چیزی است که امامان اهل سنت معتقدند و بلکه شیعه نیز، همچنین با حدیث سفینه نیز مخالف است و بنابر حدیث سفینه حسن نیز جزء خلفا است و این حدیث خلیفه نامیدن

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۰ و ۲۲۱. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۹۲. سنن ترمذی، و دیگران.

معاویه را نهی کرده است و بعد از سی سال خلافت قطع شد. لازم نیست که این خلفا پشت سر هم باشند و اشکالی ندارد که خلفای راشدین پس از روزگار این پادشاهها باشد چنانکه حدیث جابر بر این دلالت می‌کند.<sup>۱</sup>

باید دقت داشته باشیم که حدیث سفینه که ابن کثیر به آن استدلال کرد به چند دلیل ضعیف است:

۱- این حدیث مخالف حدیث دوازده خلیفه است.

۲- این حدیث را از سفینه تنها سعید بن جمحان روایت کرده و او فرد ضعیف است. ابو حاتم می‌گوید: حدیث او را نمی‌توان حجت قرار داد. ابن معین می‌گوید: از سفینه احادیثی نقل کرده که دیگران آن را نقل نکرده‌اند. بخاری می‌گوید: در احادیث او چیزهای عجیب است، و یحیی قطن از او راضی نبود و ساجی گفته است: از حدیث او نمی‌توان پیروی کرد.<sup>۲</sup>

پس، این حدیث ضعیف و با واقعیت نیز مخالف است و هیچ دلیل نیز وجود ندارد که ابو بکر، عمر و عثمان از خلفای راشدین باشند. همچنین ابن کثیر در سخن اولش امام حسن (ع) را جزء دوازده خلیفه ندانست، ولی این جا می‌گوید: حسن نیز طبق حدیث سفینه جزء خلفاست. ابن کثیر با این دو سخن متضاد خود هم ضعیف بودن حدیث و هم غیر صحیح بودن تفسیر خود از حدیث را ثابت می‌کند.

۱. تاریخ ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۷۹ و ۲۸۰.

۲. تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۳، ر ۱۵.

اما اینکه ابن کثیر می‌گوید: لازم نیست که خلفا پشت سر هم باشند، علاوه بر اینکه این سخن با خود حدیث دوازده خلیفه مخالف است، با احادیث صحیح و مسلم دیگر نیز مخالف است از جمله:

رسول اکرم (ص) فرمودند:

**من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة.**

هر که بمیرد در حالی که بر گردن خود بیعت خلیفه و امام زمانش را نداشته باشد به مانند مردم زمان جاهلیت از دنیا رفته است.<sup>۱</sup>

در حدیث دیگر فرمودند:

**من مات بغير امام مات میتة جاهلیة.**

هر که بمیرد در حالی که امام نداشته باشد (تابع امام زمانش نباشد و او را نشناسد) به مانند مردم زمان جاهلیت از دنیا رفته است.<sup>۲</sup>

در حدیث دیگر فرمودند:

**و من لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.**

هر که امام زمانش را نشناسد به مانند مردم زمان جاهلیت از دنیا رفته است.<sup>۳</sup>

از این احادیث نیز استفاده می‌شود که خلفای دوازده گانه باید پشت سر هم باشند و همچنین تا روز قیامت نیز زمین از یکی از اینها خالی نخواهد

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۰ و دیگران.

۲. مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶، ح ۱۶۹۲۹. صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۴۳۴، ح ۴۵۷۳. مجمع الزوائد، ج ۵ ص ۲۱۸ و ۲۲۵. فتح الباری، ج ۳، ص ۵.  
۳. شرح المقاصد تفتازانی، ج ۲، ص ۲۷۵. المرقات علی قاری، ج ۲، ص ۵۰۹.

مانند و الا مرگ مردم آن زمان همانند مرگ زمان جاهلیت خواهد بود و حدیث ثقلین نیز از باقی ماندن کتاب خدا و اهل بیت تا روز قیامت با صراحت خبر داده است..

حافظ ابو بکر بن عربی مالکی متوفای ۵۴۶ در مورد حدیث دوازده خلیفه می‌گوید:

**لم أعلم للحدیث معنی.**

برای این حدیث هیچ معنایی نمی‌دانم.<sup>۱</sup>

مهلب گفته است:

**عن ابن البطال إنه حکى عن المهلب قوله: لم ألق أحداً يقطع فى هذا الحدیث بشئ معین.**

کسی را ندیدم که در مورد این حدیث با قاطعیت و یقین معتقد به چیزی یا معنای مشخصی شده باشد.<sup>۲</sup>

ابن جوزی در مورد این حدیث می‌گوید:

**قد أطلت البحث عن معنی هذا الحدیث وتطلبت مظانه وسألته عنه فلم أقع على المقصود.**

بحث و تحقیق فراوانی را در معنای مقصود این حدیث کردم و از علما و بزرگان در مورد آن سؤال کردم، ولی به نتیجه نرسیدم.<sup>۳</sup> ابن تیمیه پس از اشاره به چند لفظ حدیث دوازده خلیفه می‌گوید:

**وهكذا كان فكان الخلفاء ابو بكر وعمر وعثمان وعلي ثم تولى من اجتمع الناس عليه وصار له عز و منعة معاوية وابنه يزيد ثم عبد الملك و اولاده الأربعة و بينهم عمر بن عبد العزيز و بعد**

۱. عارضة احوذی فی شرح الترمذی، ج ۹، ص ۶۹.

۲. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۲.

۳. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۸۳.

ذلك حصل في دولة الإسلام من النقص ما هو باق إلى الآن فإن بنى أمية تولوا على جميع أرض الإسلام وكانت الدولة في زمنهم عزيزة.

همین گونه بود (که رسول خدا(ص) فرمودند). خلفا، ابو بکر و عمر و عثمان و علی بودند. سپس کسی خلیفه شد که مردم بر او جمع شدند و در او عزت و توانمندی بود و او معاویه و فرزندش یزید بود. سپس عبدالملک و چهار فرزندش و بین آنها عمر بن عبد العزیز (خلفا) بودند و پس از این در دولت اسلام نقص به وجود آمد که تا حال حاضر باقی است. همانا بنی امیه بر تمام سرزمین‌های اسلامی حاکم شدند و دولت در زمانشان عزیز بود.<sup>۱</sup> این سخنان ابن تیمیه با عقیده اش در مورد بنی امیه ناسازگار است. ما در کتاب "ابن تیمیه امام سلفی‌ها" نمونه‌های ذکر کردیم که ابن تیمیه خود می‌گوید: بنی امیه ملک و پادشاه بودند، نه خلیفه و خود معاویه نیز می‌گفت که من نخستین پادشاه هستم.<sup>۲</sup> کعب الاحبار یهودی که در زمان خلیفه دوم مسلمان شده، می‌گوید:

حدثنا ضمرة عن ابن شونب عن أبي المنهال عن أبي زياد عن كعب قال: إن الله تعالى وهب لإسماعيل من صلبه اثني عشر قيما أفضلهم وخيرهم أبو بكر الصديق وعمر بن الخطاب وثمان ذو النور يقتل مظلوما يوتى أجره مرتين ملك الشام وابنه والسفاح و منصور وسين وسلام يعني صلاح وعافية.

همانا خداوند به اسماعیل دوازده عظیم بخشید که بهترین آن‌ها ابو بکر و عمر و عثمان که مظلوم کشته شد و دو کفیلین از اجر خواهد داشت و

۱. منهاج السنه، ج ۸، ص ۲۳۸.

۲. منهاج السنه، ج ۴، ص ۵۲۲. مجموع الفتاوى،

ج ۴، ص ۴۷۸.

پادشاه شام و فرزندش و سفاح و منصور و سین و سلام یعنی صلاح و عافیت.<sup>۱</sup>

ابن کثیر سخن کعب الاحبار را تا عثمان نقل کرده و به بقیه اشاره نکرده است.

باز ابن تیمیه می‌گوید:

وهؤلاء المبشر بهم في حديث جابر بن سمرة وقرر أنهم يكونون مفرقين في الامة ولا تقوم الساعة حتى يوجدوا وغلط كثير ممن تشرف بالاسلام من اليهود فظنوا أنهم الذين تدعو إليهم فرقة الرافضة فاتبعوهم. واین دوازده خلیفه‌ای که در حدیث جابر بن سمرة بشارت داده شده است و مقرر شده که اینها در امت اسلامی (در زمان‌های مختلف) پراکنده خواهند بود و قیامت برپا نمی‌شود مگر اینکه این دوازده خلیفه پیدا خواهند شد، ولی بسیاری از یهود که مسلمان شدند خطا کردند و گمان کردند که این دوازده خلیفه همان‌هایی هستند که شیعه معتقد است و به این خاطر مسلمان شیعه شدند.<sup>۲</sup>

اگر خواننده عزیز توجه به این دو سخن متناقض ابن تیمیه بکنند خواهند دید که هر کدام از این دو سخن او دیگری را تکذیب می‌کند.

ابن کثیر نیز مانند استادش ابن تیمیه می‌گوید:

وفي التوراة البشارة بإسماعيل وأن يقيم من صلبه اثني عشر عظيما وهم هؤلاء الخلفاء الاثنا عشر المذكورون في حديث ابن مسعود وجابر

۱. کتاب الفتن نعیم بن حماد، ص ۶۴. تاریخ

ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۸۱.

۲. منهاج السنه، ج ۸، ص ۲۳۸. تاریخ ابن کثیر،

ج ۶، ص ۲۸۰ به نقل از استادش ابن تیمیه.

بن سمره وبعض الجهلة ممن أسلم من اليهود إذا اقترن بهم بعض الشيعة يوهمونهم أنهم الائمة الاثنا عشر فيتشيع كثير منهم جهلا وسفها لقلة علمهم وعلم من لقتهم ذلك بالسنن الثابتة.

و در "تورات" به اسماعیل بشارت داده شده که از صلبش دوازده عظیم خواهد آمد و آنها همین خلفای دوازده گانه مذکور در حدیث ابن مسعود و جابر هستند، ولی برخی از جاهلان یهود که مسلمان شده‌اند چون بعضی از شیعیان به آنها نزدیک بوده و به آنها گفته‌اند که خلفا همان امامان دوازده گانه از اهل بیت هستند، به خاطر جهل و نادانی و کم بودن علمشان به سنت ثابت و علم آن کسی که این مطلب را به آنها تلقین کرده، بسیاری مسلمان شیعه شده‌اند.<sup>۱</sup>

ابن کثیر به یهودیان طعن می‌زند که به خاطر علم نداشتن و جهلشان شیعه شده‌اند، ولی خودش که مدعی علم است نتوانسته این دوازده خلیفه را معرفی کند، لذا علاوه بر اینکه سخنان دور از واقعیت گفته، حرف-های متناقض نیز حتی تنها در همین موضوع به جای گذاشته است. گاهی می‌گوید: حسن نیز طبق حدیث سفینه از خلیفای دوازده گانه است و گاهی امام حسن را حذف کرده و جزء خلفا ندانسته، علاوه بر اینکه نتوانسته عدد خلفا را کامل کند!

قندوزی حنفی بعد از نقل روایات دوازده خلیفه می‌نویسد:

قال بعض المحققين: إن الأحاديث الدالة على كون الخلفاء بعده (ص) اثنا عشر قد اشتهرت من طرق كثيرة، فبشرح الزمان وتعريف الكون والمكان، علم أن مراد رسول الله (ص) من حديثه هذا الائمة الاثنا عشر من أهل بيته وعترته، إذ لا يمكن أن يحمل هذا الحديث على الخلفاء بعده

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴.



من أصحابه، لقلتهم عن إثني عشر، ولا يمكن أن يحمله على الملوك الاموية لزيادتهم على إثني عشر، ولظلمهم الفاحش إلا عمر بن عبد العزيز، ولكونهم غير بني هاشم، لان النبي(ص) قال: "كلهم من بني هاشم" في رواية عبد الملك عن جابر، وإخفاء صوته(ص) في هذا القول يرجح هذه الرواية، لانهم لا يحسنون خلافة بني هاشم، ولا يمكن أن يحمله على الملوك العباسية لزيادتهم على العدد المذكور، ولقلة رعايتهم الآية (قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة في القربى) وحديث الكساء، فلا بد من أن يحمل هذا الحديث على الائمة الاتني عشر من أهل بيته وعترته(ص) لانهم كانوا أعلم أهل زمانهم وأجلهم وأورعهم وأتقاهم وأعلاهم نسبا، وأفضلهم حسبا، وأكرمهم عند الله، وكان علومهم عن آبائهم متصلا بجدهم(ص) وبالوراثة واللدنية، كذا عرفهم أهل العلم والتحقيق وأهل الكشف والتوفيق. ويؤيد هذا المعنى أي أن مراد النبي (ص) الائمة الاتنا عشر من أهل بيته ويشهده ويرجحه حديث الثقلين، والاحاديث المتكثرة المذكورة في هذا الكتاب وغيرها. وأما قوله (ص): "كلهم تجتمع عليه الامة" في رواية عن جابر بن سمرة فمراده (ص) أن الامة تجتمع على الاقرار بامامة كلهم وقت ظهور قائمهم المهدي (رضي الله عنهم).

بعض محققين گفته‌اند: حدیثی که دلالت بر وجود دوازده خلیفه دارد از طریق کثیر شهرت یافته و روشن کرده که مراد رسول خدا(ص) از این حدیث ائمه دوازده گانه از اهل بیتش هستند، زیرا ممکن نیست حمل این حدیث به خلفا از اصحابش که پس از آن حضرت خلافت را به دست گرفتند، به جهت کم بودنشان از دوازده نفر و همچنین ممکن نیست این حدیث به ملوک بنی امیه حمل شود؛ به جهت زیادی آنها از دوازده نفر

و ظلم آشکار آنها به جز عمر بن عبد العزیز و همچنین به جهت از غیر بنی هاشم بودن آنها؛ زیرا رسول خدا در روایت عبدالمک از جابر فرمود: همهی آنها از بنی هاشم هستند و مخفی شدن صدای آن حضرت زمان ایراد این قول این روایت را تقویت می‌کند و ترجیح می‌دهد... و حمل این حدیث به ملوک بنی العباس نیز ممکن نیست به جهت زیادی تعدادشان و به جهت قلت رعایتشان آیه "قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة فی القربی" و حدیث کساء را، پس ناچار باید این حدیث به ائمه اثنا عشر از اهل بیتش حمل شود؛ زیرا آنها اعلم و اجل و اورع و با تقواترین اهل زمان خود و بالاترین آنها از حیث نسب و افضل زمانشان ... و اکرم زمانشان نزد خداوند بودند علمشان از طریق پدرانشان به جدشان رسول خدا از جانب خداوند متصل بود. اهل علم و تحقیق و اهل کشف و توفیق اهل بیت را اینگونه شناخته و معرفی کرده‌اند. و این را که مراد رسول خدا از ائمه اثنا عشر اهل بیتش هستند حدیث ثقلین و احادیث زیاد دیگری است که در این کتاب و کتاب‌های دیگر ذکر شده تأیید می‌کند. و اما این سخن آن حضرت: "کلهم یجتمع علیه الامة" مراد آن حضرت اینکه امت زمان ظهور قائمشان مهدی (رضی الله عنهم) به امامت همهی این دوازده امام اقرار می‌کنند.<sup>۱</sup>

اما شخصیت قندوزی: زرکلی می‌گوید: سلیمان بن خاجه ابراهیم حسینی حنفی نقشبندی فاضل اهل بلخ و در قسطنطنیه وفات کرد و از جمله آثارش "ینابیع المودة" است.<sup>۲</sup>

۱. ینابیع المودة لذوی القربی، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲. الاعلام، ج ۳، ص ۱۲۵.

این هم يك مورد اعتراف از يك عالم منصف اهل سنت که مانند دیگران خود را به نادانی و کج فهمی نزده، بلکه راحت به واقعیت اعتراف کرده و حقیقت مطلب را بیان کرده است که غیر از اهل بیت رسول خدا(ص) هیچ کسی نمی‌تواند از جمله این دوازده خلیفه باشد.

چنان‌که ملاحظه کردید هیچ يك از این علمای بزرگ منکور از اهل سنت به حدیث ثقلین و اهل بیت رسول خدا(ص) در شرح و معنا کردن این حدیث شریف اشاره نکرده‌اند به همین سبب هم به نتیجه نرسیده و سخنان متناقض از خود به جا گذاشته‌اند. ولی اگر انصاف به خرج داده به این حدیث متواتر توجه می‌کردند حل این مطلب و پیدا کردن مصداق حدیث دوازده خلیفه برایشان راحت می‌شد و این قدر خود را به سختی و زحمت نمی‌انداختند و چنین سخنان متناقض و مختلف نیز از آن‌ها در تاریخ ثبت نمی‌گشت.

همچنین می‌بینیم که حتی بین سخن استاد و شاگرد یعنی ابن تیمیه و ابن کثیر و همچنین ابن کثیر و ابن حجر که در فتح الباری همان نظریه بیهقی را پسندیده است، در معنا کردن این حدیث اختلاف وجود دارد. ابن کثیر به جز عمر بن عبدالعزیز بقیه بنی امیه را از خلفا خارج می‌کند و خلفا خواندن آن‌ها را مخالف حدیث سفینه می‌داند، ولی ابن تیمیه آن‌ها را گاهی جزء دوازده خلیفه بر می‌شمارد.

پس اگر ما این دو حدیث متواتر و قطعی را کنار هم گزاریم به این نتیجه خواهیم رسید که این دوازده خلیفه حتماً همان کسانی باید باشند که در حدیث متواتر ثقلین، خدا و رسولش آن‌ها را رهبران امت اسلامی تا روز قیامت معرفی کرده‌اند، و در غیر این صورت، هم نمی‌توان برای این حدیث شریف مصداق پیدا کرد و هم نمی‌توان معنا و مصداق آن سه

حدیث گذشته را پیدا کرد و جواب آن را داد که در آن حدیث حضرت فرموده‌اند: بدون بیعت به امام و بدون شناخت امام مردن به مانند مردن مردم زمان جاهلیت است.

علاوه بر این اهل بیت رسول خدا(ص) برگزیده گان خداوند متعال هستند و در حدیث صحیح وارد شده که ابن عباس در مورد آیه شریفه زیر می‌گوید:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ.

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد و برگزید.

قال: هم المؤمنون من آل إبراهيم وآل عمران وآل ياسين وآل محمد.

آن‌ها مؤمنان از آل ابراهیم، آل عمران، آل یس و آل محمد(ص) هستند.

پس بنابر این آیه شریفه خداوند متعال اهل بیت رسول خدا (ص) را بر این امت برگزیده و برتری داده است.

و این حقیقت را حدیث زیر نیز تقویت می‌کند:

ابن أبي عمار شداد أنه سمع واثلة بن الأسقع يقول: سمعت رسول الله (ص) يقول: إن الله اصطفى كنانة من ولد إسماعيل واصطفى قريشا من كنانة واصطفى من قريش بني هاشم واصطفاني من بني هاشم.

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۶۳. تفسیر طبری، ج ۳، ص ۲۳۳ و دیگران.

وائله می‌گوید: شنیدم که رسول خدا (ص) می‌فرمودند: همانا خداوند کنانه را از فرزندان اسماعیل و قریش را از کنانه و بنی هاشم را از قریش و من را از بنی هاشم برگزید.<sup>۱</sup> پس این آیه شریفه و حدیث صحیح نیز رهبری اهل بیت رسول خدا (ص) را بر این امت تأیید و تأکید نموده است.

البته دلایل فراوان و صحیح و ثابت دیگر برای تأیید آنچه ذکر شد وجود دارد، ولی ما نخواستیم آن‌ها را ذکر کنیم، زیرا هدف آشنا کردن بیشتر امت اسلامی از تنها راه نجاتی بود که رسول اکرم (ص) در موارد مختلف امت خود را به پیروی از آن توصیه کرده‌اند و چنین معرفی فرمودند که تنها راه نجات از گمراهی، در پیروی از کتاب خدا و اهل بیت (ع) با هم خواهد بود. امیدواریم ان شاء الله آشنایی با این دو حدیث شریف و عمل به آن سبب آشنایی بیشتر ما از اخبار دیگر در این زمینه و با اسلام ناب گردد و کاری کنیم که در آخرت در پیشگاه پروردگار متعال و رسول اکرم (ص) شرمندانه نگردیم. چگونه ممکن است در آخرت عذری داشته باشیم با اینکه به چنین حدیث متواتر و چیزی که این همه رسول خدا (ص) روی آن تأکید و سفارش کرده‌اند و تنها راه نجات از ضلالت را در پیروی از آن معرفی کرده‌اند، توجه نکرده باشیم.

این نوشتار را این جا به پایان برده و امیدواریم که خداوند متعال این مطالب را سبب آشنایی و پیوند بیشتر مسلمین با خاندان مطهر رسول

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۲، ح ۲۲۷۲. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۸۳، ح ۳۶۰۵. مسند احمد، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۱۷۰۲۷ و ۱۷۰۲۸.

---

خدا(ص) قرار دهد و به همه‌ی مسلمین توفیق شناخت و معرفت کامل این خاندان مطهر را کرامت فرماید.

خداوند متعال را بر این توفیقی که در انجام این عمل برای ما ارزانی داشت سپاس می‌گوییم و از درگاه آن آفریدگار مهربان توفیق انجام عمل خالصانه و عاقبت به خیری را برای همگان خواستاریم.

### فهرست مصادر

- ١- الأحاد و المثنائى، احمد بن عمرو بن الضحاك ابو بكر شيبانى، (وفات: ٢٨٧ ق)، دار الرايه، رياض، ١٤١١ ق ١٩٩١ م.
- ٢- احاديث السلسلة الصحيحة، محمد ناصر الدين الألباني، مكتبة المعارف، الرياض.
- ٣- الاحاديث المختارة، محمد بن عبدالواحد حنبلى (متوفى ٦٤٣ ق)، رياض.
- ٤- اسد الغابه، ابن اثير، انتشارات اسماعيليان، تهران.
- ٥- الأمالى، محمد بن الحسن الطوسى، (متوفى ٤٦٠ ق)، دار الثقافة قم، الطبعة الاولى، ١٤١٤ ق.
- ٦- الاختيار فى معرفة الرجال، محمد بن حسن الطوسى، مؤسسه آل البيت، قم، ١٤٠٤ ق.
- ٧- انساب الاشراف، احمد بن يحيى بلاذرى، (وفات قرن ٣)، مؤسسة العلمى، بيروت، ١٣٩٤ ق.
- ٨- الاصابه فى تمييز الصحابه، احمد بن على بن حجر ابو الفضل عسقلانى شافعى، (وفات ٨٥٢ ق)، دار الجيل، بيروت، ١٤١٢ ق ١٩٩٢ م.
- ٩- الاعلام قاموس التراجم، خير الدين الزركلى، دار العلم للملايين، بيروت، طبعة الخامسة.
- ١٠- الأمالى الشجرية، ابن شجرى.
- ١١- البداية والنهاية، اسماعيل بن كثير دمشقى، (وفات ٧٤٤ ق)، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ ق.
- ١٢- بحار الأنوار، العلامة محمد الباقر المجلسى، (المتوفى ١١١١ ق)، مؤسسة الوفاء، بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ ق.
- ١٣- تاريخ يحيى بن معين، بروايت عثمان بن سعيد، (وفات ٢٨٠ ق)، دار المأمون للتراث، دمشق.

- ١٤ - تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، (وفات ٥٧١ ق)، دار الفكر، بيروت، ١٤١٥ ق.
- ١٥ - تاريخ بغداد، احمد بن على ابو بكر خطيب، (وفات ٤٦٣ ق)، دار الكتب العلمية، بيروت.
- ١٦ - تاريخ اسماء الثقات، عمر بن احمد معروف به ابن شاهين، دار السلفية، ١٤٠٤ ق.
- ١٧ - تفسير طبرى، محمد بن جرير طبرى، (وفات ٣١٠ ق). دار الفكر، بيروت، ١٤١٥ ق.
- ١٨ - تفسير ثعلبى شافعى، (وفات ٤٢٧ ق)، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٢ ق.
- ١٩ - تفسير ابن كثير، اسماعيل بن كثير، (وفات ٧٧٤ ق)، دار المعرفة، بيروت، ١٤١٢ ق.
- ٢٠ - تهذيب التهذيب، احمد بن على بن حجر ابو الفضل عسقلانى شافعى، (وفات ٨٥٢ ق)، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٤ ق ١٩٨٤ م.
- ٢١ - تهذيب الكمال، يوسف بن زكى عبدالرحمن ابو حجاج مزى، (وفات ٧٤٢ ق)، دار النشر، دار الفكر، بيروت، سال انتشار ١٤٠٠ ق ١٩٨٠ م.
- ٢٢ - الثقات، محمد بن حبان ابو حاتم تميمي بستي، (وفات ٣٥٤ ق)، دار الفكر، بيروت، سال انتشار ١٣٩٥ ق ١٩٧٥ م.
- ٢٣ - الجامع الصحيح المختصر، محمد بن اسماعيل البخارى، (وفات ٢٥٦ ق) دار ابن كثير، چاپ سوم، اليمامة، بيروت ١٤٠٧ ق ١٩٨٧ م، دار الفكر بيروت. سال ١٤٠١ هـ.
- ٢٤ - جامع صحيح سنن ترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، (وفات ٢٧٩ ق)، دار الاحياء التراث العربى، و دار الفكر، بيروت، ١٤٠٣ ق.
- ٢٥ - الجامع الصغير، سيوطى، دار الفكر، بيروت ١٤٠١ ق.



- ٢٦ - (صحيح وضعيف) الجامع الصغير وزيادته، محمد ناصر الدين الألباني، المكتب الإسلامي.
- ٢٧ - الجرح و التعديل، عبد الرحمن بن ابي حاتم، ابو محمد رازى، (وفات ٣٢٧ ق)، دار الإحياء التراث العربي، بيروت، ١٢٧١ ق ١٩٥٢ م.
- ٢٨ - (جزء ابو طاهر) من حديث أبي الطاهر، محمد بن أحمد بن عبد الله الذهلي، لعلي بن عمر بن أحمد الدارقطني، دار الخلفاء للكتاب الإسلامي، الكويت، الطبعة الأولى، ١٤٠٦ ق.
- ٢٩ - حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، ابو نعيم احمد بن عبدالله اصبهاني، (وفات ٤٣٠ ق)، دار الكتب العربي، بيروت، ١٤٠٥ ق.
- ٣٠ - خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، أحمد بن شعيب النسائي، مكتبة المعلا، الكويت، ١٤٠٦ ق.
- ٣١ - ذخائر العقبى، احمد بن عبدالله طبري، (وفات ٦٩٤ هـ)، دار الكتب مصرية، ١٣٥٦ ق.
- ٣٢ - الذرية الطاهرة النبويه، ابو بشر محمد بن احمد بن حماد دولابي، وفات ٣١٠ ق، دار السلفية، كويت، ١٤٠٧ ق.
- ٣٣ - سنن دارمي، عبدالله بن عبدالرحمن ابو محمد دارمي، وفات مؤلف ٢٥٥ ق، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٧ ق.
- ٣٤ - سنن دارقطني، علي بن عمر ابو الحسن دارقطني، (وفات ٣٨٥ ق)، دار المعرفة، بيروت، ١٩٦٦ م ١٣٨٦ ق.
- ٣٥ - سنن ابي داوود، سليمان بن اشعث ابو داوود سجستاني، (وفات ٢٧٥ ق)، دار الفكر، بيروت، چاپ اول، ١٤١٠ ق.
- ٣٦ - سنن كبرى، احمد بن شعيب ابو عبدالرحمن نسائي، (وفات ٣٠٣ ق)، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١١ ق ١٩٩١ م.
- ٣٧ - سنن بيهقي الكبرى، احمد بن حسين بيهقي، (وفات ٤٥٨ ق)، مكتبة دار الباز، مكة مكرمه، ١٤١٤ ق ١٩٩٤ م، و دار الفكر بيروت.

- ٣٨ - السنة، عمرو بن ابي عاصم ضحاك شيباني، (وفات ٢٨٧ ق)، المكتب الاسلامي، بيروت، ١٤٠٠ ق.
- ٣٩ - سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبي ابو عبدالله، (وفات ٧٤٨ ق)، موسسه الرسالة، بيروت، سال انتشار ١٤١٣ هـ.
- ٤٠ - الشريعة، الآجري.
- ٤١ - صحيح الترمذي، للالباني.
- ٤٢ - صحيح ابن خزيمة، محمد بن اسحاق بن خزيمة، (متوفى ٣١١ ق)، المكتب الاسلامي، سال ١٤١٢ هـ.
- ٤٣ - صحيح ابن حبان ابو حاتم بستي، (وفات ٣٥٤ ق)، چاپ موسسه رساله، بيروت، ١٤١٤ ق، چاپ دوم.
- ٤٤ - صحيح مسلم، مسلم بن حجاج ابو الحسين نيشابوري، (ولادت ٢٠٦ ق)، دار الاحياء التراث العربي، بيروت.
- ٤٥ - الصواعق المحرقة، ابن حجر هيثمى، موسسه الرساله، بيروت، ١٤١٧ ق ١٩٩٧ م.
- ٤٦ - الضعفاء الكبير، محمد بن عمرو عقيلي، (وفات ٣٢٢ ق)، دار الكتب العلميه، بيروت.
- ٤٧ - طبقات كبرى (القسم المتمم لتابعى اهل المدينة و بعدهم)، محمد بن سعد هاشمى ابو عبدالله، (وفات ٢٣٠ ق)، مكتبة العلوم و الحكم، مدينه منوره، ١٤٠٨ ق.
- ٤٨ - ظلال الجنة في تخريج السنة لابن ابي عاصم، محمد ناصر الدين الألباني، المكتب الإسلامى، بيروت الطبعة الثالثة، ١٤١٣ ق ١٩٩٣ م.
- ٤٩ - العلل الواردة فى الاحاديث النبويه، على بن عمر ابو الحسن دارقطنى، (وفات ٣٨٥ ق)، دار طيبة، رياض، ١٤٠٥ ق ١٩٨٥ م.
- ٥٠ - فتح البارى شرح صحيح بخارى، احمد بن على بن حجر عسقلانى، (وفات ٨٥٢ ق)، دار المعرفه، بيروت، ١٣٧٩ ق.
- ٥١ - الفتن، نعين بن حماد، دار الفكر، بيروت، ١٤١٤ ق.

- ٥٢ - فضائل الصحابة، احمد بن حنبل ابو عبدالله شيباني، (وفات ٢٤١ ق)، موسسه الرساله، بيروت، ١٤٠٣ ق ١٩٨٣ م.
- ٥٣ - الفوائد المجموعة في الأحاديث الموضوعة، محمد بن علي الشوكاني، المكتب الإسلامي، بيروت، ١٤٠٧ ق.
- ٥٤ - فيض القدير شرح جامع صغير، عبد الرؤوف مناوي، المكتبة التجارية الكبرى، مصر، ١٣٥٦ ق.
- ٥٥ - لسان العرب، ابن منظور، (وفات ٧١١ ق)، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤٠٥ ق.
- ٥٦ - لسان الميزان، احمد بن علي بن حجر عسقلاني، (وفات ٨٥٢ ق)، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٦ ق ١٩٨٦ م.
- ٥٧ - الكامل في ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى ابو احمد جرجاني، (وفات ٣٦٥ ق)، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٩ ق ١٩٨٨ م.
- ٥٨ - كفاية الاثر في النص على ائمة الاثنى عشر، الخزار، القمي الرازي، (وفات ٤٠٠ ق)، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ ق.
- ٥٩ - كمال الدين وتمام النعمة، الشيخ الصدوق، (متوفى ٣٨١ ق)، مؤسسة نشر الاسلامي، ١٤٠٥ ق.
- ٦٠ - كنز العمال، متقى هندي، (وفات ٩٧٥ ق)، مؤسسة الرسالة، بيروت.
- ٦١ - مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علي بن ابي بكر هيتمي، (وفات ٨٠٧ ق)، دار الريان للتراث، دار الكتاب العربي، قاهره، بيروت، ١٤٠٨ ق.
- ٦٢ - مجموع الفتاوى، احمد بن عبدالحليم ابن تيميه، (متوفى ٧٢٨ ق).
- ٦٣ - مرقة المفاتيح في شرح مشكاة المصابيح، علي بن سلطان القارى، دار الفكر، بيروت، ١٤٢٢ ق

- ٦٤ - المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله ابو عبدالله حاکم، (وفات ٤٠٥ ق)، دار الکتب العلمیه، بیروت، ١٤١١ ق. چاپ اول، دارالمعرفه بیروت، ١٤٠٦ ق.
- ٦٥ - مسند ابو عوانه، عوانه بن یعقوب اسفرائینی، (وفات ٣١٦ ق)، دارالمعرفه، بیروت، ١٩٩٨ م.
- ٦٦ - مسند بزار، ابو بکر احمد بن عمرو بزار، (وفات ٢٩٢ ق)، مؤسسه علوم القرآن، ومکتبه العلوم و الحكم، بیروت، مدینه، ١٤٠٩ ق.
- ٦٧ - مسند، احمد بن حنبل ابو عبدالله شیبانی، (وفات ٢٤١ ق)، مؤسسه قرطبه، مصر، دار صادر، بیروت.
- ٦٨ - مسند الرویانی، احمد بن هارون رویانی ابو بکر، (وفات ٣٠٧ ق)، مؤسسه قرطبه، قاهره، ١٤١٦ ق.
- ٦٩ - مسند ابی یعلی، احمد بن علی موصلی، وفات ٣٠٧ ق، دار المأمون للتراث، دمشق، ١٤٠٤ ق ١٩٨٤ م.
- ٧٠ - مسند ابن جعد، علی بن جعد، (وفات ٢٣٠ ق)، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ٧١ - مشکاة المصابیح، محمد بن عبد الله الخطیب التبریزی، المکتب الإسلامی، بیروت، ١٤٠٥ ق ١٩٨٥ م تحقیق محمد ناصر الدین الألبانی.
- ٧٢ - مصنف فی الاحادیث و الآثار، ابو بکر عبدالله بن محمد بن ابی شیبه کوفی، (وفات ٢٣٥ ق)، مکتبه الرشد و دار الفکر، ریاض، بیروت، ١٤٠٩ ق.
- ٧٣ - معانی الأخبار، الشیخ الصدوق، (المتوفی ٣٨١ ق)، انتشارات اسلامی، ١٣٦١ ش.
- ٧٤ - المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد ابو القاسم طبرانی، (وفات ٣٦٠ ق)، مکتبه العلوم و الحكم، موصل، ١٤٠٤ ق ١٩٨٣ م.
- ٧٥ - المعجم الاوسط، ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی، (وفات ٣٦٠ ق)، دار الحرمین، قاهره، ١٤١٥ ق.

- ٧٦ - المعجم الصغير، ابو القاسم سليمان بن احمد طبراني، (وفات ٣٦٠ ق)، دار المكتبة العلمية، بيروت.
- ٧٧ - المعرفة والتاريخ، يعقوب بن سفيان فسوي، (متوفى ٢٧٧ ق).
- ٧٨ - معرفة الثقات، احمد بن عبدالله العجلي، مكتبة الدار، بالمدينة المنورة، ١٤٠٥ ق.
- ٧٩ - المنتخب من مسند عبد بن حميد، مكتبة السنة، القاهرة، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ ق ١٩٨٨ م.
- ٨٠ - مناقب علي بن ابيطالب، علي بن محمد شافعي غزالي، (وفات ٤٨٣ ق)، المكتبة الاسلامية، تهران، ١٣٩٤ ق.
- ٨١ - المناقب، محمد بن احمد مكى خوارزمي، (وفات ٥٤٨ ق)، ١٤١١ ق.
- ٨٢ - المنتخب من مسند عبد بن حميد، مكتبة السنة، القاهرة، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ ق ١٩٨٨ م.
- ٨٣ - الموضوعات، علي بن جوزي، المكتبة السلفية، بالمدينة المنورة، ١٣٨٦ ق.
- ٨٤ - منهاج السنة النبويه، احمد بن عبدالحليم ابن تيميه، (وفات ٧٢٨ ق)، موسسه قرطبه، ١٤٠٦ ق.
- ٨٥ - ميزان الاعتدال في نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبي، (وفات ٧٥٨ ق)، دار الكتب العلمي، بيروت، ١٩٩٥ م.
- ٨٦ - الولاية، احمد بن محمد بن عقده، دليل ما، قم، ١٤٢١ ق.
- ٨٧ - ينابيع المودة لذوي القربى، سليمان بن ابراهيم حنفي، دار الاسوه، ١٤١٦ ق.

## فهرست

- ٧ \_\_\_\_\_ مقدمه
- ٩ \_\_\_\_\_ ١- احاديث زيد بن ثابت با لفظ خليفتين

- 
- ۱۶ \_\_\_\_\_ حدیث زید بن ثابت با لفظ "ثقلین"
- ۱۹ \_\_\_\_\_ ۲-روایات امیر المؤمنین ×
- ۲۷ \_\_\_\_\_ ۳-حدیث امام حسن ×
- ۲۸ \_\_\_\_\_ ۴-روایات زید بن ارقم
- ۲۸ \_\_\_\_\_ ۱-روایات ابو طفیل از زید بن ارقم
- ۴۵ \_\_\_\_\_ ۲-روایات یزید بن حیان از زید بن ارقم
- ۴۹ \_\_\_\_\_ ۳-روایت حبیب بن ابی ثابت از زید بن ارقم
- ۵۰ \_\_\_\_\_ ۴-روایات مسلم بن صبیح از زید بن ارقم
- ۵۲ \_\_\_\_\_ ۵- روایت علی بن ربیعہ از زید بن ارقم
- ۵۳ \_\_\_\_\_ ۶-روایت یحیی بن جعدہ از زید بن ارقم
- ۵۵ \_\_\_\_\_ ۷-روایت پسر خانم زید بن ارقم از او
- ۵۷ \_\_\_\_\_ ۵-روایات ابو سعید خدری
- ۵۷ \_\_\_\_\_ ۱-روایت عبدالرحمن ار پدرش
- ۵۸ \_\_\_\_\_ ۲-روایات عطیہ از ابو سعید خدری
- ۷۴ \_\_\_\_\_ ۶-روایات جابر ابن عبدالله انصاری
- ۸۰ \_\_\_\_\_ ۷-روایات عبدالله ابن عباس
- ۸۳ \_\_\_\_\_ ۸-حدیث عبدالله ابن عمر
- ۸۴ \_\_\_\_\_ ۹-حدیث ابن عمر وسعد بن ابی وقاص
- ۸۶ \_\_\_\_\_ ۱۰-روایات حذیفہ ابن اسید
- ۸۸ \_\_\_\_\_ ۱۱-روایات جبیر بن مطعم
- ۹۰ \_\_\_\_\_ ۱۲-روایات عبدالله بن حنطب
- ۹۱ \_\_\_\_\_ ۱۳-روایات ابو ذر غفاری
- ۹۵ \_\_\_\_\_ ۱۴-روایات ابو هريره

- 
- ۹۷ \_\_\_\_\_ ۱۵-روایت ابو رافع
- ۹۹ \_\_\_\_\_ ۱۶-روایت براء بن عازب
- ۱۰۰ \_\_\_\_\_ ۱۷-روایات ام سلمه
- ۱۰۲ \_\_\_\_\_ ۱۸-روایت حضرت فاطمه زهرا ÷
- ۱۰۲ \_\_\_\_\_ ۱۹-روایات ام هانی
- ۱۰۴ \_\_\_\_\_ ۲۰-روایت عبدالرحمن بن عوف
- ۱۰۵ \_\_\_\_\_ ۲۱-روایت هفده نفر از صحابه
- ۱۰۷ \_\_\_\_\_ ۲۲-روایت عامر بن ابی لیلی
- ۱۰۹ \_\_\_\_\_ ۲۳-روایت انس بن مالک
- ۱۱۰ \_\_\_\_\_ ۲۴-روایت ضمیره
- ۱۱۱ \_\_\_\_\_ ۲۵-روایت حذیفه بن یمان
- ۱۱۹ \_\_\_\_\_ اعتراف علما بر کثرت روات
- ۱۱۹ \_\_\_\_\_ معنای حدیث از نظر علما
- ۱۲۳ \_\_\_\_\_ خلفا و جانشینان دوازده گانه رسول خدا □
- ۱۴۳ \_\_\_\_\_ فهرست مصادر
- ۲۰۰ \_\_\_\_\_ فهرست کتاب